الاوراد

اشاعتِ اوّلینِ مخطوطۂ قدیم

تصنیف

شیخ الاسلام حضرت بہاء الدین زکریا ملتانی علیہ الرحمۃ

۵۶۶ — ۶۶۱ ھ

بتصحیح و تحشیہ
محمد میاں صدیقی

بادارت و اہتمام
محمد ارشد قریشی

مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان ○ اسلام آباد

اسلامک بک فاؤنڈیشن - این ۲۴۹ ○ سمن آباد - لاہور

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم

★ کتاب نگر ★
حسن آرکیڈ ۔ ملتان کینٹ

RICHARD JAZIAR

الاوراد

اشاعتِ اوّلین مخطوطۂ قدیم

تصنیف

شیخ الاِسلام حضرت بہاءالدین زکریّا مُلتانی علیہ الرحمۃ

٥٦٦ — ٦٦١ ھ

بتصحیح و تحشیہ
محمد میاں صدّیقی

بادارت و اہتمام
محمد ارشد قریشی

مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان ○ اِسلام آباد

اِسلامک بُک فاؤنڈیشن این ۲٤۹ ○ سمن آباد۔ لاہور

TECHNICAL SUPPORT BY
CHUGHTAI
PUBLIC LIBRARY

FAISAL JHANDIR LIBRARY
MASOOD
Acc No. 92973
★ MAILSI ★

مشخصات این کتاب

نام کتاب : الأوراد

مصنّف : شیخ الاِسلام حضرت بہاء الدّین زکریا مُلتانی علیہ الرحمۃ

ناشرین : مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان ○ اِسلام آباد
اِسلامک بُک فاؤنڈیشن ۲۴۹ - این سمن آباد ○ لاہور

شمارہ : مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان (شمارۂ ۳۰)
اِسلامک بُک فاؤنڈیشن - لاہور (شمارۂ ۱۶)

تعداد : ۱۰۰۰ مجلد

ضخامت : ۲۰ × ۲۶ / ۸ ۲۰۰ صفحات

سرورق : حافظ محمد یوسف سدیدی - لاہور

تاریخ چاپ : [redacted] ، ۱۳۹۸ ہجری قمری ، ۱۹۷۸ میلادی

چاپخانہ : چاپ خانۂ معارف ، شارع گنج بخش ، لاہور

بہا : ۲۵/ روپے - پاکستان

محل انتشار : کتابخانۂ گنج بخش ، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان ، اِسلام آباد
اِسلامک بُک فاؤنڈیشن ۲۴۹ - این سمن آباد - لاہور ، پاکستان

محل فروش : المعارف ، شارع گنج بخش - لاہور پاکستان

Masood Faisal Jhandir Library

تقدیم

بہ مخدوم محمد سجاد حسین قریشی دامت برکاتہ

سجادہ نشینِ درگاہِ حضرت غوث بہاؤالدین زکریا قدس سرہٗ ، ملتان

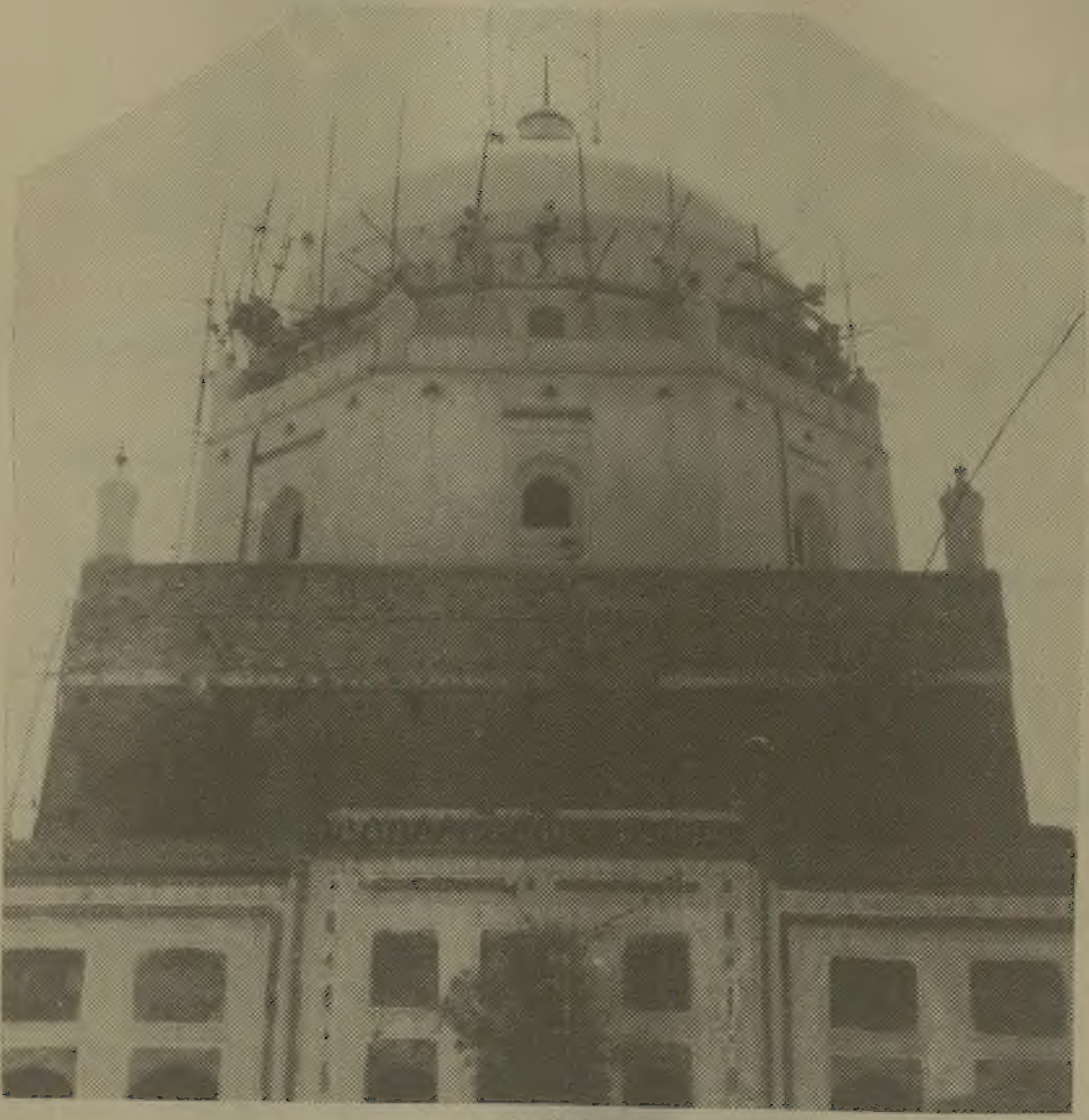

مزارِ پُرانوار

شیخ بہاء الدین زکریا ملتانی

در قلعہ کہنہ ملتان

فہرستِ مطالب

مطالب	صفحات	مطالب	صفحات
پیش گفتار	۹	ادبِ قضائے حاجت	۱۱۷
آغاز کتاب	۲۱	کیفیّتِ استنجاء	۱۱۹
مرتبہ اوّل	۲۱	کیفیّتِ استبراء	۱۱۹
مرتبہ دوم	۲۲	ذکرِ شبانہ	۱۲۲
مرتبہ سوم	۲۲	ذکرِ تقدیر آبِ غسل	۱۲۴
نود و نہ نام باری تعالیٰ	۴۵	ذکرِ نمازِ تہجد	۱۲۴
مسبعات عشر	۵۱	دعاءِ ابدال	۱۲۹
وردِ بدرقہ ایمان	۶۲	شبِ آدینہ	۱۳۰
ذکرِ نماز اشراق	۶۷	ذکرِ نمازِ احزاب	۱۳۴
الاستخارہ	۷۱	ذکرِ نمازِ استخارہ	۱۳۶
نماز تسبیح	۷۵	فائدہ استخارہ	۱۳۸
ذکرِ نماز چاشت	۸۲	ذکرِ طعام خوردن	۱۳۸
الاستخارہ	۸۲	کیفیّتِ سفر رفتن	۱۴۲
استحبابِ دو رکعت	۸۳	ذکرِ جامۂ نو پوشیدن	۱۴۵
ذکرِ نماز	۸۶	ذکرِ عروس بخانہ آوردن	۱۴۶
نمازِ روشنیٔ گور	۹۷	ذکرِ غسلِ جنابت	۱۴۷
ذکرِ نمازِ خفتن	۱۰۰	ذکرِ نمازِ جنازہ	۱۴۸
ذکرِ خفتن	۱۰۸	ذکرِ زیارت کردن بامداد پنجشنبہ	
ذکرِ بیدار شدن از خواب	۱۱۵	یا بعد نماز جمعہ یا شنبہ قبل الطلوع	۱۵۱

مطالب	صفحات	مطالب	صفحات
ذکرِ ماہِ نو دیدن	۱۵۵	ذکرِ ماہِ رمضان	۱۷۶
ذکرِ ماہِ محرم	۱۵۶	ذکرِ تراویح	۱۷۷
نمازِ خوشنودی	۱۶۰	ذکر	۱۸۰
ذکرِ ماہِ صفر	۱۶۱	دعاءِ وداعِ ماہِ رمضان	۱۸۴
دعاءِ ماہِ صفر	۱۶۱	شبِ عیدالفطر	۱۹۰
لِطُولِ العمر	۱۶۲	لطول العمر	۱۹۰
ذکرِ ماہِ رجب	۱۶۳	ذکرِ ذی الحجہ	۱۹۱
لیلۃ الرغائب	۱۶۴	شبِ عرفہ	۱۹۱
نمازِ خواجہ اویس قرنیؒ	۱۶۶	روزِ عرفہ	۱۹۲
ذکرِ استفتاح و دعاءِ آں	۱۶۶	دعاءِ عرفات	۱۹۳
لطول العمر	۱۷۳	شبِ اضحیٰ	۱۹۸
ذکرِ ماہِ شعبان	۱۷۴	روزِ اضحیٰ	۱۹۸
شبِ برات	۱۷۴	نماز و دعاءِ آخرِ سال	۱۹۹
دعاءِ شبِ برات	۱۷۴		

زیرا که نسب [illegible] می شود [illegible] هاشمی النسب هستند [illegible]

[illegible] واسطه به حضرت پیامبر می رسد.

مؤلف [illegible] می نویسد که :

"[illegible]" [illegible] موجود است [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] فرمودند :

"[illegible]"

تولد :

[illegible]

در [illegible] سال [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] است :

"[illegible]

[illegible]

[illegible]"

[illegible] است [illegible]

[illegible] مبارک [illegible] رمضان المبارک [illegible]

[illegible] ولادت [illegible]

[illegible] ولادت [illegible] گفت :

[illegible]

[illegible]

[illegible] هجری ق.

[illegible]

در "سفینة الاولیاء" [illegible] نوشته شده است.

و [illegible] نوشته است که چون پدر و اجداد ایشان [illegible] شده [illegible] بخوارزم آمدند و از آنجا به [illegible] تشریف آوردند [illegible] بودو [illegible] سکونت اختیار کردند [illegible] ایشان در [illegible] و تقوی مقام [illegible] است [illegible] توفیق یافتند. در [illegible] روزه [illegible] و [illegible] تقوی [illegible] و [illegible] روزه [illegible] مشغول بودند [illegible] ایشان [illegible] شیخ [illegible] موصوف شد و از [illegible] آن [illegible] حضرت شیخ [illegible] نمودند.

آموزش:

ایشان در [illegible] آموزش [illegible] کردند [illegible] در [illegible] سالگی [illegible] قرآن [illegible] کردند و بعد از آن به [illegible] متوجه شدند.

چون دوازده ساله شدند [illegible] و [illegible] ایشان [illegible] آموزش [illegible] بیشتر [illegible] گذاشتند.

مؤلف [illegible] نوشته [illegible] سال [illegible] رسیدند [illegible] نوشته می‌افتند.[2]

مؤلف [illegible] می‌نویسد:

"در [illegible] می‌کشند."[3]

از [illegible] رفتند و بعد از [illegible] برای زیارت [illegible] صلی الله علیه وسلم به مدینه منوره رسیدند و [illegible] رسول صلی الله [illegible] تزکیه نفس و تصفیه باطن [illegible] کشیدند. بعد از [illegible] مدینه منوره [illegible]

۱ه: [illegible] ص: ۸۶

۲ه: ایضاً ص: ۸۵ ۳ه: گزیده تذکره [illegible] مرتبه: [illegible] فریدی.

[illegible]

[illegible]

مؤلف "بزم صوفیہ" می نویسد:

"[illegible]"

شیخ محمد نوربخش در "سلسلة الذهب" می نگارد:

[illegible]

[illegible]

"[illegible]

له: بحوالۂ "حضرت بہاؤالدین زکریا" ص: ۱۲۲۔

[illegible] تذکرۂ شیخ بہاء الدین زکریا، ص: [illegible]

خدا التجا کنید، درخواست کنید فقط از وی کنید، تا خدا شما را توفیق عمل نیک عطا فرماید." له

وفات:

حضرت شیخ ۹۶ سال عمر یافتند. صحت ایشان تا آن وقت خیلی خوب بود در سن نود و شش سالگی نیز از بالاخانه به زیر آمده نماز با جماعت ادا می کردند. بروز سه شنبه بتاریخ ۷ صفر در سال ۶۶۶ هجری قمری ازین عالم فانی رحلت نمودند.

در وقت وفات واقعهٔ عجیب رونما شد، فرزند ارشد ایشان حضرت صدرالدین عارف بیرون نشسته بودند که ناگاه یک روحانی نورانی مرد سر بسته که یک لفافه سربسته را به صدرالدین عارف پیش کرده برایشان گفت:

"این را بجای وقت بخدمت غوث العالمین برسانید؛

در این نامه این آیت قرآن نوشته شده بود:

ارجعی الی ربک راضیة مرضیة

صدرالدین عارف برای گرفتن نامه را بخدمت پدر بزرگوار پیش کرده بیرون آمدند، نامه را خواندند و آن بیا نکنند، درین میان صدا از درون بلند شد.

صدرالدین عارف متحیر شده برگشتند، دیدند که نامه حضرت شیخ در دست و روح پاک به اعلی علیین پرواز کرده است. له

در کوی تو عاشقان چنین جان بدهند
کانجا ملک الموت نگنجد هرگز

[illegible]

تالیف لطیف:

درباره تصنیف حضرت شیخ بهاءالدین زکریا ملتانی اینقدر معلوم شده است که ایشان یک کتاب بنام "الاوراد" تصنیف کرده اند.

له: اخبار الاخیار، ص: ۶۰.

چون در تذکره‌ها جامی [illegible] نوشته [illegible] مثنوی در [illegible] سلوک
است، ولی در کتابخانه‌های معروف [illegible] نسخهٔ خطی" [illegible] در کتابخانهٔ
دانشگاه پنجاب موجود است. له *

برخی از تذکره‌نویسان در صحت انتساب این مجموعه [illegible] تردید [illegible] ثابت [illegible]
[illegible] نشده [illegible] نوشته [illegible] موجود است [illegible] انتساب
مجموعه [illegible] به [illegible] ثابت می‌شود.

[illegible] که [illegible] است [illegible]
[illegible] موجود است [illegible] ولی [illegible] است
[illegible]

متن زیر از نسخهٔ خطی [illegible] دانشگاه پنجاب نقل و تصحیح شده و کامل است [illegible]
[illegible] نوشته [illegible] موجود است [illegible] نقل کرده‌ام.

چون نسخه‌ها [illegible] در وجود کمک سیاق [illegible] در تصحیح [illegible]
[illegible] نسخهٔ خطی نوشته شده [illegible]

با وجود این [illegible] شده است [illegible]
معذرت می‌خواهم [illegible] دست [illegible] در
چاپ آینده [illegible] در این کتاب [illegible] ممکن گردد.

له : [illegible] ۲۶۲ [illegible]

* [illegible] شناخته شده این کتاب در کتابخانه [illegible]

از قرار زیراست.

۱- شمارهٔ ۱۷۳۹ مورخ ۲۸ جمادی‌الاول ۹۹۶ هـ‌ق.

۲- شمارهٔ ۶۱۹۰ مورخ جمادی‌الثانی ۱۰۶۸ هـ‌ق.

۳- شمارهٔ [illegible] ۶۹۵ [illegible] سنهٔ ۲ [illegible] هـ‌ق.

۴- شمارهٔ ۳۹۸۹ مورخ ۱۲۳۴ هـ‌ق.

۵- شمارهٔ ۷ ۸۴ مورخ محرم ۱۲۸۳ هـ‌ق.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والعاقبة
للمتقين والصلوة على سيدنا
محمد وآله اجمعين قال الشيخ
[illegible] رضي الله عنه [illegible]
[illegible] رسول الله [illegible]
[illegible]
صلى الله عليه وسلم [illegible]
[illegible]

منی کما تقبلت من خلیلک

ابراهیم علیه السلام و آل ابراهیم

قربانی دو باره دو رکعت نماز [illegible]

[illegible] بگزارد در هر رکعتی بعد الفاتحه

انا اعطیناک سه بار [illegible]

[illegible] از آخر [illegible]

دو رکعت نماز [illegible]

بخواند در رکعتی بعد الفاتحه [illegible]

[illegible] سلام [illegible]

[illegible]

عکس صفحه آخر نسخه خطی [illegible] موجود

در کتابخانه [illegible] شماره [illegible] S-1.22

متن

الأوراد

تصنیف

شیخ بہاء الدین زکریا ملتانی رحمۃ اللہ علیہ

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين والصلوة
على رسوله محمد وآله أجمعين

قال الشيخ الكبير رضي الله عنه بالله التوفيق شيوخ سلف رضوان
الله عليهم اجمعين شفقت ايدوب متابعت رسول الله صلى الله عليه وسلم

مرتبهٔ اول

قدم در متابعت اخلاق نبي ... متابعت بر عمال اوست عليه السلام

عن ابن عمر رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال كان جبرائيل إذا جاءني بالوحي أول ما يلقي علي بسم الله الرحمن الرحيم. وعن جابر بن عبد الله قال لما نزلت بسم الله الرحمن الرحيم هرب الغيم إلى المشرق وسكنت الرياح وماج البحر وأصغت البهائم بآذانها ورجمت الشياطين من السماء وحلف الله بعزته وجلاله أن لا يسمى على شيء إلا بارك فيه.

تفسير شرح ...

الله اسم ذات ومستجمع لجميع الصفات وهو غير مشتق عند الخليل والزجاج ومحمد رحمهم الله وقيل هذا أخص اسماء الذات الموصوف بصفات الكمال دون غيره ... ولهذا الجنس ... اسم الله ... من الاسماء
عن ابن عباس قال الرحمن الرقيق والرحيم وهو العاطف على خلقه بالرزق وهما اسمان رقيقان احدهما ارق من الآخر. عن الضحاك قال الرحمن لجميع الخلق والرحيم

مرتبهٔ دوم - متابعت باخلاق او صلی الله علیه وسلم

مرتبهٔ سوم - یافتن احوال است همچو احوال او صلی الله علیه وسلم و نهایت کار استقامت

بر احوال است و آن صفت روح است و اخلاق صفت دل [illegible]

استقامت بر احوال که نهایت کار سعادتها است ممکن نگردد مگر بعد از استقامت بر اخلاق و

استقامت بر اخلاق میسر نشود بعد از استقامت بر اعمال زیرا که نسبت اعمال با اخلاق

چون [illegible] است [illegible] و اخلاق مر احوال را [illegible]

آن است که ظاهر را مقید کند از محرمات [illegible]

[illegible] از هر چیزی که مشغول کننده است از حق تعالی [illegible]

و انقطاع از خلق.

للمؤمنين خاصة

عن ابن عباس رضي الله عنه قال الحمد لله كلمة الشكر فاذا قال العبد

الحمد لله قال الله شكرني عبدي

عن [illegible] قال الحمد [illegible]

عن [illegible] قال الصلوة شكر والصيام شكر وكل خير تعمله

لله شكر وافضل الشكر الحمد.

عن جابر بن عبد الله رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

افضل الذكر لا اله الا الله وافضل الدعاء الحمد لله.

---

١ [illegible] ٢ المتابعت [illegible]

٣ [illegible] انه لا يكون في نفسه [illegible]

[illegible]

٤ قال عليه السلام من حسن اسلام المرء تركه ما لا يعنيه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

---

١ [illegible]

٢ [illegible]

٣ في السراجية

الجماعة سنة مؤكدة كذا في [illegible]

[illegible]

وآن تزکیهٔ نفس است از خصائل مذمومه [illegible] باید دانست [illegible] شود و روی در
بآخرت آرد و حرص و حسد و ابطالت و کسل [illegible] و ذکر از وی کم شود و بر لحظه مدد [illegible] صفت مذمومه
نفس واقف می گردد و در تزکیهٔ آن می کوشد و از دل [illegible] تا از صفت مذمومه پاک شود.
و ازین جا گفت پیغامبر صلی الله علیه وسلم اعدی عدوک نفسک التی بین جنبیک و درین
سخن بسیار است و [illegible] علما [illegible] گفت صلوات الله علیه [illegible]
شود [illegible] و چون نفس تزکیه یافت از صفت ذمیمه بعد از آن [illegible]
[illegible]
[illegible] و درین باب سخن بسیار است [illegible] گفت [illegible]
نباید هنیئاً لارباب النعیم نعیمهم.

عنه والخصال جميع الخصال غير [illegible]
والخصال المذمومة حب الدنيا وحب الجاه والحسد والكبر والبخل والغيبة
والرياء [illegible] الخلق وترك الرحمة والنصيحة [illegible]
بهم والخصال المحمودة [illegible] العفو [illegible]
[illegible] والسخاوة والشجاعة والتقوى والزهد والتوكل
قال عليه السلام الحسد يأكل الحسنات كما تأكل النار الحطب
يعنی بوی معرفت حق جل وعلا
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
العلم الذی نوعاً

پس مرید باید که جهد کند تا بنای کار بر تحقیق نهد بر اساس شریعت که هر که بنای کار او
بر تحقیق نیست حال او باطل بود. و از این جا گفته اند النهایة هی الرجوع
الی البدایة و در خدمت و ذکر الله حق تعالی کند و [illegible] از وی خواهد و نکند
و [illegible] پس از برکت آن پنهان شود که با او گوید و با او کند و هر که
یک روز با آن عمل [illegible] تواند بود دوم روز و سوم روز خیره تواند بود و تا
همه عمر مقصود دوام اشتغال نسبت حق تعالی باشد و هر چه غیر اوست
بسوزد و [illegible] هر چه تواند کرد آن بکند تا کی تواند یافت بیاید و در راحت و
آسایش بر خویشتن ببندد و از [illegible] و از خلق فارغ آید۔

و حق تعالی را بر دوام بعبادت و خدمت و ذکری کم کند و از علوی که [illegible] باشد
[illegible] نفس [illegible] و رخصت طلب نگردد و اوقات خود را موزع کند
تا وقتی از آن ضایع [illegible] ربنا الله و ایاکم عن
[illegible]

"ذکر دعاء صبح و سنت نماز بامداد"

پس در پیش [illegible] باید چون صبح صادق بدمد سه آیت از اول
سورۂ انعام بخواند۔

[illegible] وشربه ولبسه ونومه وکلامه.

[illegible] محبت [illegible] است، محبت [illegible] چنانکه دوست [illegible] و
محبت [illegible] چنانکه دوست [illegible] فرزند [illegible] و محبت [illegible]
[illegible] محبت [illegible] و [illegible]
[illegible] که محبت [illegible] بگردد
[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم . الحمد لله الذي
خلق السموات والأرض وجعل الظلمات والنور ثم الذين
كفروا بربهم يعدلون . هو الذي خلقكم من طين ثم قضى
أجلا وأجل مسمى عنده ثم أنتم تمترون . وهو الله في السموات
وفي الأرض يعلم سركم وجهركم ويعلم ما تكسبون .
فالق الإصباح وجعل الليل سكنا والشمس والقمر حسبانا
ذلك تقدير العزيز العليم . [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ستایش آن خدای راست که آفرید آسمانها و زمین [illegible]

[illegible] پروردگار خویش را برابر میکنند [illegible]

[illegible] وقت مرگ [illegible]

[illegible]

[illegible] آنچه عمل میکنید .

[illegible] شده

اَللّٰهُمَّ اجعلنا هادين مهتدين غير ضالّين ولا مضلّين حرباً لاعدائك
سلّماً لاوليائك نحب بحبك الناس ونعادي بعداوتك من خالفك
من خلقك، اللّهم هذا الدعاء ومنك الاجابة وهذا الجهد
وعليك التكلان ولا حول ولا قوة الا بالله، اللهم ذا الحبل الشديد
والامر الرشيد اسألك الامن يوم الوعيد والجنّة يوم الخلود
مع المقربين الشهود والركع السجود والموفين بالعهود انك
رحيم ودود وانت تفعل ما تريد.

سبحان من تعطف بالعزّ وقال به سبحان من لبس المجد و
تكرم به سبحان الذي لا ينبغي التسبيح الا له سبحان ذي
الفضل والنعم سبحان ذي المجد والكرم سبحان الذي احصى
كل شيء بعلمه. اَللّٰهُمَّ اجعل لي نوراً في قلبي ونوراً في قبري ونوراً
في سمعي ونوراً في بصري ونوراً في شعري ونوراً في بشري و
نوراً في دمي ونوراً في لحمي.

بقیه صفحه ۲۷

رغبت عن سنتي فليس مني ای هر اعراض کرد از سنت من

ب هادین . اسم فاعل [illegible] و مهتدین [illegible] هدایت یافته شده‌ها .

ل التکلان . [illegible] التکلان . [illegible] .

ت الحبل . [illegible] في [illegible]
[illegible] .

ث الرشید . [illegible] .

ك في [illegible] عزوجل وقوت [illegible]
[illegible] .

باقی صفحه ۲۲

ذکر از خانه بمسجد رفتن

چون خواهد از خانه برائے نماز بیرون آید آیۃ الکرسی و این دعا بخواند-
اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوْذُ بِكَ اَنْ اَضِلَّ اَوْ اُضَلَّ اَوْ اَزِلَّ اَوْ اُزَلَّ اَوْ اَظْلِمَ اَوْ اُظْلَمَ
اَوْ اَجْهَلَ اَوْ يُجْهَلَ عَلَیَّ بعد از آن پاے راست بیرون نهد و گوید بِسْمِ اللّٰهِ
آمَنْتُ بِاللّٰهِ وَاعْتَصَمْتُ بِاللّٰهِ وَتَوَكَّلْتُ عَلَی اللّٰهِ رَبِّ اَدْخِلْنِیْ مُدْخَلَ
صِدْقٍ وَاَخْرِجْنِیْ مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِّیْ مِنْ لَّدُنْكَ سُلْطَانًا نَّصِيْرًا.
و چون رفتن گیرد این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ السَّائِلِيْنَ عَلَيْكَ وَ
بِحَقِّ مَمْشَایَ هٰذَا اِلَيْكَ فَاِنِّیْ لَمْ اَخْرُجْ اَشَرًا وَّلَا بَطَرًا وَّلَا رِيَاءً
وَّلَا سُمْعَةً خَرَجْتُ اتِّقَاءَ سَخَطِكَ وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ اَسْئَلُكَ
اَنْ تُنْقِذَنِیْ مِنَ النَّارِ وَاَنْ تَغْفِرَ لِیْ ذُنُوْبِیْ اِنَّهٗ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوْبَ
اِلَّا اَنْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِيْنَ آمِيْن.

بقیه صفحه ۲۵

[illegible]

[illegible]

ته در باره بست و ششم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

و این دعا نیز بخواند و اگر یاد و ورد باشد اَللّٰهُمَّ اجعل لي نوراً في قلبي
ونوراً في قبري ونوراً في سمعي ونوراً في بصري ونوراً في شعري
ونوراً في بشري ونوراً في دمي ونوراً في لحمي ونوراً في عظامي و
نوراً في مخي ونوراً في عصبي ونوراً من بين يديّ ونوراً من
خلفي ونوراً عن يميني ونوراً عن شمالي ونوراً من فوقي ونوراً من تحتي
ونوراً من خلفي اَللّٰهُمَّ عظّم لي نوراً وزدني نوراً واجعلني نوراً و
هب لي عندك نوراً سبحان خالق النور يا نور المؤمنين خرجت
من الظلمات الى النور. ربنا أتمم لنا نورنا واغفر لنا انك على
كل شيء قدير.

بقیه صفحه ۳

[illegible]

(پاره ۱۹ ، رکوع ۹ ، سورهٔ شعراء)

[illegible]

پاره ۱۹ ، رکوع ۵ ، سورهٔ شعراء.

[illegible]

عظم - استخوان ، هڈی.

[illegible]

چون بدر مسجد برسد پیش در بایستد و این دعا بخواند. الٰهی عبدک ببابک
سائلک ببابک مسکینک ببابک یرجو رحمتک و یخاف عقوبتک یا محسن
وقد امرت المحسن منا ان یتجاوز عن قبیح ما عندی بجمیل ما عندک
یا کریم. پاے راست درون نهد و بگوید. بسم الله والحمد لله
والصلوة والسلام علی رسول الله اللهم اغفر لی ذنوبی وافتح لی
ابواب رحمتک و چون بیرون رفتن گوید بسم الله والحمد لله و
علی الله توکلت اگر کسی باشد سلام گوید و چون نباشد گوید السلام علینا
من ربنا و علی عباد الله الصالحین.

اگر وقت کروه نباشد تحیة المسجد دو رکعت بگزارد. در هر رکعتی آیة الکرسی
یکبار و سورهٔ اخلاص سه بار. بعد از سلام این دعا بخواند اللهم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] اگر فرصت باشد [illegible] بگوید. [illegible]
[illegible]
اگر وقت کروه باشد چهار بار سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر
بگوید.

ت عن ابی قتادة الانصاری رضی الله عنه قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم اذا
دخل احدکم المسجد فلیرکع رکعتین قبل ان یجلس [illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible] چشم روشن کردن. [illegible] گذر کردن.

ذکر در آمدن بنماز

چون خواهد که بنماز بامداد شروع کند یا فرائض دیگر باید چنان ایستد که سر های انگشتان پای سوی سمت قبله راست باشد و میان دو قدم مقدار چهار انگشت فرجه بگذارد و حق تعالی را بر خود ناظر داند و هر که می خواهد تا دل خود را در نماز حاضر یابد باید که طهارت را از نقصان و جامه را از نجاست اندک و بسیار و زبان را از غیبت و لغو و حلق را از حرام و شبهه و جسد را از حسد و سینه را از کینه نگاه دارد و این دعا بخواند- اَللّٰهُمَّ اعوذبک من تفرقة القلب و کلمه شهادت و استغفار بگوید و با تعوذ و تسمیه و سوره ناس بخواند و بگوید اِنِّیْ وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذِیْ فَطَرَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ حَنِیْفًا وَّمَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِکِیْنَ۔

---

۱ فی "الظهیریة" تحیة المسجد عندنا وعند الشافعی واجبة ویکفی لتحیة المسجد کل یوم رکعتان واختلفوا انه یصلی جالسا او قائما وقال بعضهم یصلی جالسا

۲ العصیان. المعصیة والعصیان. نافرمانی کردن

۳ التوفیق عنایة الله تعالی علی العبد فی عمل صالح.

۴ ترجمه: ای پروردگار من فرود آر مرا در منزل مبارک و تو بهترین فرود آرندگانی

پاره ۱ - رکوع ۲ - سوره مؤمنون

۵ فی "قوت القلوب" ویستحب له ان یقرأ قل اعوذ برب الناس قبل دخوله فی الصلوة فانه جنة من العدو.

پیغامبر علیه السلام مجموع روایت و سنن و نوافل در خانه خویش گذاردی مگر برای سببی و معروف بود- یا ایها الناس صلوا فی بیوتکم فان افضل صلوة المرء فی بیته الا المکتوبة و محافظة بر سنة نفل بامداد چندانکه بود که در سفر نیز بر آن مواظبت نمودی۔

۶ قال الله تعالیٰ وَلَا یَغْتَبْ بَّعْضُکُمْ بَعْضًا اَیُحِبُّ اَحَدُکُمْ اَنْ یَّاْکُلَ لَحْمَ اَخِیْهِ مَیْتًا فَکَرِهْتُمُوْهُ.

إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ
لَهٗ وَبِذٰلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ و بحضور دل نیت کند چنان
که بداند که کدام نماز است و عدد رکعتها و فرض را از سنت زیرا که حقیقت
نماز حضور دل است پس هر وقت در هر نماز باکه دل حاضر بودی اما چون
دشوار است بارے وقت تکبیر دل حاضر باید او کند گفته اند یکی نیتی
[illegible] در نماز باید بگوید نَوَیْتُ رکعتین فریضة
لله تعالی صلوة الفجر اگر امام باشد اماما بگوید و اگر مقتدی باشد
مقتدیا.

قال عليه السلام الحسنات كفارات لكل [illegible] وعنه عليه السلام
[illegible] حسود [illegible].

التعوذ أَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ گفتن

قوله وجهت [illegible] التوجه [illegible] في العبادة [illegible]
خالص في ديني وعبادتي.

[illegible] السموات والارض عن ابن عباس رضي الله عنهما [illegible] وجهت قصدي
وعبادتي [illegible] الذي خلق السموات والارض.

عن علي بن ابي طالب كرم الله وجهه قال كان رسول الله صلى الله عليه وسلم
اذا استفتح الصلوة كبر ثم قال اني وجهت وجهي للذي الخ. وفي الترغيب الصلوة
مستحب است إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ خواندن تا آخر نزديك امام ابوحنيفه و امام
محمد پیش از تكبير [illegible] و نزديك امام ابو يوسف بعد تكبير [illegible].
في التفسير [illegible] في قوله تعالى [illegible] يقيمون الصلوة ويؤتون الزكوة وهم راكعون
[illegible] عن النبي صلى الله عليه وسلم انه قال من توضأ فاسبغ الوضوء ثم قام
الى الصلوة [illegible] ركوعها وسجودها [illegible] قالت الصلوة حفظك الله كما حفظتني

بیان سنت تکبیر گفتن

تکبیر گفتن سنت آنست که دست را فرو گذاشته دارد تا نیت قرار گیرد
آنگاه دست گشاده برای تکبیر برآرد چنانچه کف دست گشاده دارد و انگشتان
راست دارد و نیک مشغول نگردد دست را نکند و بغیر حق در دل
نیارد و چون برابر گوش رسد قوت دست را چه باید داد و بگوید تکبیر
الله به تفخیم گوید و میم بجنبیت و بانرم گوید و راء اکبر جزم کند و دست را فرو
کرده و نرم فرو آرد یعنی بیکبار نگاه ندارد تا فرود شود انگشتها و ... الف
الله تا راء اکبر باید تا هیچ فعلی بی ذکر باشد و هیچ ذکر بی فعل و بیکبار بیشتر
نگاه نتواند داشت. و همه تکبیرات نماز برین ترتیب باید گفت و دست را
پیش سینه نهد چنانکه گفت. دست راست بر دست چپ نهد
و دو انگشت یکی شهادت و دیگر وسطی بر ساعد دست چپ دارد، و دو انگشت
دیگر یکی خنصر و بنصر و بهام فرو نهد.

[illegible]

[illegible] پس الحمد بخواند چون امام ولا الضالین گوید مقتدیان آمین گویند آهسته و هم آهسته گوید

و مستحب قرائت نماز بامداد آنست که در او بعد فاتحه از چهل آیت تا پنجاه آیت بخواند و در نماز پیشین نیز [illegible] و چون قرآن خواند همچنان و در [illegible] باشد [illegible] آیت خواند [illegible] همچنان قرائت [illegible] دست بر [illegible] نهد و انگشتان فراخ کند

[illegible]

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ هفت بار یا پنج بار یا کم سه بار و اگر
بیشتر از هفت بار گوید ثواب بیشتر باشد و چون از رکوع بر دارد سَمِعَ
اللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَهُ گوید و اگر مقتدی باشد رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ گوید و
تمام بایستد و در سجده رود بخشوع اول زانوها بر زمین نهد پس
از ان دستها پس بینی پس پیشانی و میان دو دست سجده کند و
بغلها کشاده دارد و شکم از رانها دور دارد و انگشتان پای روی قبله دارد و
انگشتان دست بر زمین نشست گیرد و قوت بر دست کند و به چند ب
زور نکند و انف بسوی بینی دارد و بحضور دل هفت بار یا پنج بار یا سه بار
یا ده بار گوید سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى پس از سجده بر دارد و پای چپ بگسترد
و بر وی بنشیند و پای راست ستون نهد تا سر انگشتان پای
روی قبله شوند و بنشیند چنانکه اندامش بیارامد پس سجده دیگر چنان
بیارد و سبک برخیزد.

ه [illegible]

ﻪ [illegible]

ﺔ [illegible]

و یک رکعت دیگر همین ترتیب بگزارد و بنشیند چنانکه در جلسهٔ اول
نشسته است چون در تشهد بنشیند دستها بر ران نهد و سر در
پیش فگند و انگشتان دست گشاده دارد و انگشتها در کنار خود دارد و بخواند
التحیات لله والصلوات والطیبات السلام علیک ایها
النبی ورحمة الله وبرکاته السلام علینا وعلی عباد الله
الصالحین اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان محمدا عبده
ورسوله. اگر نماز چهار رکعت باشد یا سه رکعت باز برخیزد و گزارده
باشد یا قعدهٔ اخیره. این بار صلوات گوید اللهم صل علی محمد
وعلی آل محمد کما صلیت علی ابراهیم وعلی آل ابراهیم
انک حمید مجید. اللهم بارک علی محمد وعلی آل محمد
کما بارکت علی ابراهیم وعلی آل ابراهیم انک حمید مجید.
اللهم ترحم علی محمد وعلی آل محمد کما ترحمت علی ابراهیم
وعلی آل ابراهیم انک حمید مجید. اللهم تحنن علی محمد
وعلی آل محمد کما تحننت علی ابراهیم وعلی آل ابراهیم
انک حمید مجید.

---

۱ [illegible] مختلف خوانده اند.
[illegible]

۲ [illegible]
[illegible]

۳ [illegible]
[illegible]
[illegible]

اَللّٰهُمَّ سَلِّمْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا سَلَّمْتَ عَلٰى اِبْرٰهِيْمَ وَعَلٰى اٰلِ اِبْرٰهِيْمَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ ۔ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ تَوَالَدَا وَلِجَمِيْعِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِيْنَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْاَحْيَاۗءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْوَاتِ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرّٰحِمِيْنَ ۔ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوْبَنَا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَّدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ ۔ رَبَّنَا اٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَّفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَّقِنَا عَذَابَ النَّارِ ۔ سُبْحٰنَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُوْنَ وَسَلٰمٌ عَلَى الْمُرْسَلِيْنَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ۔

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

و سلام گوید بر نیت فرشتگان و جماعت مسلمانان که بر دست راست و چپ
او نشسته‌اند السلام علیکم و رحمة الله و برکاته و جمله نماز را بدین ترتیب
باید کرد که سنت نماز گزاردن این است و اگر روز آدینه باشد در نماز
بامداد در رکعت اول بعد از فاتحه تنزیل سجده و در دوم هل اتی
خواند بهتر باشد که پیغامبر صلی الله علیه و سلم همچنین خوانده است بعد از
فرض بامداد در موضع نماز مستقبل قبله نشسته این ورد بخواند ورد نخست
باید و ده بار بگوید

[illegible]

لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد و
يحيي ويميت وهو حي لا يموت ذو الجلال والاكرام بيده الخير
وهو على كل شيء قدير. يكبار لا اله الا الله وحده صدق
وعده ونصر عبده وهزم الاحزاب وحده واعز
جنده فلا شيء بعده لا اله الا الله اهل النعمة والفضل

ف في المحيط يقول عندنا السلام عليكم ورحمة الله بالالف واللام و ... في كلام ... يكون
التسليمة الثانية اخفض من الاولى.

ش پيغامبر فرموده هركه در نماز صبح پيش از آنكه سخن گويد ده بار بگويد ... ده
او را ده نيكو نويسند و ده بدى را محو كنند و ده درجه او را بلند گردانيده شود ... محفوظ
شود او را و از وسوسه شيطانى محروس كند و هيچ گناه ...

ت في فتاوى الحجة ان النبي عليه السلام كان يقرأ في مغرب ليلة الجمعة قل يا ايها الكافرون وقل هو الله احد
تنزيل ... و في العشاء الجمعة سورة الجمعة والمنافقين.

ث پيغامبر عليه السلام همچنين خوانده و تخصيص روز جمعه ... اين دو سورت
جهت بود كه اين دو سورت مشتمل است بر ذكر معاد و خوف ... روز جمعه
خواهد بود.

ه معبود حق الا الله ... مستحق الوهيت ... معبوديت ... في ...
قال عليه السلام خير الدعاء يوم عرفة وخير ما قلت انا والنبيون من قبلي لا اله الا الله وحده ... على كل
شيء قدير.

ن تسبيح نماز بامداد از خلاصه ... پيغامبر عليه السلام فرمود هركه بعد از نماز بامداد
هر روز صد بار بگويد لا اله الا الله الملك الحق المبين ...
غنى گردد و ... شود ... بگويد ... بهشت ...

هزم بمعنى شكست. احزاب جمع حزب بمعنى جماعت.

[illegible] مخصوصین [illegible] ولی
کرده [illegible] صاحب [illegible] فرد [illegible]
[illegible] ليس له ضد ولا شبه ولا شريك ولا
نظير ولا وزير [illegible] بأمره ووحيه [illegible] بگوید
لا إله إلا الله [illegible] الكريم [illegible] العظيم سبحان
[illegible] رب السموات السبع ورب العرش العظيم.

[illegible]

[illegible]

[illegible] والفضل

[illegible] رسول الله صلى الله عليه وسلم [illegible]

[illegible] وهو قبيح [illegible]

[illegible]

[illegible] نيست.

[illegible]

[illegible] عن النبي صلى الله عليه وسلم [illegible]
يدعو عند الكرب [illegible]

تكبيرًا والحمد لله رب العالمين ولا إله إلا الله جلّ
ثناؤه ولا إله إلا الله جلّت عظمته ولا إله إلا الله تقدّست أسماؤه
ولا إله إلا الله كبيرًا ولا إله إلا الله إيمانًا بالله ولا إله إلا الله تسليمًا
من الله ولا إله إلا الله أمانةً عند الله ولا إله إلا الله محمد
رسول الله. اللهمّ بك أصبحنا وبك أمسينا وبك نحيا وبك
نموت وإليك النشور. أصبحنا وأصبح الملك لله والعظمةُ
والكبرياء لله والجبروت والسلطان لله والليل والنهار وما يسكن
فيهما كله لله الواحد القهار. أصبحنا على فطرة الإسلام
وكلمة الإخلاص ودين نبينا محمد عليه السلام وملة أبينا
إبراهيم حنيفًا مسلمًا وما كان من المشركين. على هذه الشهادة
نحيا وعليها نموت وعليها نبعث إن شاء الله تعالى.

---

١ ـ بزرگ شدن ـ الجلال ـ بزرگواری

٢ ـ بلند شدن ـ الكبرياء ـ بزرگواری

٣ ـ التقديس پاك شدن

٤ ـ من عند الله تعالى ـ نصب على المصدر ويجوز أن يقع غير مصدر موقع
المصدر كما في قوله تعالى ترابًا وجدارًا.

٥ ـ بسمك أصبحنا وبسمك أمسينا وبسمك نحيا وبسمك نموت.

النشور زنده كردن

الاصباح بامداد شدن و بامداد كردن.

تم بار گوید - سبحان ربی العلی الاعلی الوهاب

نود ونه نام باری تعالی

هو الله الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم الملک القدوس
السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر الخالق البارئ
المصور الغفار القهار الوهاب الرزاق الفتاح العلیم
القابض الباسط الخافض الرافع

المعز المذل السمیع البصیر الحکم العدل اللطیف
الخبیر الحلیم العظیم الغفور الشکور العلی الکبیر
الحفیظ المقیت الحسیب الجلیل الکریم الرقیب المجیب
الواسع الحکیم الودود المجید الباعث الشهید الحق
الوکیل القوی المتین الولی الحمید المحصی المبدئ

[illegible]
[illegible] یعنی کسیکه احصا کند آن اسماء را در
آید در بهشت " با قرآن ... مراد احصا ... است . و بعضی گفته‌اند که علم بمعانی آن ...
در تعلیم معانی آن . و بعضی گفته‌اند که عمل بمقتضای آن بحسب طاقت که معنی التخلق و التعلق
است "

المعيد المحيي المميت الحي القيوم الواجد الماجد الواحد الأحد الصمد القادر المقتدر المقدم المؤخر الأول الآخر الظاهر الباطن الوالي المتعالي البر التواب المنتقم العفو الرؤوف مالك الملك ذو الجلال والإكرام المقسط الجامع الغني المغني المانع الضار النافع النور الهادي البديع الباقي الوارث الرشيد الصبور الذي ليس كمثله شيء وهو السميع البصير غفرانك ربنا وإليك المصير نعم المولى ونعم النصير.

إلهي ومولاي أسألك بحق هذه الأسماء كلها وبحق شرفها وكرمها وبحق تعظيمها أن تغفر لي وأن تعطيني أن تحسن بي خير الدنيا وخير الآخرة وأن تصرف عني شر الدنيا وشر الآخرة وأن تستجيب لي في الدنيا والآخرة إنك على ما تشاء قدير يا أرحم الراحمين. اللهم لا تدع لنا ذنباً إلا غفرته ولا همّاً إلا فرّجته ولا ديناً إلا قضيته ولا مريضاً إلا شفيته ولا عيباً إلا أصلحته ولا كرباً إلا كشفته ولا عاصياً إلا هديته ولا مسافراً إلا حفظته ولا جائعاً إلا أشبعته ولا عرياناً إلا كسوته ولا ميتاً إلا رحمته ولا حاجة إلا قضيتها ولا فقراً إلا سددته.

سه اك مذمشة حب ا نعذب

سه بار بگوید سبحان الله وبحمده سبحان الله العظیم وبحمده ولا
حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم سه بار بگوید اللهم اهدنا من
عندك وافض علینا من فضلك وانشر علینا من رحمتك وانزل
علینا من برکاتك و ده بار بخواند الله و آیه لا اله الا الله والله اکبر و
سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوة
الا بالله واستغفر الله الاول والآخر والظاهر والباطن له الملك
وله الحمد بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر سه بار بگوید

اللهم انت خلقتنی وانت هدیتنی وانت تطعمنی وانت تسقینی
وانت تمیتنی وانت تحیینی انت ربی لا رب لی سواك ولا اله الا انت
وحدك لا شریك لك یک بار بگوید اللهم انت ربی لا اله الا انت
خلقتنی وانا عبدك وانا علی عهدك ووعدك ما استطعت اعوذ
بك من شر ما صنعت ابوء بنعمتك علی وابوء بذنبی فاغفر
لی ذنوبی فانه لا یغفر الذنوب الا انت . اللهم انی ضعیف فقوّنی

الهدایة - راه راست نمودن

وافض - بفتح الف وکسر فاء وسکون ضاد من الافاضة.

فضلك - الفضل - زیادت وافزودن.

وانشر

وانزل - الانزال - فرود فرستادن.

یعنی سبحان الله نیز ده بار بخواند بعد از آن.

لا اله الا الله - الاله المعبود

بحق لا الله ولا مستحق الالوهیة الا الله.

لا حول ولا قوة - ای لا حرکة ولا استطاعة [illegible] فی دفع الشر [illegible]

فارحم ضعفي واجعل ... منتهى رغبتي وبلغني برحمتك
التي ... من رحمتك ... نصيبي واجعلني ... في
... الذين آمنوا وعملوا ... يا ارحم الراحمين

اللَّهُمَّ جنبني منكرات الاعمال والاخلاق والاهواء والادواء
اللَّهُمَّ اني اعوذ بك من شر ما عملت وما لم اعلم واستغفرك
انه لا يغفر ... رب اعوذ بك السميع العليم من
الشيطان الرجيم ... رب اعوذ بك من همزات الشياطين
واعوذ بك رب ان يحضرون ... سورة ... بالتسمية ...

تقرأ في ... غير ...

... اربع ...

... في ... بالحمد ... رب ... لا ... ت

من ... في ... من ... ومن ... جنة ومن ... ما

من ... لا ... من ... .

... .

... .

... .

... ورب ...

... من ... من ... عن ...

... في ... و ... ولله ... في ... الله ... بكم

... .

... و ... .

سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله
والله اكبر ... وحده لا شريك له له الملك وله الحمد
يحيي ويميت وهو حي لا يموت ذو الجلال والإكرام بيده الخير وهو
على كل شيء قدير.

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مسبعات عشر

قبل طلوع الشمس و قبل غروب آن بخواند و مواظبت نماید بدین ترتیب هفت بار بسم الله بخواند الی آخر آیة الکرسی، فاتحه، والناس، والفلق، والاخلاص، والکافرون و آیة الکرسی هر یکے بار هفت بار سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم یک بار عدد ما علم الله وزنة ما علم الله وملء ما علم الله۔

هفت بار اللهم صل علی محمد عبدک و نبیک و رسولک النبی الامی و علی آله و بارک و سلم هفت بار اللهم اغفر لی ولوالدی ومن توالد وارحمهما کما ربیانی صغیرا واغفر اللهم لجمیع المؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات الاحیاء منهم والاموات برحمتک یا ارحم الراحمین

له فی المسبعات العشر ... [illegible] ... عن قتادة ...

ت آغاز سوره بنی اسرائیل رب ارحمهما کما ربیانی صغیرا ای رب رحمت کن بر ایشان [illegible] چنانکه من در خردی و ضعیف بودم بر من رحم کردند و پروردند امروز ایشان بزرگ شده اند و محتاج گشته اند تو بر ایشان رحمت کن۔

هفت بار اَللّٰهُمَّ رب اغفر لي وللمسلمين عاجلاً وآجلاً في الدين
والدنيا والآخرة ما أنت له أهل ولا تفعل بنا يا مولانا
ما نحن له أهل إنك غفور حليم جواد كريم رب رؤوف
رحيم یک بار سبحان الله تعالى الذي سبحت له
والمصنوعات سبحان الله الشديد الأركان سبحان الله في
كل مكان سبحان من يوهب شيئاً من شيء سبحان من
يذهب بالليل ويأتي بالنهار

یک بار سبحان الله وبحمده ومن عامل بعده عمله سبحان
الله وبحمده على عفوه بعد قدرته سبحان من لا يخفى عليه
خافية فسبحان الله حين تمسون وحين تصبحون وله الحمد
في السموات والأرض وعشيا وحين تظهرون يخرج
الحي من الميت ويخرج الميت من الحي ويحيي الأرض بعد
موتها وكذلك تخرجون

ه العاجل والعاجلة این جهان و آجل و آجلة آن جهان

ه جواد بخشنده بسیار

ه [illegible] بزرگ و بلند پایه

ه مصنوعات ساخته‌ها و آفریده‌ها

ه من يهب شيئا التوفيق والعصمة والسلامة [illegible]

ه قال ابن عباس رضي الله عنه [illegible] کی [illegible]
کرد شبانه‌روز [illegible] تسبیح گوید [illegible]
است وحين تصبحون [illegible]
و نماز دیگر [illegible] شود

سبحان ربك رب العزة عما يصفون وسلام
على المرسلين والحمد لله رب العالمين فلله الحمد
رب السموات ورب الارض رب العالمين وله الكبرياء
في السموات والارض وهو العزيز الحكيم الحمد لله
نحمده ونستعينه ونؤمن به ونتوكل عليه [illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible] من لم يصل عليه وصل على محمد كما ينبغي أن يصلى
عليه وصل على محمد كما تحب وترضى أن يصلى عليه
اَللّٰهُمَّ صل على جسد محمد في الأجساد وصل على قبر محمد
في القبور وصل على روح محمد في الأرواح اَللّٰهُمَّ اجعل شرائف
صلواتك

ونوامي بركاتك ورأفتك ورحمتك وتحياتك
وتحنّنك ورضوانك على محمد عبدك ونبيك ورسولك
سيد المرسلين وإمام المتقين وخاتم النبيين ورسول رب
العالمين وعلى آله وصحبه وأزواجه وذريته وأهل بيته

[illegible]

ثم وهي اثنتا عشرة نسوة خديجة بنت خويلد [illegible]
ثم سودة بنت زمعة ثم عائشة بنت أبي بكر [illegible]
حفصة بنت عمر [illegible] زينب بنت [illegible]
[illegible] وجويرية [illegible] وصفية [illegible] وميمونة
بنت الحارث [illegible]
[illegible]

[illegible]

اَللّٰهُمَّ انت السلام ومنك السلام واليك يعود السلام فحيّنا
ربّنا بالسلام وادخلنا دار السلام تباركت ربّنا [illegible]
ذو الجلال والاكرام . اَللّٰهُمَّ اجعل اول يومنا هذا صلاحا
واوسطه فلاحا وآخره نجاحا . اَللّٰهُمَّ اجعل اوله
رحمة واوسطه مغفرة وآخره نجاة من النار . اَللّٰهُمَّ
اجعل يومنا يوم بشارة واجعل اول يومنا هذا رحمة واجعل
يومنا هذا مغفرة واجعل يومنا هذا عتقا من النار
يا رب يا رب يا رب اجعل جلوسنا لذكرك [illegible] واجعل
قيامنا لطاعتك واجعل سكوتنا لخشيتك واجعل
[illegible] واخرج [illegible] سألك من [illegible] يا
رب يا رب يا رب . اَللّٰهُمَّ تقبّل منّا انك انت [illegible]
[illegible] ونجنا من كرب [illegible] من [illegible]
[illegible] من [illegible] من [illegible] لانك انت [illegible]
[illegible]

ل [illegible]
ك [illegible] السلام [illegible] تباركت [illegible] [illegible]
[illegible]
ته این دعا [illegible] بخوانند [illegible] روز جمعه خوانند [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

به القلم.

[illegible]

جمع الفروج - شرمگاه زن و مرد

الخزن والخيانة - خيانت كردن

[illegible]

الجهد - المشقة - والتعب بفتح الجيم وسكون الهاء

الاجل - بزرگ ترچيزے والجلال

القضاء في اللغة عبارة عن الفعل مع زيادة احكام القدر

[illegible]

من الله تعالى

[illegible]

خلق الله تعالى القلم - !

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ بارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ
عَلٰى مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ امْنُنْ عَلٰى مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ تَرَحَّمْ وَتَعَطَّفْ عَلٰى
مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ تَبارَكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ انْصُرْ مَنْ نَصَرَ دينَ
مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَ دينَ مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ اسكن ... وفرّق
بَيْنَ ... مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ فَرِّجْ عَنْ آلِ مُحَمَّدٍ فَرَجاً عاجِلاً
رَبَّنَا اغْفِرْ لَنا وَلِإِخْوانِنَا الَّذينَ سَبَقُونا بِالْإيمانِ وَلا تَجْعَلْ
فِي قُلُوبِنا غِلاًّ لِلَّذينَ آمَنُوا رَبَّنا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحيمٌ

رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنا وَهَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ
رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهّابُ. رَبَّنا آتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً
وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى
آلِ مُحَمَّدٍ ... وَسَلِّمْ. اَللّٰهُمَّ رَبَّنا لا تَجْعَلْنا فِتْنَةً لِلْقَوْمِ الظّالِمينَ

---

۱ ... برکت دادن
[illegible]
[illegible]
۲ ... [illegible]
۳ ... [illegible]
۴ ... [illegible]
۵ ... [illegible]
۶ ... [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

وبنجنا برحمتك من القوم الكافرين. اَللّٰهُمَّ انا عبيدك وهم عبيدك ونواصينا ونواصيهم بيدك اَللّٰهُمَّ اهزمهم وانصرنا عليهم اَللّٰهُمَّ شتت شملهم وفرق جمعهم وقلب تدبيرهم وبدل اهوالهم وقرب آجالهم وخيب امالهم وشغلهم بانفسهم وخذهم اخذ عزيز مقتدر

اَللّٰهُمَّ انصر جيوش المسلمين وعساكرهم وسراياهم حيث كانوا واين كانوا في مشارق الارض ومغاربها انصرهم نصرا عزيزا وافتح لهم فتحا يسيرا واجعل لنا ولهم من لدنك سلطانا نصيراً. اَللّٰهُمَّ اقل عثراتنا وآمن روعاتنا واستر عوراتنا واستجب دعواتنا. اَللّٰهُمَّ

قيل "حسنة الدنيا" المرأة الصالحة "وحسنة الآخرة" الحور العين "وقنا عذاب النار" المرأة السوء. وقيل "حسنة الدنيا" العلم والعبادة والرزق الطيب من الذنوب وحسنة الآخرة الغفران والجنة

اے بار خداوند ما کفرکننده کافران مگردان یعنی ما را بدست ایشان عذاب مکن

ونجنا. نجات ده ما را

جیوش. جمع جیش بمعنی لشکر.

العسکر. مقدار چهار صد سوار.

سرایا جمع سریة ... مرتبه از سپاه که ...

او حیث یکونون واین یکونون کلمة کان قد یجئ بمعنی یکون کما فی قوله تعالی وکان ابلیس من الکافرین عسیر"

مشارق الارض ومغاربها. زمین کل ...

العزیز. غلبه کننده، غالب

من لدنك ... نزد خود کردن ...

ونتقرّب بقربك ونتمسّك بحبلك ونتعوّذ من بأسك
ونتوب من ذنوبنا ونقتبس من رحمتك وكن بنا انيسًا
في كل وحشة وجليسًا في كل وحدة . اللّهمّ ارحمنا ونقّنا
اللّهمّ قدّسنا وتب علينا اللّهمّ ثبّتنا ونوّر قلوبنا اللّهمّ
ارضنا وارض عنّا اللّهمّ اعف واعف عنّا اللّهمّ كن لنا
ولا تكن علينا اللّهمّ احفظنا ولا تفضحنا اللّهمّ اهدنا ولا تضلّنا
اللّهمّ انصرنا ولا تخذلنا اللّهمّ ارزقنا ولا تنقصنا اللّهمّ
اعزّنا ولا تذلّنا اللّهمّ ارفعنا ولا تضعنا اللّهمّ اعطنا
ولا تحرمنا اللّهمّ ولا تسد علينا من ابواب فضلك في الدنيا
والآخرة برحمتك يا ارحم الراحمين لعبادك وتمام مشايخ [illegible] اللّهمّ
صلّ على محمّد وعلى آل محمّد اللّهمّ بارك [illegible] اللّهمّ نوّر
[illegible] بنور وجهك الكريم اللّهمّ [illegible]
[illegible] بحبّ ذاتك الكريم اللّهمّ اسر درجته وعلى
[illegible] اللّهمّ اوجد حقيقة حق بيقين اللّهمّ اجعلهم في
[illegible] اللّهمّ [illegible] رضوانك وكن في مقعد صدق عند
مليك مقتدر .

---

١ تمسّك . دست زدن .
٢ الاعزاز . عزيز كردن
٣ اذلال . خوار كردن
٤ [illegible] . [illegible]
٥ [illegible] في [illegible] من [illegible] [illegible]
[illegible]

اَللّٰهُمَّ خلفْتهم في ذريتهم الطاهرين خير ما خلفت احدا
من عبادك الصالحين اَللّٰهُمَّ عرّفهم في مجيئهم الغائبين
اجمل ما عرّفت احدا من احبّائك الصادقين اَللّٰهُمَّ بلّغ
ارواحهم العزيزة عنّا اَللّٰهُمَّ بلّغهم تحيّةً وسلامات
اَللّٰهُمَّ اوصل بركاتهم الينا اَللّٰهُمَّ ادم فتوحاتهم علينا اَللّٰهُمَّ
يسّر متابعتهم علينا اَللّٰهُمَّ احفظ اولادهم واخوانهم واصحابهم
خير الدنيا والآخرة اَللّٰهُمَّ اعصمهم من شر الدنيا والآخرة اَللّٰهُمَّ
زدهم شرفا وفضلا وكرما وكرامةً حتى تبلغهم على درجات الصديقين

ه عزّ وجلّ عشر مرّات.

ه التنوير - روشن كردن.

ه الشيخ - پير و استاد.

ه سادات - سادة مهتر و ايستاده.

ه الجماعة - سادات جمع الجمع

ه [illegible]

ه فتوح - روشن شدن

ه ذات - هستى چيز

ه الدرجة والدرج - واحد جمع درجات وهي منزلت المراتب

ه التحفة - چيزى پيش كسى بردن و [illegible]

ه متعهد صدق - [illegible]

ه في صحيح [illegible]

ه غاب [illegible]

ه [illegible]

[illegible] مقتربين [illegible] [illegible]

من [illegible] جميع [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] والمؤمنون

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

- [illegible]
- [illegible]
- [illegible]
- الصيف - [illegible]
- [illegible]
- [illegible] - جمع [illegible] گمان

- [illegible] . . . .

[illegible]

- [illegible]
- [illegible]
- [illegible]

وكفرانك واعمم بذلك جمهور عبادك في جميع بلادك انك
جواد كريم . اللهم اكفنا شر الكفرة وكيد الظلمة و
مكر الفسقة بحولك وقوتك وعزتك

اللهم كن لنا ولا تكن علينا اللهم امكر لنا ولا تمكر بنا
اللهم ادل لنا ولا تدل منا . اللهم رب توفنا مسلمين والحقنا
بالصالحين . اللهم اشف مرضانا ومرضى المسلمين وارحم
موتانا وموتى المسلمين واقض حوائجنا وحوائج المسلمين
اللهم لك الحمد وإليك المشتكى وبك المستغاث وانت المستعان وعليك
التكلان ولا حول ولا قوة الا بك . اللهم صل على محمد وعلى
آل محمد وعلى جميع الانبياء والمرسلين والملائكة المقربين
صلوة دائمة نامية لا انقطاع لمددها ولا منتهى لامدها واجعل
ذلك عوننا وسبب نجاح طلبتنا انك واسع كريم رؤف
رحيم .

ه تقريب . نزديک گردانيدن .
ه كفر و كفران . ناسپاسى كردن .
ه جواد . بخشنده بى غرض و بى عوض .
ه كيد . مكر .
ه كفرة جمع الكافر و فسقة . جمع الفاسق

آ مكر . مكر من شيء يونع به . . . . . ومن الله تعالى تدبير خفي [illegible]
[illegible] مكر من الله تعالى [illegible]

ه دولة . دولت دوران و غلبه و گردش [illegible] دولت دول و دولات
ه توقنا . [illegible]

وردِ بدرقۂ ایمان

بعد از ہر پنج نماز بخواند۔ لبیك اللهم لبیك لبیك لا شریك لك

لبیك إن الحمد والنعمة لك والملك لا شريك لك آمنت

بالله وكفرت بالجبت والطاغوت واستمسكت بالعروة

الوثقى [illegible] وأشهد أن [illegible] حق وأشهد أن الجنة حق

والنار حق وأشهد أن الله أحد صمد فرد [illegible] لم يلد ولم

يكن له كفوًا أحد وأشهد أن الساعة آتية لا ريب فيها

وأن الله يبعث من في القبور

[illegible] [illegible] جان [illegible] خدمت کی [illegible] توفیق [illegible] یافت [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible] قبول کردم۔

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] علی [illegible]

ملائکہ۔ یعنی جبرئیل و میکائیل و اسرافیل علیہم السلام۔

[illegible] [illegible]

ثابت بکسر دوم [illegible]

[illegible] منسوب [illegible] فی مکان [illegible]

[illegible] [illegible]

واشهد ان کل معبود من دون عرشك الى قرار الارضين باطل

غير وجهك الكريم ربنا آمنا بما انزلت واتبعنا الرسول

فاكتبنا مع الشاهدين. اعوذ بالله من الشيطان الرجيم.

بسم الله الرحمن الرحيم سه بار بگوید و فاتحه بخواند و این دعا بخواند

اَللّٰهُمَّ انی اقدم اليك بين يدی كل نفس ولمحة وطرفة

يطرف بها اهل السموات واهل الارض وكل شیء هو فی علمك

كائن او قد كان فانی اقدم اليك بين يدی ذلك كله.

که قال الله تعالى "ولا يتخذ بعضنا بعضا" ولا يتخذ بعضهم بعضا

۰ الجبت بمعنى ... من دون الله تعالى فهي جبت

۰ العروة بمعنى ... الوثقى كلمة يعنی اسلام

۰ ... لقوله تعالى "للذين احسنوا الحسنى وزيادة" الحسنى هي الجنة والزيادة ...

۰ ... وقد معناه ... على ...

۰ الساعة القيامة

۰ باحث ...

سه ... عن النبی صلی الله عليه وسلم ... الله

تعالى ... صحيفة ... صحيفة ...

که ... بين يدی الله و رسوله ...

۰ نفس ...

۰ ... چشم ...

که یعنی ... منفصل گوید ... صفت ...

صفة ... صفت ... .

اللّٰه لا إله إلا هو الحي القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم له ما
في السموات وما في الأرض من ذا الذي يشفع عنده إلا
بإذنه يعلم ما بين أيديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشيء
من علمه إلا بما شاء وسع كرسيه السموات والأرض ولا
يؤده حفظهما وهو العلي العظيم

آمن الرسول بما أنزل إليه من ربه والمؤمنون كل
آمن بالله وملائكته وكتبه ورسله لا نفرق بين أحد من رسله
وقالوا سمعنا وأطعنا غفرانك ربنا وإليك المصير لا
يكلف الله نفسا إلا وسعها لها ما كسبت وعليها ما اكتسبت
ربنا لا تؤاخذنا إن نسينا أو أخطأنا ربنا ولا تحمل علينا
إصرا كما حملته على الذين من قبلنا ربنا ولا تحملنا
ما لا طاقة لنا به واعف عنا واغفر لنا وارحمنا أنت
مولانا فانصرنا على القوم الكافرين

شهد الله أنه لا إله إلا هو والملائكة وأولو العلم قائما
بالقسط لا إله إلا هو العزيز الحكيم إن الدين عند الله
الإسلام الآية ونحن نشهد بما شهد الله به ونستودع الله
هذه الشهادة وهي لنا عند الله أمانة محفوظة
حتى يؤديها إلينا حين أعجزنا كل شيء وخرج ما كنا فيه

[illegible] آمن الرسول

٥ [illegible]

٦ [illegible]

٧ منصوب [illegible] خبر كان مقدم واجبة في [illegible] ... [illegible]

وتعز من تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير انك على كل شيء قدير ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم تين بار. يا من لا يشغله سمع عن سمع ولا تشتبه عليه الاصوات ويا من لا تغلطه المسائل ولا تختلف عليه اللغات ويا من لا يبرمه الحاح الملحين ولا تضجره مسألة السائلين اذقني برد عفوك وحلاوة رحمتك يا ارحم الراحمين.

سو سو بار سبحان الله سو سو بار والحمد لله سو سو بار والله اكبر ايك بار لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت وهو حي لا يموت ذو الجلال والاكرام بيده الخير وهو على كل شيء قدير.

اينا في حال تدكنا عجز

۱ اَلْبَرّ - نیکوکار

۲ تَحَشَّد - کم کرنا ... گناه

۳ بکواسے محمد

۴ تخصیص الخیر بالذکر دون الشر ... موضع المدح ...
اضافة الخیر الیه ایق ... من باب ... فی قوله تعالیٰ.

۵ ... معرفة ... حرکة ... سلطاعة ... لله تعالیٰ ...
... فی دفع الشر ولا قوة فی درک الخیر الا بالله.

۶ عن حسن ابن علی رضی الله عنهما عن ...
وهو یقول یا من لا یشغله سمع فی آخرة ... حتیٰ ... فدیة ...
... من ... رجل ... عنه ... کما ...
مثل زبد البحر.

۷ المسئلة ... ۸ ...

ذکر نماز اشراق

بعد ازان نماز اشراق بخواند اگر آفتاب برآمده باشد و وقت آن و فوائد آن قبل ازین
بیان شده و اگر وقت نشده باشد در ذکر مشغول می باشد تا آفتاب بقدر یک نیزه
بلند گردد . . . . . سورة والشمس و سه بار سورة اخلاص بخواند و این دعا
را بخواند الحمد لله الذی جعل الشمس ضیاء والقمر
نوراً والحمد لله الذی جعل لنا عافیته وجاءنا بالشمس
من مطلعها اللهم ارزقنی خیرها الیوم وارفع عنی شرها
اللهم نوّر قلبی بنور هدایتك كما نوّرت الارض بنور
قدرتك دو رکعت بدین ترتیب بخواند شکراً لله دو رکعت بنیت
بریانة ادا کند نیت این است اصلی رکعتین شکراً لله تعالی عبادة
لله متوجهاً الی بیت الله تعالی۔

ء فی المشکوة عن ابی هریرة رضی الله عنه قال النبی علیه السلام من سبح الله دبر
کل صلاة ثلثاً وثلثین وحمد الله ثلثاً وثلثین وکبر الله ثلثاً وثلثین فتلك تسعة
وتسعون وقال تمام المائة لا اله الا الله وحده لا شریك له ... غفرت له خطایاه
وان کانت مثل زبد البحر۔

ت فی المصابیح عن عمرو بن شعیب عن ابیه عن جده ان النبی صلی الله علیه
وسلم قال خیر الدعاء دعاء یوم عرفة وخیر ما قلت انا والنبیون من قبلی لا اله
الا الله وحده لا شریك له الی آخره۔

ء عن ... بن ... ان النبی علیه السلام صلی صلوة من شهر ربیع
... ثم ... فقال ... حتی ترتفع الشمس ثم قامت ... ثم قام

در رکعت اول بعد از فاتحه آیة کرسی تا خالدون و در رکعت دوم آمن
الرسول تا آخر سورت و آیت الله نور السموات والارض مثل
نوره کمشکوة فیها مصباح المصباح فی زجاجة الزجاجة
کأنها کوکب دری یوقد من شجرة مبارکة زیتونة لا
شرقیة ولا غربیة یکاد زیتها یضیء ولو لم تمسسه
نار نور علی نور یهدی الله لنوره من یشاء ویضرب الله
الامثال للناس والله بکل شیء علیم

[illegible] رکعتین [illegible]
[illegible] . . . . [illegible]

[illegible] فی [illegible] الوقت الذی [illegible] الشمس [illegible]
فی [illegible]
[illegible]
[illegible] الشمس [illegible]

[illegible] الشمس [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] . . . . .
[illegible] . . . . [illegible]
[illegible] . . . . . .
[illegible]

[illegible]
[illegible] . . . . [illegible]

بعد از دو سنت گوید این دعا بخواند اللّهم انی اصبحت لا استطیع
دفع ما اکره ولا املک نفع ما ارجو واصبحت مرتهناً بعملی واصبح
الامر بید غیری فلا فقیر افقر منی اللّهم لا تشمت بی عدوی
ولا تسؤ بی صدیقی ولا تجعل مصیبتی فی دینی ودنیای ولا فی
آخرتی ولا تجعل الدنیا اکبر همی ولا مبلغ علمی ولا تسلط
علی من لا یرحمنی فی الدنیا والآخرة اللّهم انی اعوذ بک من
الذنوب التی تزیل النعم ومن الذنوب التی توجب
النقم برحمتک یا ارحم الراحمین سنت دو رکعت
نماز ... بعد فاتحه ... بعد از سلام صلوات گوید واین
دعا بخواند .

[illegible]

۲ اصباح - بامداد کردن

۳ المرتهن ... کل نفس ... رهینة بعملها ... فان عمل عملاً صالحاً فکها
وخلصها والا اوبقها .

۴ لا تسؤ - اندوهگین کردن یعنی اندوهگین مکن بسبب من دوستم را

۵ الهم - قصد کردن .

۶ التسلیط - چیره گشتن

۷ تزیل - دور کردن

اللهم إني أعوذ باسمك الأعظم وكلماتك التامة من
شر السامة والهامة وأعوذ باسمك الأعظم
وكلماتك من شر عبادك وشر عذابك وأعوذ باسمك
الأعظم وكلماتك التامة من شر الشيطان الرجيم

وأعوذ باسمك الأعظم وكلماتك التامة من شر نفسي
وأعوذ باسمك الأعظم وكلماتك التامة من شر ما تجري
به الليل والنهار إن ربي الله الذي لا إله إلا هو عليه توكلت
وهو رب العرش العظيم. ربنا إن عدونا [illegible] اللهم
سلطته علينا عدو بصير بعيوبنا يرانا هو وقبيله من
حيث لا نراهم اللهم فآيسه منا كما آيسته من رحمتك
وقنطه منا كما قنطته من عفوك وباعد بيننا وبينه كما باعدت
بينه وبين جنتك إنك على كل شيء قدير وبالحب بالحبيب
لا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم.

[illegible] في تفسير سورة آل عمران [illegible]
الأعظم. في وسيلة القرب بن عباس رضي الله عنه [illegible]
الله عليه وسلم [illegible] . . . .

الاستخارة

دو رکعت نماز بعد فاتحه الکافرون در دوم اخلاص بخواند بعد از سلام صلوات گوید و این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنّی اَستخیرُکَ بعلمک و استقدرک بقدرتک و اسألک من فضلک العظیم فانک تقدر و لا اقدر و تعلم و لا اعلم و انت علام الغیوب اَللّٰهُمَّ انی لا املک لنفسی ضراً و لا نفعاً و لا موتاً و لا حیوةً و لا نشوراً و لا استطیع ان آخذ الا ما اعطیتنی و لا اتقی الا ما وقیتنی. اَللّٰهُمَّ وفقنی لما تحب و ترضی من القول والعمل فی یسرٍ و عافیته. اَللّٰهُمَّ خر لی و اختر لی و لا تکلنی الی اختیاری. اَللّٰهُمَّ اجعل الخیرة فی کل قول و عمل اریده فی هذا الیوم و لیلة

---

۱ الاستخارة يكون بمعنى طلب الخير في الاستخارة لكل عمل يعمل في يوم و ليلة و هذه الاستخارة يكون بمعنى الدعاء على الاطلاق فاما الاستخارة التي التي يصطحبها امام كل امر يريده.

۰ خیر خواستن از خدای عزوجل و مهربانی کردن خواستن

۲ استقدر ـ تقدیر کردن خواستن

۰ ملک و املاک بالحرکات ثلث

۰ النشور ـ زنده شدن

۰ عافیته ـ تندرستی

استحباب دو رکعت. بخواند در رکعت اول سورهٔ واقعه
و در دوم سبح اسم ربك الاعلی بخواند بعد از سلام صلوات گوید
و این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اجعل حبك احب الاشياء الي و
خشيتك اخوف الاشياء عندي اَللّٰهُمَّ كما اقررت
عيون اهل الدنيا بدنياهم فاقرر عيني بعبادتك
واقطع عني لذات الدنيا بانسك والشوق الى لقائك
واجعل طاعتك في كل شيء مني. اللّٰهم ارزقني حبك
وحبّ من احبك وحب من يحبك وحبّ عمل يقربني
الى حبك واجعل حبك احبّ اليّ من الماء البارد
للعطشان يا ذا الجلال والاكرام.

شکرانه دو رکعت بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه پنج بار اخلاص
بخواند بعد از سلام صلوات گوید و سه بار گوید و نحمد لله على
حسن الصباح ونحمد لله على حسن المبيت ونحمد
لله على حسن المساء یکبار بگوید اللّٰهم لك الحمد حمدا
دائما خالدا مع خلودك ولك الحمد حمدا دائما

اللذيذة خوشی، اللذائذ جمعها.

¹ نزدیک اهل سنت و جماعت دیدار خدای تعالی مؤمنان را . . . . . بعد در آمدن بهشت
. . . . . حق تعالی را . . . . . . به بینند که چون گفتن چیزی بینیت
که چون کرده ماند که دیده شود و معتزله می گویند که رؤیت خدای تعالی . . . ممکن نیست.

اَللّٰهُمَّ لَكَ الحمد وإليك المشتكى وأنت المستعان وبك
المستغاث وعليك التكلان ولا حول ولا قوة إلا بك. اللهم
[illegible]
[illegible] أنت ربي لا إله إلا أنت رب العرش
العظيم عليك توكلت وأنت رب العرش العظيم. ولا حول ولا
قوة إلا بالله العلي العظيم ما شاء الله كان وما لم يشأ
لم يكن أشهد أن لا إله إلا الله وأعلم أن الله على كل شيء
قدير وأن الله قد أحاط بكل شيء علماً وأحصى كل شيء
عدداً

اللهم إني أعوذ بك من شر نفسي ومن شر كل دابة أنت
آخذ بناصيتها إن ربي على صراط مستقيم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ت منصوب على التمييز أي علمه محيط بكل شيء ولا تخفى عليه شيء وهذا من باب إضافة
الفعل إلى غير فاعله لقوله تعالى "فإن طبن لكم عن شيء منه نفساً"

ث أي علم الله تعالى عدد كل شيء عدداً حتى لا معدود محصور إلا أحصى كل شيء
حتى العدد فلا يخفى عليه مثقال ذرة ولا حبة.

[illegible] خدایا من پناه میگیرم بتو از شر نفس خود و از شر کل دابه [illegible]

[illegible] تحت قدرت نیست [illegible] و تحت قدرت
[illegible] پیشانی بگیرند.

و ابوبکر رضی الله عنه را بیاموخت وگفت این دعا باید وقت بامداد و شبانگاه
و در وقت فراش بگوی اللهم عالم الغیب والشهادة فاطر السموات
والارض رب کل شیء وملیکه اشهد ان لا اله الا انت
اعوذ بك من شر نفسی ومن شر الشیطان وشرکه
ایضا برکه هر روز یا شب این کلمات بگوید.

---

[3] ابوبکر اسمه عبد الله واسم ابیه عثمان وهو کان فی الخلافة سنتین وثلاثة اشهر وتسعة ایام ومات وکنیة عمر رضی الله عنه ابو حفص وهو کان فی الخلافة عشر سنین وستة اشهر ولیالٍ وقتله ابو لؤلؤة غلام مغیرة بن شعبة، وکنیة عثمان رضی الله عنه ابو عمرو وهو کان فی الخلافة اثنی عشر سنة الا اثنتی عشر یوما وقتله اهل الفتنة وکنیة علی رضی الله عنه ابو الحسن وهو کان فی الخلافة خمس سنین وثلاثة اشهر وقتله عبد الرحمن بن ملجم . . . . فاطر السموات ای خالق السموات.

[4] فی المشکاة عن عبادة بن الصامت من شهد ان لا اله الا الله وحده لا شریك له وان محمدا عبده ورسوله وان عیسی عبد الله ورسوله وابن امته وکلمته القاها الی مریم وروح منه وان الجنة حق والنار حق ادخله الله الجنة علی ما کان من العمل.

شهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمداً
عبده و رسوله و تسبیح سبحان الله و الحمد لله و لا اله
الا الله و الله اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله حق
[illegible] خواندن این کلمات [illegible] ثواب بسیار و در
حدیث آمده است هر که در عقب هر فریضه این ده کلمه بخواند پنج برای دنیا
و پنج برای آخرت ، پنج راست دنیا و پنج راست آخرت و در هر حال
که در ماند [illegible] آنکه بخواند این ده کلمه حسبی الله لدینی
حسبی الله لدنیای حسبی الله لما اهمنی حسبی الله لمن بغی علی
حسبی الله لمن حسدنی حسبی الله لمن کادنی
بسوء ۔

حسبی الله الرحیم عند الموت حسبی الله الرؤف عند المسألة
فی القبر حسبی الله الکریم عند الحساب حسبی الله اللطیف عند
المیزان حسبی الله القدیر عند الصراط حسبی الله الذی لا اله الا هو
علیه توکلت و هو رب العرش العظیم

نماز تسبیح

بعد الفراغ نماز اشراق اگر خواهد قرآن خواند و یا ذکر و اگر نماز تسبیح گزارد به
نماز تسبیح چهار رکعت است در روز بیک سلام و در شب بدو سلام و در هر
رکعت هفتاد و پنج بار تسبیح است بعد از تکبیر تحریمه ۔

حدیث ابن عباس رضی الله عنهما ان رسول الله صلی الله علیه و سلم قال ....

سبحانک اللهم تا آخر چنانکه میخواند بخواند آنگاه ده بار بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر بعد از آن تعوذ و بسم الله و با هر چه خواهد از قرآن بخواند ده بار تسبیح بگوید و در رکوع رود سبحان ربی العظیم سه بار یا پنج بار یا هفت بار یا ده بار بگوید و این دعا بخواند اللهم لک رکعت ولک خشعت وبک آمنت ولک اسلمت خشع لک سمعی وبصری ومخی وعصبی وعظمی بر ده بار تسبیح گوید چون سر از رکوع بردارد بگوید سمع الله لمن حمده اللهم ربنا لک الحمد ملء السموات وملء الارض وملء ما شئت من شیء بعد وانت اهل الثناء والمجد حق ما قال العبد وکلنا لک عبد

عبد المطلب یا عباس الا اعطیک الا اخبرک الا اتحفک الا افعل بک عشر خصال اذا انت فعلت ذلک غفر الله لک ذنبک اوله وآخره وقدیمه وحدیثه وعمده وخطأه سره وعلانیته ان یصلی اربع رکعات ... وکذا فی کل یوم مرة فان استطعت فان لم تستطع ففی جمعة فان لم تستطع ففی عمرک مرة.

۲- فی قوت القلوب فی باب الجمعة یستحب ان یصلی صلوة التسبیح مرتین مرة لیلاً ومرة نهاراً . . . . بتسلیم و ان صلاها لیلاً ستراً فیها بتسلیمتین وکذا فی الاحیاء وفی القوت احب لک ان یکون السورة التی یقرأ فی صلوة التسبیح بعد الفاتحة قل هو الله احد عشر مرات فی کل رکعة .

۳- وفی الاحیاء فان زاد بعد التسبیح قوله لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم فهو حسن و قد ورد ذلک فی بعض الروایات . . . .

ــ لیس المراد نفس السمع اذ ما من شیء الا مسموع له تعالی وانما معناه قبل ... حمده واجاب من حمده ومنه ... سمع الامیر کلامه ... . . . بل ...

ــ رفع علی الغایة بعد ملء السموات وملء الارض

تشهد و سلام [illegible] منت [illegible] ذو الجلال
[illegible] آن گویند چون بسجده رود [illegible]
سبحان ربی الاعلی [illegible] و بنشیند [illegible] تکبیر [illegible]
[illegible]
[illegible] چون [illegible] بسجده نشیند گوید رب
اغفرلی و ارحمنی و اهدنی و اجبرنی [illegible]
تسبیح گوید چون [illegible] سبحان ربی [illegible] گوید چنانکه گفته
شده [illegible] سجدات [illegible]
[illegible]
الله [illegible]

دو بار تسبیح گوید چون [illegible]
[illegible]
و [illegible] بذنبی فاغفرلی فانه لا یغفر الذنوب الا انت فاغفرلی
مغفرة من عندک و ارحمنی انک انت الغفور الرحیم. سبحان ربک
رب العزة عما یصفون و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین
آنکه سلام گوید [illegible] اول سلام گوید [illegible]
[illegible] ربک [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

سُبْحَانَ الحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ سُبْحَانَ الَّذِي يُمِيتُ الخَلَائِقَ وَيَبْقَى
بَعْدَ دَوَامِ ... أَبَدًا سَرْمَدًا ... أَبَدًا أَبَدًا ... بِيَدِهِ ...
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَنَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ النَّبِيِّ الأُمِّيِّ
وَعَلَى آلِهِ صَلَاةً تَكُونُ لَكَ رِضًا وَلِحَقِّهِ أَدَاءً وَأَعْطِهِ الوَسِيلَةَ
وَالفَضِيلَةَ وَالدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا الَّذِي
وَعَدْتَهُ وَاجْزِهِ عَنَّا مَا هُوَ أَهْلُهُ وَمُسْتَحِقُّهُ وَاجْزِهِ أَفْضَلَ
مَا جَزَيْتَ نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ وَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى جَمِيعِ إِخْوَانِهِ
مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ بِرَحْمَتِكَ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ فِي الأَوَّلِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ فِي
المُتَوَسِّطِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ فِي الآخِرِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ ذِكْرِ الأَبْرَارِ وَصَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ مَا اخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ صَلَاةً لَا يَنْقَطِعُ مَدَدُهَا وَلَا يُحْصَى
عَدَدُهَا صَلَاةً تَشْفِي الصُّدُورَ وَتَمْحُو الذُّنُوبَ ... وَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ

---

۱ نبی جانشین شریعت غیر من مرسلین
۲ رسول صاحب شریعت و کتاب مثل موسیٰ و نبی ... شریعت ...
۳ ... نبی جیسا ... بعضے ...
۴ ...
۵ ... وسیلہ ... درجۂ ...
...
۶ بعث ...
۷ مقام ... شفاعت ...
... مقاماً محموداً ...

سبحان خالق النور ... مؤمنين اخرجت من ظلمات و نور
ربنا اتمم لنا نورنا واغفر لنا انك على كل شیء قدير، اللهم
صل على محمد وعلى آل محمد وبارك وسلم اللهم عن
درجات ... في اعلى عليين و اوجد ... حقيقة ...
[illegible]
وشوق ... [illegible]
[illegible]
[illegible]
من ... [illegible]

اصلاح پاک کردن	[illegible]
افشاند ...	[illegible]
[illegible]	
العزم ...	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
و ...	

۱ [illegible]
بهشت برسید —

۲ [illegible]

ذکر نماز چاشت

چون ربع روز بگذرد نماز چاشت دوازده رکعت بگذارد و دو تای چهار است
در رکعت اول والشمس و در دوم واللیل و در سوم والضحی و در چهارم الم نشرح
بخوانند و در هشت دیگر بعد فاتحه آیة الکرسی یکبار و اخلاص سه بار بخوانند

و بروایتی در هر دوازده رکعت فاتحه و آیة الکرسی یکبار و قل هو الله سه بار
بخوانند و اگر ترا فرصت است در هر رکعتی جزوی از قرآن بخواند تا از بعد فراغ
صلوت گوید و این دعا بخواند. اللهم صل علی محمد و علی
آل محمد. اللهم انی اسئلک علم الخائفین منک و خوف
العالمین بک و یقین المتوکلین علیک و توکل الموقنین بک و شکر
الصابرین و صبر الشاکرین لک و انابة المخبتین الیک و الحاق
بالشهداء و حیاة المرزوقین عندک. بعد ازان این دعا بخواند
اللهم اغفر لی و ارحمنی و تب علی انک انت التواب الرحیم
و اگر وقت وسیع باشد رکعتی چند دیگر نفل بگذارد و اگر از نماز فارغ باشد
و مجرد باشد مشغول شود به تلاوت و یا بذکر و یا بنماز.

الاستخاره

دو رکعت بگذارد بعد فاتحه الکافرون و در دوم اخلاص بخواند بعد از سلام
صلوت گوید و این دعا بخواند. اللهم انی استخیرک بعلمک و استقدرک
بقدرتک و اسئلک من فضلک العظیم فانک تقدر و لا اقدر و تعلم

---

۵ نماز چاشت بر رسول صلی الله علیه و سلم فرض بود و بر امت سنت است برای بردن
و آن چهار رکعت

جزوی از قرآن مراد یک سپاره است.

[illegible]

انتخاب دو رکعت

[illegible]

[illegible]

اللّٰهم لك الحمد وإليك المشتكى وأنت المستعان وعليك
التكلان ولا حول ولا قوة إلا بك بعض بزرگان فرموده اند
[illegible] مواظبت نماید هرگز [illegible] روز و شب [illegible]
اللّٰهم أنت ربي لا إله إلا أنت رب العرش [illegible]
توكلت وأنت رب العرش الكريم ـ لا حول ولا قوة إلا بالله
العلي العظيم ما شاء الله كان وما لم يشأ لم يكن أعلم أن
الله على كل شيء قدير وأن الله قد أحاط بكل شيء علماً وأحصى كل شيء عدداً

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] نصب على التمييز [illegible]

[illegible]

[illegible] أي علم عدد كل شيء [illegible]

[illegible]

اگر در بحث و درس و مسائل دین وقت تا قیلوله سبب مشغول شود بعد از آن استنجا و نیت کند [illegible] از تن بیاساید و بگوید اللهم اعنی علی قیام اللیل مناسب چون نیم روز شود قیلوله کند نیت بیداری شب نماز تهجد و چون آفتاب بگردد وضو کند بعد از تحیة الوضو چهار رکعت نماز بگزارد در هر رکعت بعد الفاتحه ... پنج بار ... ثواب بسیار است.

ذکر نماز

چون وقت نماز دیگر چهار رکعت سنته بگزارد و چهار رکعت فرض بخواند و در هر یکی ... بعد سنته ... استغفار گوید و این دعا بخواند.

اللهم انی اسئلک رحمة من عندک تهدی بها قلبی و تجمع بها شملی وتلم بها شعثی وترد بها الفتی وتصلح بها دینی وتقضی بها دینی وتحفظ بها غائبی وترفع بها شاهدی وتزکی بها عملی وتبیض بها وجهی وتلهمنی بها رشدی و تعصمنی بها من کل سوء.

اللهم اعطنی ایمانا صادقا ویقینا لیس بعده کفر ورحمة انال بها شرف کرامتک فی الدنیا والآخرة. اللهم انی اسئلک العفو عند القضاء ونزل الشهداء وعیش السعداء والنصر علی الاعداء ومرافقة الانبیاء برحمتک یا ارحم الراحمین.

و مستحب در نماز آنست که در تابستان تاخیر کند تا خنک شود و در زمستان تعجیل و قرائة در فرض نماز ... آیة بخواند آیة از سوره ... گوید ده بار لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت ذو الجلال والاکرام بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر.

---

۱ شرح ... [illegible]

و در ركعت دوم آن إن الذين آمنوا وعملوا الصالحات كانت لهم جنات
الفردوس نزلاً خالدين فيها لا يبغون عنها حولاً قل لو كان البحر
مداداً لكلمات ربي لنفد البحر قبل أن تنفد كلمات ربي ولو
جئنا بمثله مدداً قل إنما أنا بشر مثلكم يوحى إلي أنما
إلهكم إله واحد فمن كان يرجو لقاء ربه فليعمل عملاً صالحاً
ولا يشرك بعبادة ربه أحداً بخواند و بعد از سلام تعقيبات
این دعا بخواند ـ

سبحان من هو يبقى كان كما هو الآن سبحان من هو هو
يكون كما كان وكما هو الآن سبحان من لا يتغير بذاته
في صفاته ولا في [illegible] بحدوث [illegible] سبحان [illegible]
القديم سبحان [illegible] سبحان [illegible] الذي لا يموت [illegible]
الأول المبدئ سبحان [illegible] سبحان من ليس
قبله [illegible] سبحان [illegible] سبحانه
وتعالى سبحانه سبحانه فسبحان الذي بيده ملكوت
كل شيء وإليه ترجعون ـ

---

١ [illegible]
[illegible]

٢ جنات جمع جنة [illegible] بهشت [illegible]

٣ [illegible]

٤ [illegible]
[illegible]

٥ تفسير [illegible]

دو رکعت فرض میان نماز . . . و دیگر در هر یک بعد از فاتحه از قرآن بخواند
و در سوره قرآن تا فتحنا بخواند بعد از الم نشرح کیف تا آخر قرآن در
هر رکعت یک سوره کوتاه بعد و در رکعت [illegible] بخواند .

ذکر نماز دیگر چون وقت نماز دیگر شود چهار رکعت سنت
بگزارد و در رکعت اول بعد فاتحه اذا زلزلت و در دوم
[illegible] و در سوم [illegible] و در چهارم [illegible] و در روایت
[illegible] و عصر چهار بار و در دوم [illegible] بار و در سوم [illegible] بار و در چهارم یک بار بخواند
مستحب [illegible] نماز دیگر آنست که تاخیر کند تا قرص آفتاب متغیر نشود و در
روز ابر نماز دیگر [illegible] تعجیل [illegible] آیت بخواند بعد از
سلام [illegible] لا اله الا الله وحده لا شریک له [illegible] یحیی و
یمیت [illegible] بیده الخیر و هو
علی کل شئ قدیر [illegible]

[illegible]　　　　[illegible]

[illegible]　　　　[illegible]

[illegible]　　　　[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

دست بردارد و بعد از آن بگوید الحمد لله [illegible] الفضل على بريته [illegible]

[illegible] بالعصمة و [illegible] التشيع [illegible]

ولنبيه صلى على محمد خير [illegible]

البرية [illegible] وغفرلنا [illegible] في هذه العصر و العشية .

ربنا تقبل [illegible] مسلمين و [illegible] صلى على [illegible]

وعلى آل محمد وعلى جميع الانبياء و المرسلين و [illegible]

وسلم تسليما كثيرا و [illegible] شب [illegible] بعد [illegible]

بجا [illegible] العصر و العشية في هذه العشية [illegible]

والعشية گوید بعد [illegible] دیگر سوره الفتح [illegible]

وبعد [illegible] بگوید [illegible]

[illegible]

[illegible] و على كل شيء قدير [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

پس سورهٔ [illegible] و [illegible] و معوذتین بخوانند و بعد
نماز دیگر بحث کنند یا شنیدن آن به حق تعالی مشغول باشند تا قرب غروب
آن گاه استعداد [illegible] نماز شب [illegible] حق تعالی نیکوست
[illegible] قرآن و تسبیح و استغفار و عند الغروب [illegible] عشر خوانند
چنانچه [illegible] پنجشنبه و آدینه بعد [illegible] عشر و در
شب شنبه [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] . . . . . [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] . . . . .

. [illegible]

. [illegible]

. [illegible]

. [illegible]

. [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

چون روز و لیل بخواند۔

"ذکر نماز شام" چون بانگ نماز بشنود بگوید اللهم هذا

اقبال لیلک و ادبار نهارک و اصوات دعاتک و حضور صلواتک
و شهود ملائکتک فاغفر لی ذنوبی و تجاوز عنی سیئاتی
اگر صائم باشد آب افطار کند و بگوید اللهم لک صمت و بک آمنت و علیک
توکلت و علی رزقک افطرت. الحمد لله الذی اعاننی فصمت
و رزقنی فافطرت یا واسع المغفرة اغفرلی و در نماز فرض قراءت نماز
شام سه آیت یا پنج آیت بخواند۔

"و مستحب در ادای نماز شام آنست" که پیش از نماز سنتان نگذرد و بعد
سلام فرض مغرب برخیزد و دستها برآورد این دعا بخواند اللهم انقلنی من
ذل المعصیة الی عز الطاعة و بگوید اللهم اعنی علی ذکرک و شکرک
و حسن عبادتک و اگر شب آدینه بود در فرض نماز شام بهتر آنکه در رکعت
اول قل یا ایها الکافرون و در دوم اخلاص بخواند و بعد از سلام بگوید مرحباً بالملائکة
الذین صحبتا بالملکین الکرامین الکاتبین اکتبا فی صحیفتی انی
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا
عبده و رسوله۔

---

۱ عن عائشة رضی الله عنها قالت قال رسول الله صلی الله علیه و سلم ان افضل الصلوة عند الله
تعالی صلوة المغرب ما حطها الله تعالی عن مسافر و لا مقیم فتح بها صلوة اللیل و ختم بها صلوة النهار
فمن صلی المغرب و صلی بعدها رکعتین بنی الله له قصرا فی الجنة ... من ذهب و فضة و من
صلی بعدها اربع رکعات غفر الله له ذنوب عشرین سنة او قال اربعین سنة۔

۲ فی عوارف و صلی المغرب قبل اشتباک النجوم و تعجیلها فی غیر یوم غیم عزیمة

۳ فی الولجیة تأخیر المغرب مکروه الا بعذر سفر او بان کان علی مائدة۔

۵ اقبال پیش آمدن و ادبار پشت دادن۔

و اشهد ان الجنة حق و النار حق و الحشر حق و الصراط حق

و الحساب حق و الميزان حق و ان الساعة آتية لا ريب فيها

و ان الله يبعث من في القبور [illegible]

[illegible]

[illegible]

صلوٰۃ میں نماز شب و نمازِ چاشت بگزارد بریں ترتیب نماز دو رکعت بگزارد در
رکعت اول بعد از فاتحہ بسم اللہ الرحمٰن الرحیم. الٓمٓ ذٰلک الکتٰب
لا ریب فیہ ہدی للمتقین الذین یؤمنون بالغیب ویقیمون
الصلوٰۃ ومما رزقنٰہم ینفقون والذین یؤمنون بما انزل
الیک وما انزل من قبلک وبالاٰخرۃ ہم یوقنون اولٰئک
علیٰ ہدی من ربہم واولٰئک ہم المفلحون
ان الذین کفروا سواء علیہم ءانذرتہم ام لم تنذرہم لا
یؤمنون ختم اللہ علیٰ قلوبہم وعلیٰ سمعہم وعلیٰ ابصارہم
غشاوۃ ولہم عذاب عظیم ومن الناس من یقول اٰمنا باللہ
وباالیوم الاٰخر وما ہم بمؤمنین یخٰدعون اللہ والذین اٰمنوا
وما یخدعون الا انفسہم وما یشعرون فی قلوبہم مرض
فزادہم اللہ مرضا ولہم عذاب الیم بما کانوا یکذبون واذا قیل
لہم لا تفسدوا فی الارض قالوا انما نحن مصلحون الا انہم ہم
المفسدون ولٰکن لا یشعرون

ف [illegible]

ف [illegible] ۔

ف [illegible]

ف [illegible] ۔

و پس بخواند لله ما في السموات وما في الارض وان تبدوا ما في انفسكم او تخفوه يحاسبكم به الله فيغفر لمن يشاء ويعذب من يشاء والله على كل شيء قدير. آمن الرسول بما انزل اليه من ربه والمؤمنون كل آمن بالله وملائكته وكتبه ورسله لا نفرق بين احد من رسله وقالوا سمعنا واطعنا غفرانك ربنا واليك المصير. لا يكلف الله نفسا الا وسعها لها ما كسبت وعليها ما اكتسبت ربنا لا تؤاخذنا ان نسينا او اخطأنا ربنا ولا تحمل علينا اصرا كما حملته على الذين من قبلنا ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف عنا واغفر لنا وارحمنا انت مولانا فانصرنا على القوم الكافرين.

۱۱ بار اخلاص بخواند۔

"نماز نور" دو رکعت بگزارد در رکعت اول بعد سورهٔ فاتحه سورهٔ ذات البروج و در دوم سورهٔ طارق بخواند۔

"نماز استجابت" دو رکعت بگزارد در رکعت اول بعد فاتحه سورهٔ زلزال و در دوم القارعه بخواند بعد از سلام سر بسجده نهاده بگوید یا حی یا قیوم یا حلیم یا علی یا عظیم یا عزیز یا حکیم یا کریم بحق محمد و آله رب لا تذرنی فردا و انت خیر الوارثین دو رکعت بعد فاتحه سه کوثر پنج بار بعد از سلام سه بار بگوید حمداً لله علی حسن [illegible] و حمداً لله علی حسن البلیت و حمداً لله علی حسن [illegible]۔

○ العلی بلندپایه و برتر ○ العظیم بزرگوار

○ العزیز ارجمند متا ○ الحکیم استوار کار و درست گفته۔

[illegible]

[illegible] مع [illegible]

[illegible] منتهى [illegible]

[illegible]

[illegible] نفس الحمد لله [illegible]

محمد خير خلقه .

نماز روز شنبه گور دو رکعت بگزارد در هر رکعت فاتحه و خمس

شش بار و معوذتین بار [illegible] جعل [illegible] سورة

[illegible] في قبره و في جميع المؤمنين [illegible]

و در رکعت بگزارد در هر رکعت بعد فاتحه [illegible] بعد [illegible]

[illegible] من [illegible] .

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

"احیاء ما بین العشائین" ہم از نماز مغرب بعد ازان ادای تہجد و ادای نماز و اذکار و مراقبہ تا وقت نماز ضحیٰ.

ذکر نماز ضحیٰ

چون وقت نماز ضحیٰ درآید چہار رکعت سنت بگزارد در رکعت اول بعد فاتحہ آیت الکرسی تا خالدون و در دوم لله ما فی السموات تا آخر سورة بخواند در رکعت سوم سبح لله ما فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم له ملك السموات والارض یحیی ویمیت وهو علی کل شیء قدیر.

هو الاول والآخر والظاهر والباطن وهو بکل شیء علیم هو الذی خلق السموات والارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش یعلم ما یلج فی الارض وما یخرج منها وما ینزل من السماء وما یعرج فیها وهو معکم این ما کنتم والله بما تعملون بصیر له ملك السموات والارض والی الله ترجع الامور یولج اللیل فی النهار ویولج النهار فی اللیل وهو علیم بذات الصدور.

ے [illegible]

ٹ [illegible]

ٹ من صلی الضحی [illegible]

ے ان الله خلق السموات [illegible]

ٹ قال علیه السلام من قرأ [illegible]

در رکعت دوم لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا
مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ
يَتَفَكَّرُونَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ
هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ
الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ.
هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا
فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

أن تنور بكتابك بصري وأن تشرح به صدري وأن تفرج به قلبي وأن تشغل به بدني وأن تطلق به لساني وأن تعينني على الحق وغيرك ولا يؤتيه إلا أنت ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم وصلى الله على خير خلقه محمد وآله أجمعين ـ

دعاء ليس: سبحان المفرج عن كل محزون سبحان منفس عن كل مديون سبحان من جعل خزائنه بين الكاف والنون إنما أمره إذا أراد شيئاً أن يقول له كن فيكون. سبحان الذي ... فسبحان الذي بيده ملكوت كل شيء وإليه ترجعون.

دعاء تبارك: ... عنهمني باسمه ... بالصدق عنه وعلمني ... وأشنحت لي ... التي ... من شر نفسي ومن شر كل دابة أنت آخذ بناصيتها وأسألك من خير الذي كتبته بيدك إن ربي على صراط مستقيم وتلك ... والذين إذا فعلوا فاحشة أو ظلموا أنفسهم ذكروا الله فاستغفروا لذنوبهم ومن يغفر الذنوب إلا الله.

ه وفي ... تقرأ سورة ... في ركعة ... والزلزلت ... والحكم ... وفي ... والعصر والعاديات ... وفي ... ... عن رسول الله صلى الله عليه وسلم أنه قرأ في ركعة ... سورة ... الزلزلت وفي ... والعصر ... والمعوذتين ...

ه تفرج ...

ه ... تشغل ...

...

ولم يصروا على ما فعلوا وهم يعلمون. أولئك جزاؤهم مغفرة من ربهم وجنات تجري من تحتها الأنهار خالدين فيها ونعم أجر العاملين و در ركعت دوم بخواند ولو أنهم إذ ظلموا أنفسهم جاءوك فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحيما.

و این آیت نیز بخواند ومن یعمل سوءا یظلم نفسه ثم یستغفر الله یجد الله غفورا رحیما. اگر نماز با غسل پیش از تراویح بگزارد بهتر و مستحب در گزاردن وتر آنست که اگر استطاعت باشد بر بیداری وتر بگزارد و آن گاه تهجد و درخواندن قراءة وتر افضل آنست که در رکعت اول سبح اسم ربک و در دوم قل یا ایها الکافرون و در سوم اخلاص بخواند تمام کند دست بر آرد الله اکبر گوید و دعای قنوت بخواند.

في تفسير [illegible] في سورة [illegible]

[illegible] عبد الله بن مسعود [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

اللهم انا نستعينك ونستغفرك ونؤمن به ونتوكل عليك ونثني عليك الخير ونشكرك ولا نكفرك ونخلع ونترك من يفجرك اللهم اياك نعبد ولك نصلي ونسجد واليك نسعى ونحفد ونرجو رحمتك ونخشى عذابك ان عذابك بالكفار ملحق .

اللهم اهدني فيمن هديت وعافني فيمن عافيت وتولني فيمن توليت وبارك لي فيما اعطيت وقني شر ما قضيت فانك تقضي ولا يقضى عليك انه لا يذل من واليت ولا يعز من عاديت تباركت

---

١ [illegible]

٢ [illegible] يا أيها الكافرون ، وفي الثالثة قل هو الله احد .

٣ القنوت [illegible] الدعاء .

٤ [illegible]

٥ الاستعانة طلب العون على الطاعة وترك المعصية .

٦ [illegible]

٧ [illegible]

سبحانه وتعالى عما يقول الظالمون علوّا كبيرا ذو الجلال
والاكرام رب ... [illegible] ... فاغفرلى انت ...
اللّهمّ صلّ على محمد وعلى آل محمد وبارك وسلّم.

بعد از آن سجده كند و سه بار بگويد سبحان الملك القدوس سبوح
قدوس رب الملائكة والروح پس بنشيند و آية الكرسى بخواند باز سجدهٔ
دوم كند ... [illegible] ... چنانكه گفتيم بگويد پس سر بردارد و حاجت خود بخواهد پس دو ركعت
سنت بگزارد و در ركعت اول بعد فاتحه اذا زلزلت و در ركعت دوم قل يا ايها
الكافرون بخواند بعد از سلام سه بار بگويد تبارك ... [illegible] ...
... [illegible] ... والحمد لله رب العالمين ... [illegible] ...
بحكم ... [illegible] ...

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سی بار سبحان الله سی بار الحمد لله سی بار الله اکبر یک بار لا
اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو
حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر. فنحمده
ونستعینه ونؤمن به ونتوکل علیه ونشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شریک له ونشهد ان محمداً عبده ورسوله ارسله
بالهدی ودین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون من یهد
الله فلا مضل له ومن یضلل الله فلا هادی له نعوذ بالله من
شرور انفسنا ومن سیئات اعمالنا و اگر تنها بامداد بخواند بهتر بوده.

ذکرِ خفتن

در وقتِ خفتن پیش از آن که خواهد خفت و بعد از نماز بامداد و خواندن این
سورتها و آیتها مواظبت نماید سورهٔ حدید و حشر و الصف و الجمعه و
التغابن و علق و القلم و ... تا آخر اگر نتواند از ...
تا آخر قرآن و این آیتها بخواند.

و عبده ... ثوب ... حج ... و ثوب شهید و لعنت ... الیه ... ملک ... الجنت
و کانما عتق به ما ئیة رقبة و ... دعاء و یشفع ... من ...
... شهید.

دو رکعت بعد از ... حدیث ... ثابت شده است.

... خدا ... فرسته ... بر ... مومن ... شود ...
فرسته ... — از بدن

... ثبت ... نماز ... است ... قرآن ...

وزكريا اذ نادى ربه رب لا تذرني فردا وانت خير الوارثين

فسبحان الله حين تمسون وحين تصبحون وله الحمد في السموات والارض وعشيا وحين تظهرون يخرج الحي من الميت ويخرج الميت من الحي ويحي الارض بعد موتها وكذلك تخرجون .

بسم الله الرحمن الرحيم . والصافات صفا فالزاجرات زجرا فالتاليات ذكرا ان الهكم لواحد رب السموات والارض وما بينهما ورب المشارق انا زينا السماء الدنيا بزينة الكواكب

وحفظا من كل شيطان مارد لا يسمعون الى الملأ الاعلى ويقذفون من كل جانب دحورا ولهم عذاب واصب الا من خطف الخطفة فاتبعه شهاب ثاقب فاستفتهم أهم اشد خلقا أم من خلقنا انا خلقناهم من طين لازب سبحان ربك رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين . بسم الله الرحمن الرحيم حم تنزيل الكتاب من الله العزيز العليم غافر الذنب وقابل التوب شديد العقاب ذي الطول .

لا اله الا هو اليه المصير لقد صدق الله رسوله الرؤيا بالحق لتدخلن المسجد الحرام ان شاء الله آمنين محلقين رؤسكم ومقصرين لا تخافون فعلم ما لم تعلموا فجعل من دون ذلك فتحا قريبا

[illegible]

[illegible]

هو الذي ارسل رسوله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله وكفى بالله شهيدا ۔ محمد رسول الله والذين معه اشداء على الكفار رحماء بينهم تراهم ركعا سجدا يبتغون فضلا من الله ورضوانا سيماهم في وجوههم من اثر السجود ذلك مثلهم في التوراة ومثلهم في الانجيل كزرع اخرج شطأه فآزره فاستغلظ فاستوى على سوقه يعجب الزراع ليغيظ بهم الكفار ۔

وعد الله الذين آمنوا وعملوا الصالحات منهم مغفرة واجرا عظيما ۔

يا معشر الجن والانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات والارض فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان فبأي آلاء ربكما تكذبان يرسل عليكما شواظ من نار ونحاس فلا تنتصران ۔

بسم الله الرحمن الرحيم ۔ سبح لله ما في السموات والارض وهو العزيز الحكيم ۔ له ملك السموات والارض يحيي ويميت وهو على كل شيء قدير ۔ هو الاول والآخر والظاهر والباطن وهو بكل شيء عليم ۔ هو الذي خلق السموات والارض في ستة ايام ثم استوى على العرش يعلم ما يلج في الارض وما يخرج منها وما ينزل من السماء وما يعرج فيها وهو معكم اين ما كنتم والله بما تعملون بصير ۔

[illegible]

[illegible]

(زاهدی)

لله ملك السموات والأرض وإلى الله ترجع الأمور. يولج الليل في
النهار ويولج النهار في الليل وهو عليم بذات الصدور. لو
أنزلنا هذا القرآن على جبل لرأيته خاشعاً متصدعاً من
خشية الله وتلك الأمثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون.
هو الله الذي لا إله إلا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم

هو الله الذي لا إله إلا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز
الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون هو الله الخالق
البارئ المصور له الأسماء الحسنى يسبح له ما في السموات والأرض
وهو العزيز الحكيم.

بسم الله الرحمن الرحيم قل أوحي إلي أنه استمع نفر من الجن فقالوا
إنا سمعنا قرآناً عجباً يهدي إلى الرشد فآمنا به ولن نشرك
بربنا ما اتخذ صاحبة ولا ولداً كان يقول سفيهنا على الله شططاً
سورة الكافرون والإخلاص والمعوذتين والفاتحة ثم تقول اللهم احرسني
بعينك التي لا تنام واجعلني في كنفك الذي لا يرام بقدرتك يا عظيم ولا
تهلكني وأنت رجائي بسم الله على نفسي وديني بسم الله على أهلي
ومالي وولدي.

---

١ [illegible]

٢ عن النبي صلى الله عليه وسلم من قرأ آخر الحشر غفر الله له ما تقدم من ذنبه وما تأخر.

٣ [illegible]
الله الذی هو خالقنا.

بمحمد عن جميع ما عصاك ربي الله الله الله الله ربي لا اشرك به
شيئا الله اعز واجل مما اخاف واحذر اللهم اني اعوذ بك من شر نفسي و
من شر كل دابة انت آخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم. اللهم
رب السموات السبع ورب العرش العظيم ربنا ورب كل شيء منزل التوراة
والانجيل والزبور والفرقان نعوذ بك من شر كل دابة انت آخذ بناصيتها انت
الاول فليس قبلك شيء وانت الآخر فليس بعدك شيء وانت الظاهر فليس فوقك
شيء وانت الباطن فليس دونك شيء اقض عنا الدين واغننا من الفقر.

برای [illegible] دست راست [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] جبین [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] شد.

لها وارحمها وان ارسلتها فاحفظها بما تحفظ به عبادك الصالحين
اللهم اني وجهت وجهي للذي اليك وفوضت امري والجات ظهري اليك
رهبةً ورغبةً اليك لا ملجاء ولا منجى الا اليك آمنت بكتابك الذي
انزلت وبنبيك الذي ارسلت .

اللهم قني عذابك يوم تبعث عبادك الحمد لله الذي عافاني بعد
لله الذي ملك فقدر الحمد لله الذي هو يحيي

اللهم قني عذابك يوم تبعث عبادك الحمد لله الذي عافاني بعد
لله الذي بطن فخبر والحمد لله الذي ملك فقدر الحمد لله الذي يحيي الموتى
وهو على كل شيءٍ قدير ، اللهم اني اعوذ بك من غضبك وسوء عقابك
وشر عبادك وشر الشيطان وشركه . اللهم يقظني في احب الساعات
اليك واستعملني باحب الاعمال لديك التي تقربني اليك زلفى لتبعدني من
سخطك بعداً اسالك فتعطني واستغفرك فتغفر لي وادعوك فتستجيب
لي . اللهم لا تؤمني مكرك ولا تولني غيرك ولا ترفع عني سترك ولا تنسني
ذكرك ولا تجعلني من الغافلين .

---

٥ والانجيل كتاب حق تعالى كه بر عيسى نازل شد .

٥ الزبور بر داود عليه السلام نازل شد .

٥ الفرقان قرآن سمي به لانه يفرق بين الحق والباطل .

٥ عن حفصة رضي الله عنها ان رسول الله صلى الله عليه وسلم كان اذا اضطجع وضع يده اليمنى تحت خده ثم قال
عليها يمينه وقال اللهم قني عذابك الى آخره .

٥ العلاء بزرگوار شدن

٥ القهر غلبه كردن .

٥ الخبر والخبرة آزمودن .

یا رب کل شیئ بقدرتک علی کل شیئ ولا تسألنی عن شیئ

واغفر لی کل شیئ انک علی کل شیئ قدیر [illegible]

[illegible] ذکری گوید تا خوش بود.

ذکر بیدار شدن از خواب

چون از خواب بیدار شود چشمها را بخیر و دل خود را بجانب حق مایل کند و از بعث و قیامت یاد آرد و غیره اوراد زیاده گوید.

الحمد لله الذی احیانا بعد ما اماتنا والیه النشور الحمد لله الذی عافانی فی جسدی ورد علی روحی واذن لی بذکره سبحان من یحیی الموتی وهو علی کل شیئ قدیر لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین ولله ملک السموات والارض والله علی کل شیئ قدیر ان فی خلق السموات والارض واختلاف اللیل والنهار لآیات لاولی الالباب الذین یذکرون الله قیاما وقعودا وعلی جنوبهم ویتفکرون فی خلق السموات والارض ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانک فقنا عذاب النار.

---

(۱) بعث = زنده کردن　(۲) تقرب = نزدیک کردن

(۳) تبعید = دور کردن

(۴) [illegible]

(۵) [illegible] برخیزند.

(۶) [illegible]

(۷) [illegible]

ربنا انك من تدخل النار فقد اخزيته وما للظالمين من انصار
ربنا اننا سمعنا مناديا ينادي للايمان ان آمنوا بربكم فآمنا
ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا وتوفنا مع الابرار
ربنا وآتنا ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا يوم القيامة انك
لا تخلف الميعاد فاستجاب لهم ربهم اني لا اضيع عمل عامل منكم
من ذكر او انثى بعضكم من بعض فالذين هاجروا واخرجوا من ديارهم
واوذوا في سبيلي وقاتلوا وقتلوا لاكفرن عنهم سيئاتهم ولادخلنهم
جنات تجري من تحتها الانهار ثوابا من عند الله
والله عنده حسن الثواب

لا يغرنك تقلب الذين كفروا في البلاد متاع قليل ثم مأواهم
جهنم وبئس المهاد لكن الذين اتقوا ربهم لهم جنات تجري من
تحتها الانهار خالدين فيها نزلا من عند الله وما عند الله
خير للابرار وان من اهل الكتاب لمن يؤمن بالله وما انزل اليكم
وما انزل اليهم خاشعين لله لا يشترون بآيات الله ثمنا قليلا اولئك
لهم اجرهم عند ربهم ان الله سريع الحساب

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] صبح [illegible] و بعد [illegible] لله [illegible] چون
اگر [illegible] غسل کند [illegible] ست و اگر [illegible] کند و چون [illegible] مسواک
[illegible] بگوید [illegible]
[illegible] بهشت [illegible]
شود هم مسواک بشوید.

ادب قضاء حاجت

چون خواهد که در مستراح رود نخست پای چپ [illegible] و [illegible]
[illegible] سر برهنه و پشت [illegible] بگوید [illegible] اللهم انی اعوذ بک
من الرجس النجس الخبیث المخبث من الشیطان الرجیم [illegible] پای چپ
[illegible] و چون بنشیند [illegible] دست چپ [illegible]
[illegible] پای راست [illegible] پای چپ [illegible]
فارغ شود [illegible] آب [illegible].

[illegible] مسواک کردن [illegible] ست.
[illegible] السواک [illegible]
[illegible]

[illegible] مسواک کردن [illegible] ست [illegible]
[illegible] مسواک
[illegible] مسواک کرده [illegible]
[illegible] مسواک کردن [illegible]
[illegible]

و بازی نکند و خنده نکند و سخن نگوید . . . . . و چون بیرون آید . . . .
و اگر در صحرا باشد به جائی رود که از نظر خلق پوشیده باشد و در آب ننشیند که عورت
شود و پیش از نشستن برهنه نکند و قبله را نگردد و در مساجد نه نشیند و در
زمین سخت و برابر باد بول نکند و پشت و روی . . . . نرسد و میان
آب ننشیند بلکه بر لب آب کند .

و اجب است که بول نشسته کند [illegible] الشهور است و در چیزی سوراخ
بول و غیره نکند و آنجا که غسل و وضو سازد بول نکند و چون فارغ شود استنجا
کند و در استنجا دو چیز فرض است اول دو کردن نجاست دوم پاک
کردن [illegible] سنت که یکبار استنجا [illegible] نکند
[illegible] سه [illegible] سه بار [illegible] .

---

۱ عن [illegible] في شرح [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] .

۲ في [illegible]
[illegible]
[illegible] .

۳ في شرح [illegible]
[illegible]
[illegible] .

کیفیت استنجاء

کلوخ بدست چپ بگیرد و بجای نجاست که پیدا شده بنهد از قبل [illegible] کند پس سنگ میگرداند تا آخر خرقه پس سنگ دوم بگیرد از آن طرف بشد [illegible] میگرداند [illegible] سنگ سوم [illegible] گرداند چون [illegible] بعد دست [illegible] بیرون [illegible] کنج مدبود [illegible] واهسات [illegible] غفرانک [illegible] امتصبر

کیفیت استبراء

بعد از بول سر ذکر [illegible] کند و اگر [illegible] بدست راست گیرد و ذکر بدست چپ [illegible] بدست چپ [illegible] [illegible] تا [illegible] بیرون [illegible] [illegible]

[illegible] قال الشیخ [illegible] بشکت [illegible] وجه [illegible] کرده است [illegible] واستنجا [illegible] بدست راست [illegible] [illegible]

[illegible] في ذلك [illegible] موضع [illegible] وغسله [illegible] يخرج من [illegible] وهو سنة في كتاب [illegible] غسل [illegible] فرضية وغسل موضع [illegible] سنة فقد [illegible] ذلك [illegible] ولا [illegible] ذلك [illegible] ... في غسله [illegible] ذلك [illegible] في [illegible] ذلك سنة.

[illegible] عن [illegible] كان [illegible] عبدة [illegible] [illegible] غفرانك [illegible]

که وسوسه فزاید اما در استبرا و تنقیه و بینی بیگمان بود و چون اراده دست وضو
زن چون بکند وضع کند و بگوید اگر آن نباشد کلوخ به سه عدد بهتر خشک
را پاره آب زند بعد شستن و چون خواهد که آب بشوید اقل مشقتی کند که آب
نگذاشتن بعد رنگ سنت است اول دو دست بشوید و تسمیه بگوید و بر زبان
بخواند اللهم اجعل طهوری کفارة لذنوبی چون از استنجا فارغ شود
از جای برخیزد و بگوید الحمد لله الذی جعل الماء طهورا و الاسلام نورا و رحمة
صلی الله علیه وسلم مبشرا و رسولا اللهم طهر قلبی من النفاق و حصن
فرجی من الفواحش و بعد از استنجا در فراغت بنشیند فراخ و دست
بدیوار زند و آنگه بشوید اصل است زیرا که بوی نماند چون بدست خود بشوید به
قبله بنشیند و سر برهنه نکند که نباشد چون دست بشوید بگوید اعوذ بک
من الشیطان الرجیم و من همزه و نفخه و نفثه رب اعوذ بک من
همزات الشیاطین و اعوذ بک رب ان یحضرون

بسم الله الرحمن الرحیم. بسم الله و الحمد لله علی دین الاسلام
اللهم ثبتنی علی الاسلام و علی شهادة ان لا اله الا الله اللهم انی
اسئلک الیمن و البرکة و اعوذ بک من الشؤم و الهلکة چون مضمضه
کند به سنت آب در دهن و غرغره کند اگر روزه ندارد این دعا بخواند اللهم صل علی
محمد و علی آل محمد اللهم اعنی علی تلاوة القرآن و ذکرک و
شکرک و حسن عبادتک چون استنشاق کند بگوید اللهم صل علی محمد
و علی آل محمد و اوجدنی رائحة الجنة و انت عنی راض و آب
در بینی کشد اگر روزه دار نبود چون استنثار کند بگوید

---

۱ یحتمل ببینی قبل از استنجا و بعد از هر
۲ المرئیة بلا تأویل دیگر نسخه هم گرفته

اللّهمّ صلّ علی محمّدٍ وعلی آلِ محمّد اللّهمّ انّی اعوذ بک من روائح النّار وسوءِ الدّار چون خواهد که روی بشوید بگوید نَوَیتُ اَن اَرفَعَ الحَدَث لاستباحة[۱] الصّلوة بگوید اللّهمّ صلّ علی محمّدٍ وعلی آلِ محمّدٍ اللّهمّ بَیِّض وَجهی بنورک یوم تبیضّ وجوه اولیائک ولا تُسوِّد وجهی یوم[۲] تسود وجوه اعدائک چون دست راست بشوید بگوید اللّهمّ صلّ علی محمّدٍ وعلی آلِ محمّدٍ اللّهمّ اعطنی کتابی بیمینی وحاسبنی حساباً یسیراً چون دست چپ بشوید بگوید اللّهمّ انّی اعوذ بک من ان تؤتینی کتابی بشمالی او من وراء ظهری [illegible] کلمهٔ شهادت بگوید [illegible] کلمهٔ حق [illegible] سنت [illegible] گردان [illegible] چون مسح کند بگوید اللّهمّ غشّنی برحمتک وجنّبنی من عذابک وانزل علیّ من برکاتک واظلّنی تحت ظلّ عرشک یوم لا ظلّ الّا ظلّک چون مسح گوش کند بگوید اللّهمّ اجعلنی من الّذین یستمعون القول فیتّبعون احسنه اللّهمّ اسمعنی منادی الجنّة مع الابرار چون مسح گردن کند بگوید اللّهمّ فکّ رقبتی من النّار واعوذ بک من السّلاسل والاغلال چون پای راست بشوید

---

۱ استباحة: مباح کردن ورخصت داشتن

۲ اختلفوا فی بیاض الوجوه وسوادها بعضهم حملوها علی حقیقة البیاض والسواد علی ما روی عن النبیّ صلّی الله علیه وسلّم انّه قال یحشر المؤمن ووجهه اضوء من القمر لیلة البدر ویحشر الکافر ووجهه اسود وبعضهم قالوا لیس المراد حقیقة البیاض والسواد بل المراد من البیاض الفرح ومن السواد الحزن کما قال الله تعالی واذا بشّر احدهم بالانثی ظلّ وجهه مسودّا وهو کظیم [illegible] حزن لا حقیقة سواد

بگوید اللهم ثبت قدمی علی الصراط مع اقدام المؤمنین چون پای
چپ بشوید بگوید اللهم انی اعوذ بک من ان تزل قدمی علی الصراط یوم
تزل فیه اقدام المنافقین در خلال انگشتان پای ابتداء از انگشت خورد
از پای راست از درون پای کند و ختم بر انگشت خورد از پای چپ کند و نیز
بانگشت خورد دست چپ کند بخلاف ناخن که ابتداء از انگشت شهادت کند
از دست راست و ختم بر ابهام آن دست و در پای از خنصر پای راست و بر
بر انگشت خورد پای چپ کند چون فارغ شود بآن آب بقیه وضو ...
بسبب شفاعت روی بقبله آرد گوید۔

الحمد لله الذی خلق السموات بغیر عمد ترونها اشهد ان
لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله
سبحانک اللهم وبحمدک لا اله الا انت عملت سوءا وظلمت نفسی
استغفرک واتوب الیک فاغفر لی وتب علی انک انت التواب الرحیم
اللهم اجعلنی من التوابین واجعلنی من المتطهرین واجعلنی من
عبادک الصالحین واجعلنی من الذین لا خوف علیهم ولا هم یحزنون
واجعلنی صبورا شکورا واجعلنی ان اذکرک ذکرا کثیرا
واسبحک بکرة واصیلا. اللهم انی اسئلک تمام الوضوء وتمام
الصلوة وتمام مغفرتک برحمتک یا ارحم الراحمین و سورة انا انزلناه بخواند
دو رکعت تحیة الوضوء بگزارد در رکعت اول بعد فاتحه ولو انهم اذ ظلموا
انفسهم جاؤک فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله ...

---

(۲) در متن این جا بیاض است۔

(۳) قال علیه السلام من تشهد عند فراغ من وضوء ... مستقر
مقبرة فیحجب ... ۔

تو بار رحمت و در رحمت وی و من بجمیع منزلة و بنفسه ثم

یستغفر الله بعد از آن نفوذ نجیب بعد از هم دو رکعت و بعد از ان دعا

بخواند اللهم آت نفسي تقواها وزكّها انت خير من زكّاها انت وليّها ومولاها

اللهم انت كما احببت فحبّبني لذلك اللهم اجعل

سريرتي خيرا من علانيتي واجعل علانيتي صالحة اللهم ارزقني

حسن الاختيار وصحّة الاعتبار وصدق الافتقار برحمتك يا ارحم

الراحمين —

ذکر شانه

چون خواهی که موی را شانه کنی او را بر شانه کند و بگوید اللهم زيّنّي بزينة

اهل التقوى اللهم اني اسألك تحمّلا كما فيته وصبرا على

بلائك وخروجا من الدنيا الى رحمتك پس همی لحیه را شانه کند و بگوید

اللهم زدني من كل بلاء الدنيا وعذاب الآخرة بعد از آن لب

راست را شانه کند چپ بزند و از زیر لحیه چپ تا جانب راست و بگوید

وقایه تو جو بهبود والخصر و وسوسة الشيطان سبحان من

زيّن الرجال باللحى والنساء بالذوائب وسوره الانشراح بخواند و

چون در آینه بنگرد بگوید —

الحمد لله الذي خلقني فأحسن خلقي وصوّرني فأحسن

صورتي اللهم كما حسّنت خَلقي فحسّن خُلقي لتدبير آب و شیر

با انضمام نیز تدبیر و ... کند که رسول صلی الله علیه و سلم از دیدن

آب و خوردن ... اکثر ... گفت که رسول صلی الله علیه و سلم ...

و ... بود ... بسیار ... آب ... استنجا

... دست و ... و ... نکند —

... در متن ... است —

ذکر تقدیر آب غسل

از رسول صلی الله علیه وسلم پرسیدند آب غسل - به پیمانه من چند بود
چهارم - گفتند - پس نمی کند گفت - بیش از شست وپنج [illegible]
او را بس می کند شما را بس نمی کند زیرا رخصت نداد اما عمر رحمه الله تعالی فرمود
نیم من بجز شست شوید و نیم من باقی آب فرو دریزد

ذکر نماز تهجد

چون توفیق یابد نماز شب بدین ترتیب گزارد بعد نیم شب برخیزد و [illegible]
کند و پیش از ادای تحیه وضو بگوید الله اکبر کبیراً والحمد لله کثیراً وسبحان
الله بکرةً واصیلاً

في الشرعة ومن سنة الابرار التهجد وهو ان يقوم في جوف
الليل ويتوضأ ويصلي تطوعاً وفي التنبيه الشيء لا يكون التهجد الا بعد
النوم والتهجد صلوة الليل وقد روي عن النبي صلى الله عليه وسلم
انه قال قم من الليل ولو قدر حلب شاة وفي مواعظ اوحى الله تعالى الى
داود النبي عليه السلام يا داود من نام جميع الليل فليس بمحبي -

في المصابيح قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من قام من الليل
فقال لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد وهو على
كل شيء قدير وسبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر ولا حول
ولا قوة الا بالله العلي العظيم ثم قال رب اغفر لي او قال ثم دعا م

[illegible]

[illegible]

انک انت الوهاب۔

[illegible]

له الاعلان آشکارا کردن۔

وَزَكِّهَا أَنْتَ خَيْرُ مَنْ زَكّٰهَا أَنْتَ وَلِيُّهَا وَمَوْلٰهَا اَللّٰهُمَّ اهْدِنِيْ لِأَحْسَنِ
الْأَخْلَاقِ فَإِنَّهُ لَا يَهْدِيْ لِأَحْسَنِهَا إِلَّا أَنْتَ وَاصْرِفْ عَنِّيْ سَيِّئَهَا
إِلَّا أَنْتَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْبَائِسِ الْمِسْكِيْنِ وَأَدْعُوْكَ دُعَاءَ الْمُفْتَقِرِ
الذَّلِيْلِ الْخَاشِعِ فَلَا تَجْعَلْنِيْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا وَكُنْ بِيْ رَؤُفًا
رَحِيْمًا يَا خَيْرَ الْمَسْئُوْلِيْنَ وَيَا أَكْرَمَ الْمُعْطِيْنَ. اَللّٰهُمَّ رَبَّ جِبْرَئِيْلَ
وَمِيْكَائِيْلَ وَإِسْرَافِيْلَ فَاطِرَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ
أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِيْمَا كَانُوْا فِيْهِ يَخْتَلِفُوْنَ۔

اِهْدِنِيْ لِمَا اخْتُلِفَ فِيْهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ إِنَّكَ تَهْدِيْ مَنْ تَشَاءُ إِلٰى
صِرَاطٍ مُسْتَقِيْمٍ بعد ازاں تحیۂ وضو گزارد بعد ازاں قرأت کہ گفتہ شدہ سنت
بجا آرد بعد السلام سہ بار بگوید سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ
أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ عَدَدَ مَا عَلِمَ اللّٰهُ وَمِلْءَ
عِلْمِ اللّٰهِ بعدہ سہ بار بگوید أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ عَمْدًا

---

۱ البائس الذي اشتدت به الحاجة۔

۲ الخاشع [illegible]۔

۳ الغيب ما غاب عن العباد۔

[illegible]

[illegible]

وَخَطَايَانَا وَعَمْدَنَا [illegible] الَّذِي [illegible] مِن
الذَّنبِ الَّذِي [illegible] وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ [illegible] وَلَا قُوَّةَ إِلَّا
بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ [illegible] عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى
آلِ مُحَمَّدٍ [illegible]
[illegible]
[illegible] يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ..... [illegible] تسبیح و استغفار [illegible]
[illegible] بعد الفراغ [illegible] مناجات [illegible]

مناجات پادشاہا

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible] اللهمّ اصلح فساد قلوبنا واصلح فساد افعالنا واصلح فساد اقوالنا واصلح فساد احوالنا واصلح فساد [illegible] بالصالحين [illegible] وديننا ومحمّدًا صلّى الله عليه وسلّم نبيًّا [illegible] حتّى على [illegible]

[illegible] واگر [illegible]

[illegible] الفلاح [illegible]

[illegible]

[illegible]

دعای ابدالی

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

اغفر لي ذنوبي وافتح لي ابواب رحمتك و چون بسوی آسمان نگاه کند گوید ربنا ما
خلقت هذا باطلا سبحانك فقنا عذاب النار و چون از خانه بیرون رود گوید لا اله الا
الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت وهو حي
لا يموت ذو الجلال والاكرام بيده الخير وهو على كل شيء قدير اللهم
لا مانع لما اعطيت ولا معطي لما منعت ولا ينفع ذا الجد منك الجد
سبحان ربك رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله
رب العالمين بسم الله لا يصرف السوء الا الله ما شاء الله لا يأتي بالخير الا
الله وما بكم من نعمة فمن الله هر بار که از خانه بیرون آید بسم الله گوید و چون
بکسی برسد گوید السلام عليك من ربك وعلى عبد الله و چون بخانه
درآید اول پای راست درون نهد گوید بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله
دخلنا وعلى الله توكلنا اللهم اني اسئلك خير المدخل وخير المخرج
دو رکعت نماز گزارد در رکعت اول بعد از فاتحه آیة الکرسی و در دوم سوره اخلاص بخواند بعد
از سلام تسبیح گوید و این دعا بخواند اللهم اني اسئلك خير هذا المنزل و
خير ما فيه واعوذ بك من شر هذا المنزل وشر ما فيه اللهم
اعصمني بلطفك حتى لا اعصيك واحفظني على طاعتك بتوفيقك
وجنبني معصيتك يا ارحم الراحمين اگر وسوسه در نماز کند آیة
الکرسی و سوره اخلاص بخواند و گرسنه از خانه بیرون نرود باشد و تنها
تکیه بر فراش نکند

شب اربعه

میان نماز شام و خفتن دو رکعت نماز بگزارد در رکعت اول فاتحه
الحمد [illegible] و در رکعت دوم فاتحه

در هر رکعت بعد فاتحه ...

اخلاص و معوذتین یکبار بخواند شب سه شنبه [illegible] بار [illegible] آیه بوقت
چاشت دوازده رکعت نماز در شب شنبه میان نماز شام و خفتن دوازده رکعت
بگزارد و هر چه تواند از قرآن بخواند در شب چهار رکعت گزارد و در هر رکعت بعد
فاتحه [illegible] بار بخواند بعد [illegible] آیة الکرسی یکبار بخواند

شب یکشنبه بیست رکعت گزارد در هر رکعت اخلاص پنجاه بار و معوذتین
یکبار بخواند بعد سلام صد بار [illegible] صد بار استغفار و صد بار لا حول و
لا قوة الا بالله العلی العظیم و صد بار گوید اللهم اغفر لی و لوالدی و من
توالد [illegible] للمؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات الاحیاء
منهم و الاموات گویند که یک شنبه بعد از طلوع آفتاب چهار رکعت گزارد در هر
رکعت بعد فاتحه آمن الرسول تا آخر سوره یکبار بخواند [illegible] شنبه
چهار رکعت [illegible] گزارد در رکعت [illegible] در دوم تبارک
الذی [illegible] در سوم و چهارم سوره سجده یکبار بخواند شب دوشنبه چهار رکعت
گزارد در اول بعد فاتحه [illegible] ده بار در دوم بیست بار در سوم سی بار و در
چهارم چهل بار بخواند

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بعد از سلام خمس صلوات بگوید اللهم اغفر لی ولوالدی ولمن توالدا
هفتاد و پنجگانه بار بخواند. روز دوشنبه بعد از اشراق دو رکعت گزارد در هر رکعت بعد
فاتحه آیة الکرسی و خمس و قل هو الله یک بار بخواند بعد از سلام ده بار صلوات
و استغفار دو کان بار بگوید. شب دوشنبه دو رکعت گزارد در هر رکعت فاتحه و آیة
الکرسی یک بار بخواند. بعد از سلام ده بار استغفار بگوید. شب سه شنبه ده رکعت
گزارد در هر رکعت فاتحه و قل هو الله پانزده کان بار بخواند. بعد از سلام آیة الکرسی
و استغفار پانزده کان بار بخواند. روز سه شنبه بعد از اشراق تا نماز چاشت ده
دو رکعت گزارد در هر یکی فاتحه و آیة الکرسی یک بار بخواند و خمس سه بار
شب چهارشنبه شش رکعت گزارد پس در هر یکی قل اللهم مالک الملک
یک بار بخواند بعد از سلام هفتاد بار جزی الله عنا محمدا ما هو
عنا ما هو اهله و مستجاب شود. شب چهارشنبه ده رکعت
گزارد بعد عشاء در اول شفق و در هر رکعت دو کان بار بخواند. روز چهار
شنبه بعد الاشراق دو دو رکعت گزارد در هر رکعت بعد فاتحه آیة الکرسی
و سه قل سه کان بار بخواند. شب پنجشنبه صلوة الوالدین میان مغرب و خفتن
دو رکعت گزارد در هر رکعت بعد فاتحه آیة الکرسی و سه قل پنج پنج بار بخواند بعد
از سلام پانزده بار استغفار بگوید پس ده ده بار بخواند. ثواب
و لوالدی رب اغفر لی و ارحمهما کما ربیانی صغیرا. روز پنجشنبه ...

نقل من فتاوی سفینة ... روح سوم ... بعد رحمه
— قال ... من صلی ... ... الجمعة ...
فی ... ان ... صلی ... ... ذنب
... ... من ... الی
الی الاثنین مات شهیدا۔

[illegible] لا اله الا انت سبحانک انی کنت
من الظالمین [illegible] لا اله الا الله الملک الحق المبین [illegible]
[illegible] لا اله الا الله وحده لا شریک له [illegible]
[illegible]
[illegible] لا شریک له [illegible] وهو علی کل شیء قدیر
[illegible] سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ولا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم [illegible]
[illegible]
[illegible]
والحمد لله [illegible] سبحان الله وبحمده سبحان الله العظیم
وبحمده استغفر الله ربی من کل ذنب واتوب الیه [illegible] لا اله
الا الله [illegible] الحق المبین [illegible] اللهم صل علی محمد عبدک و
نبیک النبی الامی وعلی آله [illegible] استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی
القیوم [illegible] ولا حول ولا قوة الا بالله [illegible]
یا الله [illegible] یا رحمن یا رحیم [illegible] یا واحد یا احد
[illegible] یا صمد یا فرد [illegible] یا حی یا قیوم [illegible] یا حنان یا
منان [illegible] یا ذا الجلال والاکرام

[illegible]
[illegible]
[illegible]

ایضاً از شیخ الشیوخ مرویست هر روز یکی ازین هزار بار بگوید برے
برآمدن حاجات نافعست. نوع دیگر شنبه ـ لا اله الا الله محمد رسول الله. یکشنبه
یا حیُّ یا قیوم برحمتک استغیث. دوشنبه اللهم صلِّ علی محمدن
النبی الامی وعلی آله. سه شنبه لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
چهارشنبه استغفر الله من کل ذنب واتوب الیه. پنجشنبه سبحان الله و
الحمد لله تا آخر تمام. آدینه یا الله ـ

ذکرِ نمازِ احزاب

روز چهارشنبه بعد از نماز پیشین چهار رکعت بگزارد و در هر رکعتے آیة الکرسی
وقل اللهم تا بغیر حساب یکبار و چهار قل هر کدام یکبار بخواند و بعد از آن
لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین دو بار در رکعت [illegible]

اَلْحَیُّ زنده [illegible] زنده و پاینده
[illegible] خیر [illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
خیر [illegible]

[illegible] چون [illegible]
بنشیند [illegible] بگوید تا مقدار پنج [illegible] آنگاه برخیزد [illegible]
[illegible] و قعدهٔ اخیره التحیات لله [illegible] انّ محمداً عبده و رسوله
[illegible] یا حیّ یا قیّوم برحمتك استغیث
المستغیثین اغثنی ایّاك نعبد وایّاك نستعین حسبی الله [illegible] اللّهمّ
صلّ علی محمّد وعلی آل محمّد وبارك وسلّم [illegible]
کند و سلام گوید و دست بردارد.

[illegible] بخواند شهد الله انّه لا اله الّا هو والملائكة
واولو العلم قائماً بالقسط لا اله الّا هو العزيز الحكيم انّ
الدّين عند الله الاسلام اللّهمّ انّي اعوذ بك [illegible]
وبركة [illegible] وعظمة جلالك ومن كلّ [illegible]
من الانس والجنّ [illegible] بحرز من [illegible] الرحمن [illegible]
بالذي [illegible] اعوذ وانت ملاذي [illegible] وانت غياثي فبك
استغيث يا من ذلّت له رقاب الجبابرة وخضعت له اعناق
الفراعنة اعوذ بجلال وجهك وكرم جلالك من خزيك و
كشف سترك ونسيان ذكرك والانصراف عن شكرك انا في
كنفك في ليلي ونهاري ونومي وقراري وظعني واسفاري ذكرك
شعاري وثناؤك دثاري لا اله الّا انت تعظيماً لوجهك وتكريماً
لسبحات جلالك وتنزيهاً لقدسك اجرني من خزيك ومن شرّ
عذابك وقني سيّئات عبادك واضرب عليّ سرادقات حفظك و
[illegible] وادخلني في حفظ عنايتك [illegible]
حفظك [illegible] برحمتك يا ارحم الراحمين.

نسخه [illegible]

ذکر نماز استخاره

پیغامبر ﷺ تعلیم فرمود که هر یکی از شما خواهد که کاری کند از خرید و فروخت و سفر کردن دو رکعت نماز به نیت نفل گزارد بعد از سلام دادن این دعا بخواند۔ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَخِیْرُكَ بِعِلْمِكَ وَاَسْتَقْدِرُكَ بِقُدْرَتِكَ وَاَسْئَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِیْمِ فَاِنَّكَ تَقْدِرُ وَلَا اَقْدِرُ وَتَعْلَمُ وَلَا اَعْلَمُ وَاَنْتَ عَلَّامُ الْغُیُوْبِ، اَللّٰهُمَّ اِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ اَنَّ هٰذَا الْاَمْرَ ۔ این جا نام کار گیرد اگر سفر است یا کار تجارت یا خرید یا فروخت گوید هٰذَا السَّفَرَ یا هٰذَا النِّكَاحَ یا هٰذَا التِّجَارَةَ یا هٰذَا الشَّرِكَةَ یا اِنْ شِرَاءَ هٰذَا الْعَبْدِ یا شِرَاءَ هٰذِهِ الدَّارِ خَیْرٌ لِّیْ فِیْ دِیْنِیْ وَدُنْیَایَ وَمَعَادِیْ وَمَعَاشِیْ وَعَاقِبَةِ اَمْرِیْ۔

فَاقْدُرْهُ لِیْ وَیَسِّرْهُ لِیْ ثُمَّ بَارِكْ لِیْ فِیْهِ وَاِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ اَنَّ هٰذَا الْاَمْرَ ۔ باز نام آن کار گیرد ۔ شَرٌّ لِّیْ فِیْ دِیْنِیْ وَدُنْیَایَ وَمَعَادِیْ وَمَعَاشِیْ وَعَاقِبَةِ اَمْرِیْ فَاصْرِفْهُ عَنِّیْ وَاصْرِفْنِیْ عَنْهُ وَاقْدُرْ لِیَ الْخَیْرَ حَیْثُ مَا كَانَ ثُمَّ رَضِّنِیْ بِهٖ بعد از آن سه بار بگوید اَللّٰهُمَّ خِرْ لِیْ وَاخْتَرْ لِیْ امیر المؤمنین حسین رضی الله عنه گفت در نماز استخاره در رکعت اول سورة الرحمن و در دوم سورة الحشر بخواند بعد از سلام صد بار بگوید اَللّٰهُمَّ خِرْ لِیْ وَاخْتَرْ لِیْ بعد سه قل بخواند بعد از آن دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَخِیْرُكَ بِرَحْمَتِكَ

● استقرب — دور کردن —

● ایسر — آسان کردن —

● ارض — خوشنود گردانیدن —

● اختر — گزیده داشتن —

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بالتي هي أحمد عاقبةً وأكرم منقلبه، إنك تفيد بحكمته وتنفي
الجسيمة وتفعل ما تريده.

فائدهٔ استخاره

آنست مر حبه بعد آن پیدا شد از آن بر آن خیر [illegible] اشد [illegible]
السلام درمناجات گفت إلهي من أبغض خلقك عندك قال من
التهمني. گفت الهی ترا متهم که تواند کرد. گفت آنکس که استخاره کند و خیر خود
خواهد من خیر او ست آنچه او را خوش نیاید و راضی نباشد بر [illegible]
افعل ولا تفعل آن بدعت است نباید کرد متابع سنت باید کرد.

ذکر طعام خوردن

اول دست بشوید پس ابتدا آن گاه به نمک کند و فاتحه [illegible]
و گوید بسم الله خیر الاسماء بسم الله رب الارض والسماء بسم الله الذی لا
یضر مع اسمه شیء فی الارض ولا فی السماء وهو السمیع العلیم [illegible]
و هرگاه گوید بسم الله الرحمن الرحیم اللهم بارک فیه وارزقنا خیرا
منه و اگر شیر باشد [illegible] وارزقنا خیرا منه وزدنا [illegible] گوید [illegible]
[illegible] گوید الحمد لله [illegible] اللهم اجعله عونا علی طاعتک ولا تجعله
عونا علی معصیتک و چون فارغ گردد گوید اللهم [illegible] شکرک

ومن آداب [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]

وقتی [illegible] بسم الله الرحمن
الرحيم [illegible] الحمد لله [illegible]
[illegible] الحمد لله
رب العالمين والحمد لله الذي اطعمني هذا ورزقنيه من غير حول
مني ولا قوة الحمد لله الذي بنعمته تتم الصالحات وبرحمته
تنزل البركات وتضاعف الحسنات الحمد لله الذي حمدني من [illegible]
[illegible] الحمد لله الذي اطعمنا فاشبعنا وانعم علينا وافضل
اللهم اجعله شفاء ولا تجعله داء اللهم ما رزقتنا مما نحب واجعله
عونا لنا على ما تحب وما زويت عنا مما نحب فاجعله فراغا لنا فيما
تحب [illegible]
[illegible]

[illegible] ٢ [illegible]
[illegible] اعبدوا الله واتقوه ذلكم
خير لكم ان كنتم تعلمون انما تعبدون من دون الله اوثانا وتخلقون
افكا ان الذين تعبدون من دون الله لا يملكون لكم رزقا فابتغوا
عند الله الرزق واعبدوه واشكروا له اليه ترجعون

[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

در دوم وما خلقت الجن والانس الا ليعبدون ما اريد منهم
من رزق وما اريد ان يطعمون ان الله هو الرزاق ذو القوة المتين در
سوم [illegible] بگوید [illegible] اللهم ارزقنا مما تحب [illegible]
[illegible] تا آخر و اگر [illegible] خورد [illegible] بگوید افطر عندكم
الصائمون واكل طعامكم الابرار وصلت عليكم الملائكة
وتنزلت عليكم الرحمة [illegible]
کیفیت آب خوردن [illegible] ختم الحمد لله
در دوم [illegible] بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين
در سوم [illegible] بسم الله الرحمن الرحيم وختم الحمد لله رب العالمين
الرحمن الرحيم [illegible] الحمد لله الذی سقانا ماء عذبا فراتا برحمته
ولم يجعله ملحا اجاجا بذنوبنا اللهم اجعله لنا شفاء ولا تجعله
داء [illegible] عونا على طاعتك [illegible] عونا على معصيتك

آن آب در شکم تسبیح گوید

کیفیت [illegible]

[illegible] يشرب بثلثة انفاس [illegible] في ابتدائه [illegible]
بسم الله وفي انتهائه الحمد لله وفي ابتداء النفس
الثانية بسم الله الرحمن وفي انتهائه الحمد لله رب العالمين
وفي ابتداء النفس الثالثة بسم الله الرحمن الرحيم [illegible]
[illegible] يشرب [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible] في هذه [illegible]
لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد، يحيي ويميت
وهو حي لا يموت ذو الجلال والإكرام، بيده الخير وهو على كل شيء
قدير. اللهم إني أسألك خير هذه السوق وخير ما فيها، وأعوذ بك من
شر هذه السوق وشر ما فيها. اللهم إني أعوذ بك أن أصيب فيها يمينًا
فاجرة أو صفقة خاسرة.

[illegible]

[illegible]

از نصارا و حبّ [illegible] همه [illegible] آیته کرده خواند
[illegible]
[illegible]
[illegible] علی کل حال [illegible]
بسم الله ذی الشأن العظیم البرهان [illegible]
فی شأن. اعوذ بالله من الشیطان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] فانّما [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
نبیّک المبعوث فی آخر الزمان محمد المصطفی صلّی الله علیه وسلّم
باذن الله [illegible] شیء فهم لا یعقلون [illegible]
[illegible] ان ربی غفور رحیم. وما
قدروا الله حق قدره والارض جمیعا قبضته یوم القیامة والسموات
مطویات بیمینه سبحانه وتعالی عما یشرکون [illegible]

[illegible] لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير [illegible] برحمتك يا ارحم الراحمين .

ذکر جامع [illegible]

[illegible] يا ارحم الراحمين .

[illegible]

نعوذ بالله من استبداد النفس بقلیل وکثیر. اللهم انی اسئلک
العفو والعافیة والمعافاة الدائمة فی الدین والدنیا والآخرة
اللهم انی اسئلک الهدی والتقی والعفاف والغنی والتوفیق
لما تحب وترضی ... [illegible] کردن او رسیده باشد [illegible]
آمده باشد [illegible]
[illegible] علی رضی الله عنه گفت [illegible] الشیب [illegible]

ذکر عروس بخانه آوردن

چون عروس بخانه آورده [illegible] گرفته پس دست بر پیشانی او
نهد و بگوید اللهم بارک لی فیها وبارک لها فی [illegible] اللهم انی اسئلک خیرها
وخیر ما جبلتها علیه واعوذ بک من شرها ومن شر ما جبلتها علیه
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

۱-۲- اصل نسخہ میں مٹا ہوا ہے۔

[illegible]
[illegible]

الشیطان وجنب الشیطان ما رزقتنا. الحدیث فان قضیت بینهما ولداً من
رحم فی جعله بر تقیاً مسلماً سویاً ولا تجعل شریکاً للشیطان
فیه نصیباً ذریة طیبة بما رزقتنا ان کنت قدرت ان تخرج
من صلبی رجلاً ولا تقدر الا بسم الله الحی الحکیم اللهم ان ترزقنی
من هذه النطفة ولداً فسمّه محمداً و بوقت انزال در دل گوید الحمد
لله الذی جعل من الماء بشراً فجعله نسباً وصهراً - و در وقت
و میان بانگ نماز وقت ... شعبان و در شب عید ... فرزند
... نزدیک ... که فارغ شود چون فرو نیاید
... است ... گویند ... چنان که
... اگر باشد هم
... است ... بباید که ... سه چیز است
عبادت و شادی ... و چون شوی روز ... کند بیند
بهم خوب خواند نزدیک ... شوهر ... گوید ... با هم ... دیگر
... صحبت ... با کسی حکایت نکند ... خیانت ...
چه ... باشد ... خصومت نکند.

ذکر غسل جنابت

چون خواهد که غسل کند نخست ... بشوید ... باشد
... کند ... بشوید ... بشوید ... باشد
... شود ... غسل ...
... جنابت ... که ... ناخن ...
... بشوید ... آب ...

اندام ماند زیر پای و زیر زانو ماند و ناف بسر انگشت اندر نیک شوید
کند و کوشد که آب بهمه اندام برسد اگر مقعد بموئی زاید نخشکد نرم کند جنابت
بر نخیزد که پیغمبر علیه السلام فرمود تحت کل شعر جنابة پس شسته باشد
از آن جا فراتر رود بجائے پاک پائے بشوید در حال مسلم پاک گردد

ذکر نماز جنازه

چون جنازه ببیند گوید الله اکبر اشهد ان لا اله الا الذی یحیی
ویمیت وهو حی لا یموت هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله و
رسوله. اللهم زدنا ایمانا وتسلیما لا اله الا الله وحده لا شریک له
له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت ذو الجلال و
الاکرام بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر. اللهم بارک لنا فی
الموت واجعل لنا بعد الموت خیرا نیت چنین کند اؤدی صلوة
الجنازة علی هذا المیت اربع تکبیرات الصلوة لله والدعاء
للمیت والاستغفار للمؤمنین والمؤمنات اقتدیت بهذا الامام
تکبیر اول سبحانک اللهم وبحمدک وتبارک اسمک وتعالی جدک
وجل ثناؤک ولا اله غیرک رب اغفر وارحم وانت خیر
الراحمین تکبیر دوم اللهم صل علی محمد وعلی آل محمد کما صلیت
علی ابراهیم وعلی آل ابراهیم انک حمید مجید. اللهم بارک علی
محمد وعلی آل محمد کما بارکت علی ابراهیم وعلی آل ابراهیم انک
حمید مجید. اللهم ترحم علی محمد وعلی آل محمد کما ترحمت علی
ابراهیم وعلی آل ابراهیم انک حمید مجید. اللهم تحنن علی محمد
وعلی آل محمد کما تحننت علی ابراهیم وعلی آل ابراهیم انک حمید مجید.

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ .

وَقُلْ رَضِيتُ بِاللهِ رَبًّا وَبِالإسلامِ دِينًا وبمحمدٍ صلى الله عليه وسلم نَبِيًّا وبالقرآن اماماً وبالكعبة قبلةً وبالمؤمنين اخواناً وبحلال الله حلالاً وبحرام الله حراماً وبالجنة ثواباً وبالنار عقاباً وان الساعة آتية لا ريب فيها وَأَنَّ الله يبعث من في القبور . بعد ازان این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ هٰذَا عبدك وَابْنُ عَبْدِكَ خرج من روح الدنيا وسعتها ومحبوبها واحبائه فيها الى القبر وما هو لاقيه . كان يشهد ان لا اله الّا الله وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَنْتَ أَعْلَمُ به . اَللّٰهُمَّ نَزَلَ بك وانت خير منزولٍ به وانت غنيّ عن عذابه وقد جئناك راغبين اليك شفعاء له .

اَللّٰهُمَّ إِنْ كَانَ محسناً فزده في إِحسانه وإن كان مُسيئاً فتجاوز عنه ولَقِّه برحمتك رضاك وقه فتنة القبر وافسح له في قبره وجافِ الارض عن جنبيه ولَقِّه برحمتك الأمن من عذابك حتّى تبعثه الى جنتك برحمتك يا ارحم الراحمين . بايد شب نخستين گور بر آن مرده دو ركعت نماز بگزارد و در هر ركعت فاتحه و آية الكرسي و قل هو الله يكبار و الهيكم التكاثر ده بار . بعد از فراغ بگويد اللّٰهُمَّ صَلَّيْتُ هذه الصلوة وقد تعلم ما اردت بها اَللّٰهُمَّ ابعث ثوابها الى قبر فلان گويند آن مرده را پر نور كرده و از عذاب گور ايمن گرداند وگور بر وى بسيار باشد .

[illegible]

ذکر زیارت کردن یا در روز پنجشنبہ یا بعد نماز عصر یا شنبہ قبل الطلوع

[illegible] باید رفت کہ [illegible] شوند [illegible] از سوی قبلہ در آید و بگوید [illegible]
[illegible] کیف وجدتم [illegible] بحق [illegible]
[illegible] اللہم اغفر لمن قال [illegible] واحشرنا فی زمرۃ
من قال [illegible] محمد رسول اللہ ـ یا فلان بن فلان [illegible]
[illegible] علیہ السلام و علی آلہ

در بعض [illegible] بسم اللہ الرحمن الرحیم
فاتحہ و [illegible] الحمد للہ [illegible]
[illegible]

[illegible] فی قبرہ [illegible] کتب [illegible]
فی الطریق ۔

[illegible] چیزے پیش [illegible]

۳ فی شرعۃ [illegible]
[illegible] عند [illegible]

فی مصابیح [illegible] علیہ السلام [illegible]
[illegible] من الصدقۃ فی [illegible]
[illegible]

[illegible] المسائل فی [illegible]

[illegible]
[illegible]

عبد ذوی [illegible] شهد الله أنه لا إله إلا هو والملائكة وأولوا العلم قائما
بالقسط لا إله إلا هو العزيز الحكيم إن الدين عند الله الإسلام.
ومن يبتغ غير الإسلام دينا فلن يقبل منه وهو في الآخرة من
الخاسرين [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

اللّهم اغفر لی ولوالدیّ ولجمیع المؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات
واغفر ذنوبی وتجاوز عنّی سیّآتی یا ارحم الراحمین و این آیه در مقابر بخواند
زعم الذین کفروا ان لن یبعثوا قُل بلی وربّی لتبعثنّ ثمّ لتنبّؤنّ بما عملتم
وذلک علی الله   الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر
ولله الحمد از قرآن آنچه تواند بخواند خاصّه سورهٔ یٰس وتبارک الذی
بعده این دعا بخواند اللّهم تقبّل منّی قراءة هذه السورة والآیات
من کتابک الکریم وبلّغ انوارها وروحها الیه وفی ارواح اهل
هذه المقبرة

اللّهم ونزّل علیهم روحًا وراحة وبشری وکرامة والوفاء
بعبادک الصالحین الذین لا خوف علیهم ولا هم یحزنون
واگر   را دعا کند بهتر اللّهم نوّر مضجعهم ووسّع بالکرم
وآنس وحشتهم وآمن روعتهم ولقّن علیهم حجّتهم وبیّض
وجوههم ونوّر تربتهم وارحم غربتهم وتقبّل حسناتهم وکفّر
سیّآتهم اللّهم اغفر وارحم وعافهم واعف عنهم وثبّتهم
بالقول الثابت والحقهم بنبیّهم ثمّ اجعلهم من ورثة جنّة النعیم
وقهم من فتنة القبر وعذاب الجحیم وادخلهم فی زمرة الصالحین
وثقّل میزانهم بفضلک یوم الدین واجعلهم من الذین لا خوف
علیهم ولا هم یحزنون ۱

• المضجع جای خواب .   وحشتهم . وحشت تنهائی
• العافیة والمعافاة . ...
• جاء فی الخبر من زار قبر ابویه او احدهما فی کلّ جمعة کتب ... وغفر له
وعنه علیه السلام من زار قبر ابویه ...

ذکر ماه نو دیدن

چون ماه نو بیند سه بار بگوید ربّی وربّک الله پس بگوید الله اکبر الله اکبر الحمد لله [illegible] الله اکبر الله اکبر ولله الحمد الحمد لله الذی خلقنی وخلقک وقدّرنی وقدّرک وقدّره منازل وجعلک آیة للعالمین اللهم اهلّه علینا بالامن والایمان والسلامة والاسلام والتوفیق لما تحبّ وترضی والحفظ مما تسخط .

[illegible] جمعه [illegible] شب بکنند [illegible] و معاذ [illegible] بخاری بن عباده [illegible] بن عباده [illegible] چندان که سوره [illegible] یک بار [illegible] تمام سال ایمن باشد .

[illegible] گوید [illegible]

[illegible] مسلم [illegible]

[illegible] مسعود [illegible]

ذکر ماهِ محرم

رسول الله صلی الله تعالی علیه وسلم چون ماهِ محرم دیدی گفتی مرحبًا بالسنة الجدیدة والیوم الجدید والشهر الجدید والساعة الجدیدة مرحبًا بالکاتبین والشاهدین اکتبا فی صحیفتی شهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و شهد ان محمدًا عبده و رسوله و ان الجنة حق و النار حق و ان الساعة آتیة لا ریب فیها و ان الله یبعث من فی القبور.

در شبِ ماهِ محرم ۱ و هر ماهِ نو شش رکعت دوگانه گزارد بعد سلام در هر رکعتی بعد فاتحه یکبار آیة الکرسی و یازده بار اخلاص بخواند و اختتام هر دو رکعتی سه بار بگوید سبحان الملک القدوس سبوح قدوس رب الملائکة و الروح بروایت دیگر دو رکعت نماز گزارد در رکعت اول بعد فاتحه سورة انعام ۲ و در دوم سورة یٰس خواند، که ماهِ نو که بیند اوّل شب سه بار فاتحه خواند آن ماه در امان حق تعالی باشد. در هر شب نماز ترم صد بار لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی و یمیت و هو حیٌّ لا یموت ذو الجلال و الاکرام بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر و یک بار اللهم لا مانع لما اعطیت و لا معطی لما منعت و لا ینفع ذا الجد منک الجد ۳ درست کند و در دعا.

---

۱. مشائخ این نماز بنیت غنیمه گزارده اند

۲. سورهٔ انعام در شروع آن ذکر خلق سموات و ارض و در سیپارهٔ هفتم و سورهٔ یٰس در آخر سیپارهٔ بیست و دوم و آغاز بیست و سوم.

۳. منع باز داشتن، مانع باز دارنده

چهار رکعت است در هر رکعتی آیة الکرسی یکبار و قل هو الله پانزده بار بخواند بعد از سلام اخلاص ده بار بخواند این شب را بطاعت زنده دارد.

روز عاشورا روزه دارد و ثواب صوم دهر یابد چون آفتاب بلند بر آید دو رکعتین گزارد در اول بعد الفاتحة آیة الکرسی و در دوم لو انزلنا هذا القرآن على جبل لرأيته خاشعاً متصدعاً من خشية الله وتلك الامثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون [illegible] والله [illegible] هو عالم الغيب والشهادة [illegible] لا حاجة.

روز عاشورا روزه دارد و ثواب صوم دهر یابد چون آفتاب بلند بر آید دو رکعتین گزارد در اول بعد الفاتحة آیة الکرسی

[illegible]

[illegible]

وحاسد شرق بی بغصته وسلطان جائر ، تجبر فی صوبک من مقدرة بؤس ومجاورة ثقیل موتی وعداوة عدو

وحیات وفقر مجاب وکذب خوائب وسوء عاقبت وصروف زمن وصنوف محن

وکذلک کانت من ستدک ... من ... من ستغاثک ومجیر من ... من کل شیئ ... فی الدنیا وغنی فی ... عمی ... طاعة العدی وبلغنی غایة منی ... بسلطنک ... خیر ... من غیرک فقد ... من ... الشیطان من ... فی ... عن عبادة ... وجعل عبادتی ... وخشیتی ... وشقی باب یا آله العالمین

ایضا هر که روز عاشورا این دعا بخواند در آن سال نمیرد و اگر حکم شده است توفیق خواندن نیابد سبحان الله ملء المیزان ومنتهی العلم ومبلغ الرضی وزنة العرش ... ومنتهی من ... سبحان الله عدد الشفع والوتر وعدد کلماته التامات ... ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وهو حسبی ونعم الوکیل ونعم المولی ونعم النصیر وصلی الله علی خیر خلقه محمد وآله اجمعین

ایضا در روز عاشورا ... هزار بار بگوید حسبی الله ونعم الوکیل ...

- ... : آرزو کردن
- ... : جدا شدن
- ... : ... و ... کردن

ایضاً که در روز یکبار بگوید لا اله الا الله و نحمده [illegible]
سموات و ارض و ما بینهما و ما تحت الثری خداوند تعالی در روز حشر رحمت
کند و ایضاً اللهم ارزقنی [illegible] الحسنی و سعادة [illegible] آخرة
والاولی

نماز خوشنودی

روز عاشورا و ترویه و عرفه و ضحی و شب براة چهار رکعت نماز بنیت خوشنودی
خصمان بگزارد و در رکعت اول بعد فاتحه اخلاص یازده بار و در دوم الکافرون
سه بار و اخلاص یازده بار و در سوم الهیکم التکاثر یکبار و اخلاص یازده بار و
در چهارم آیة الکرسی سه بار و اخلاص بست و پنج بار روز قیامت [illegible]
وحق تعالی خصمان او را خوشنود گرداند و بعد از سلام این دعا بخواند اللهم اکسر
شهوتی عن کل محرم و ازوحرصی عن کل مأثم و امنعنی عن اذی
کل مسلم و مسلمة برحمتک [illegible] روز عاشورا غسل کند و بعد از آن جامه که پوشیده
باشد [illegible] حسبی الله
[illegible]
نذر [illegible] و تحقیق [illegible] باشد مجربست

در یازدهم محرم رکعتین گزارد در هر یک بعد الفاتحه الکافرون یکبار و
اخلاص سه بار بخواند بعد از سلام دست بر آرد سوی آسمان و بگوید لا اله الا
الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا
یموت ذو الجلال و الاکرام بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر ۔

---

۱ محرم [illegible]
۲ [illegible]
قبل [illegible]

ذکر ماهِ صفر

شب اول بعد ادائے فرض و سنت عشاء پیش از وتر چهار رکعت نماز گزارد بیک سلام. بخواند در رکعت اول بعد از فاتحه الکافرون یازده بار، در دوم اخلاص یازده بار، در سوم الفلق یازده بار، و در چهارم الناس یازده بار. بعد فراغ هفتاد بار بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم هفتاد بار بگوید ایاک نعبد و ایاک نستعین و هفتاد بار صلوات گوید از جمیع فتنها ایمن باشد ..

دعای ماهِ صفر

اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعوذُ بِكَ مِن شَرِّ هٰذَا الشَّهرِ وَمِن كُلِّ شِدَّةٍ وَبَلِيَّةٍ الَّتی قَدَّرتَ فیهِ یا دَاهِرُ یا دَیهُورُ یا دَیهَارُ یا [illegible] یا [illegible] یا کانُ یا کَینُونُ یا کَینَانُ یا مُبدِئُ یا مُعیدُ یا ذَا العَرشِ المَجیدِ اَنتَ تَفعَلُ ما تُریدُ. اَللّٰهُمَّ احرُس بِعَینِكَ نَفسی وَاَهلی وَمالی وَدینی وَدُنیایَ الَّتی ابتَلَیتَنی بِصُحبَتِها بِحُرمَةِ الاَبرارِ وَالاَخیارِ بِرَحمَتِكَ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ. اَللّٰهُمَّ یا شَدیدَ القُوی یا شَدیدَ المِحالِ یا عَزیزُ ذَلَّت بِعِزَّتِكَ جَمیعُ خَلقِكَ اِكفِنی عَن جَمیعِ خَلقِكَ یا مُحسِنُ یا مُجمِلُ یا مُفضِلُ یا مُنعِمُ یا مُکرِمُ یا لا اِلٰهَ اِلّا اَنتَ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ.

[illegible] در ماه صفر بلاها بیشتر نازل شوند [illegible] صفر [illegible] مبارک [illegible]
[illegible] بگردند [illegible] بخانه بنویسد [illegible] برکت در آن خانه
[illegible] دور شود.

لطول العمر

در آخرین صفر هشت رکعت بدو سلام بگزارد. بخواند در هر رکعت بعد فاتحه اخلاص پانزده بار بعد از آن سلام گوید این دعا بخواند الحمد لله حمداً شکراً ولک المن فضلاً وانا عبدک رقاً وانت ملاذ هین مستودع نفسی ودینی ودنیای وآخرتی وخیر تیم عمری وعلی مستودع عرضی وعزتی فی خلقك من فضلك و ستودعک جمیع ما خول عمیده لسلام بشرة حولك وبطشك وقدرتك فانی مستودعک مصان وحكمك نافذ وقضائك غالب یا احکم الحاکمین ویا سریع الحاسبین. یا اکرم مأمول واجود مسئول یا حی یا قیوم یا باقی یا قریب یا فرد یا وتر یا احد یا صمد یا من لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفواً احد. یا عزیز یا وهاب وصلی الله علی خاتم النبیین محمد و آله اجمعین.

در آخر چهارشنبه ماه صفر

بعد از طلوع صبح غسل کند چون از نماز اشراق فارغ شود بوقت چاشت رکعتین بگزارد. در رکعت اول بعد فاتحه قل اللهم مالک الملک تؤتی الملک من تشاء وتنزع الملک ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء بیدک الخیر انک علی کل شیء قدیر. تولج اللیل فی النهار وتولج النهار فی اللیل وتخرج الحی من المیت وتخرج المیت من الحی وترزق من تشاء بغیر حساب.

ی ملاذ مقبول عمر ..

و در رکعت دوم قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا فله الاسماء
الحسنی و لا تجهر بصلاتک و لا تخافت بها و ابتغ بین ذلک سبیلاً.
و قل الحمد لله الذی لم یتخذ ولداً و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن
له ولی من الذل و کبره تکبیراً. بعد از سلام درود بگوید و این دعا بخواند اللهم
صرفت عنی شهر ... بود و خلصنی من شؤمه و جنبنی عن ما خاف
فیه من نحوساته و کرباته. بفضلک یا دافع شرور و یا مانع ... بود
الشهور برحمتک یا ارحم الراحمین و صلی الله علی محمد النبی الامی و علی
آله و اصحابه و سلم.

ذکر ماه رجب

شب اول ماه رجب بعد از نماز شام بیست رکعت نماز بگزارد، در هر رکعت
بعد فاتحه الحمد قل هو الله یکبار بخواند. ... بعد از نماز بگزارد ... در اول بعد فاتحه
الم نشرح یکبار و قل هو الله سه بار و در دوم بعد فاتحه الم نشرح یکبار و سه قل هو الله یکبار
بار بعد سلام لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد
یحیی و یمیت و هو حی لا یموت ذو الجلال و الاکرام بیده الخیر و هو علی
کل شیء قدیر ... بخواند ... بر محمد صلوات گوید بعده حاجت خواهد.

---

۱ [illegible] ... مغفور گردد.

عن النبی علیه السلام ... من صلی ... رجب ... صلوة ...
... [illegible]

... [illegible] ... حفظ الله فی نفسه
... [illegible] ... بغیر حساب

ایضاً شب اول سورهٔ طٰه و الم تنزیل و سجده و یٰس بخواند فضل
بسیار است . ایضاً روز اول از ماه رجب روزه دارد و بعد از نماز دیگر روز
سورهٔ یٰس خواند ثواب بسیار است . چون آفتاب برآید بگوید اشهد ان
لا اله الا الله حقا حقا . لا اله الا الله ایماناً و صدقاً . اشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شریک له و اشهد ان محمداً رسول الله .

ایضاً درین ماه هزار بار بگوید استغفر الله ذو الجلال و الاکرام من جمیع
الذنوب و الآثام . و هر روز صد بار بگوید سبحان الله الجلیل سبحان
من لا ینبغی التسبیح الا له سبحان الاعز الاکرم سبحان من لبس
العز و هو له اهل .

لیلة الرغائب

اول پنجشنبه ماه رجب روزه دارد و چون شب آدینه آید بعد از نماز شام
دوازده رکعت بشش سلام نماز گزارد و در هر رکعتی بعد الحمد انا انزلناه
سه بار و اخلاص دوازده بار بخواند .

قال النبی صلی الله علیه و سلم من صام ثلاثة ایام من شهر رجب فی اوله
و وسطه و آخره خرج من ذنوبه کیوم ولدته امه . و بگوید
استغفر الله من ذنوبی کلها سرها و جهرها و صغیرها و کبیرها ظاهرها و
باطنها قدیمها و جدیدها اولها و آخرها و اتوب الیه . اللهم اغفر لی
برحمتک یا ارحم الراحمین . دیگر بعد مغرب سه بار بگوید استغفر الله الذی لا اله
الا هو الحی القیوم و اتوب الیه توبة عبد ظالم لا یملک لنفسه ضرا و لا نفعا
و لا موتا و لا حیوة و لا نشورا . همه شب سپید گردد .

و عدد ... قیل ... فی ... من ...
...

بعد از فراغ هفتاد بار بگوید اللهم صل علی محمد النبی الامی و علی
آله پس سجده کند هفتاد بار در سجده گوید سبوح قدوس رب الملائکة و الروح
پس بنشیند هفتاد بار بگوید رب اغفر و ارحم و تجاوز عما تعلم انک انت
العلی العظیم بار دوم سجده کند هفتاد بار بگوید سبوح قدوس رب الملائکة
و الروح پس بنشیند و دعا خواند و حاجت خواهد تا وقت نماز خفتن و دیگر بعد
چون افطار خواهد کرد رکعتین گزارد بخواند در هر رکعتی آیة الکرسی و معوذتین
یک بار ثواب بسیار است .

ایضا در ماه رجب سی رکعت گزارد . ده رکعت در روز اول و ده رکعت
در پانزدهم و ده رکعت در آخر . در هر رکعتی بعد الفاتحه الکافرون یکبار و اخلاص
سه بار و بعد الفراغ روز اول لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک
و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت ذو الجلال و الاکرام بیده الخیر
و هو علی کل شیء قدیر . ایضا اللهم لا مانع لما اعطیت و لا معطی
لما منعت و لا راد لما قضیت و لا ینفع ذا الجد منک الجد . روز پانزدهم
بعد الفراغ بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی
و یمیت و هو حی لا یموت ذو الجلال و الاکرام بیده الخیر و هو علی کل
شیء قدیر الها واحدا احدا صمدا لم یتخذ صاحبة و لا ولدا .
در روز آخر بعد الفراغ بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک له و هو علی کل شیء قدیر
و صلی الله علی محمد النبی و آله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم :

عن سلمان رضی الله عنه عن النبی صلی الله علیه و سلم ما من مؤمن و لا مؤمنة یصلی
هذه الصلوة الا غفر الله ذنوبه و اعطی من الاجر من صام ذلك الشهر و کان من المصلین
الی السنة المستقبلة و رفع له کل یوم عمل شهید من شهداء بدر و کتب له بکل یوم
عبادة سنة و رفع له الف درجة فان صام الشهر کله و یصلی هذه الصلوة نجاه الله من
النار و کان فی جوار الله خبرنی بذلك جبرئیل علیه السلام ...

نماز خواجه اویس قرنی علیه الرحمة والغفران

سوم ماه رجب یا چهارم یا پنجم بوقت چاشت فراخ غسل کند و با کسی سخن نگوید بعد غسل تا از نماز فارغ شود و شب برین نیت خسپد روزه دارد بگزارد اول چهار رکعت در هر رکعتی بعد الفاتحه آنچه تواند بخواند بعد السلام صد بار بگوید لا اله الا الله الملک الحق المبین بعد از آن چهار رکعت دیگر در هر رکعتی بعد الفاتحه اذا جاء نصر الله و الفتح سه بار بعد السلام صد بار بگوید ذلک تقوی معین و هدی دین ایاک نعبد و ایاک نستعین بار دیگر بگزارد بخواند در هر رکعتی بعد الفاتحه اخلاص سه بار بعد از سلام الم نشرح ده بار بخواند هر بار دست بر سینه فرود آرد آن که وجهت نجوید.

ذکر استفتاح و دوام آن

سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه رجب روزه دارد روز پانزدهم بعد اشراق چهار رکعت نماز دوگانه گزارد در هر رکعتی بعد الفاتحه سه قل بخواند و در پانزدهم ماه رمضان همین نماز گزارد و همه روز بعد الزوال غسل کند و هشت رکعت گزارد هرچه خواهد بخواند پس هیچ در رکعت اول والضحی و در دوم الم نشرح و در سوم انا انزلناه و در چهارم اذا زلزلت و در پنجم والعادیات و در ششم الهاکم التکاثر و در هفتم والعصر و در هشتم ویل لکل همزة یک بار بخواند بعد از نماز پیشین هشت رکعت دیگر گزارد در اول الم تر کیف و در دوم لایلاف و در سوم قل یا ایها الکافرون و در چهارم اذا جاء نصر الله و در پنجم تبت یدا ابی لهب و در ششم اخلاص و در هفتم و هشتم معوذتین

چون بارگذارند بعد از آن نماز دیگر در اول وقت گزارد و به جماعت نماز بگذارند فاتحه [illegible] بعد از آن آیة الکرسی [illegible] و سورة الانعام و الکهف [illegible] و یس و الصافات [illegible] و الدخان [illegible] الواقعة و الملک و اذا السماء انشقت تا آخر قرآن بخواند

بعد الفراغ این دعا بخواند بسم الله الرحمن الرحیم [illegible]

[illegible]

[illegible]

وقوي على امرك والمطاع في سمواتك ومحل كراماتك المتحمل لكلماتك الناصر لانبيائك المدمر على اعدائك . اللهم وصل على ميكائيل ملك رحمتك والمخلوق لرأفتك والمستغفر لاهل خطيئتك والمعين لاهل طاعتك . اللهم صل على اسرافيل حامل عرشك وصاحب الصور المنتظر لامرك الوجل المشفق من خيفتك . اللهم صل على عزرائيل قابض الارواح [illegible] بامرك .

اللهم صل على حملة عرشك الطاهرين وعلى ملائكتك المقربين و الكاتبين وعلى السفرة الكرام البررة الطيبين وعلى ملائكة الجنان وخزنة وخزنة النيران وملك الموت وعلى ملائكة [illegible] خزائن [illegible] .

اللهم صل على ابينا آدم بديع فطرتك الذي كرمته بسجود ملائكتك وابحته جنتك . اللهم صل على امنا حواء المطهرة من الرجس وشيث وادريس ونوح وهود وصالح وابراهيم واسماعيل واسحاق ويعقوب ويوسف والاسباط وايوب وموسى وهارون ويوشع والخضر وذي القرنين ويونس والياس واليسع وذي الكفل ولوط وداود وسليمان وزكريا ويحيى وشعيب .

وشعيا وارميا ودانيال وعزير وعيسى وشمعون وجرجيس و الحواريين والاتباع . اللهم صل على محمد وعلى آل محمد و بارك على محمد وعلى آل محمد وارحم محمدا وآل محمد كما صليت وباركت وترحمت على ابراهيم وآل ابراهيم انك حميد مجيد . اللهم صل على محمد [illegible] من بعده [illegible] .

اللهم صل على [illegible]

يا مُسَبِّبُ يا مُسَدِّدُ يا مُعطي يا مانِعُ يا دافِعُ يا رافِعُ يا رازِقُ
يا خالِقُ يا وَهّابُ يا تَوّابُ يا فَتّاحُ يا نَفّاحُ يا مُرتاحُ يا مَن بِيَدِهِ
كُلُّ مِفتاحٍ يا رَؤوفُ يا عَطوفُ يا كافي يا شافي يا مُعافي يا [illegible]
يا مُبينُ يا عَزيزُ يا غَفّارُ يا قَهّارُ يا جَبّارُ يا مُتَكَبِّرُ يا سَلامُ
يا مُؤمِنُ يا مُهَيمِنُ
يا أَحَدُ يا صَمَدُ يا قَيّومُ يا فَردُ يا وِترُ يا قُدّوسُ يا [illegible]

مُتَّقي ـ [illegible] دوست [illegible]

مَوَدَّت ـ دوستی [illegible] ـ [illegible] کَبیر ـ [illegible]

قَدیر ـ توانا [illegible] شَکور ـ [illegible] نَصیر ـ [illegible]

اِستِکبار [illegible] تَحمید ـ [illegible]

مُقیت ـ [illegible] [illegible]

[illegible] ـ [illegible] [illegible] ـ [illegible]

وَدود ـ دوست [illegible] حَنیف ـ [illegible]

مُبدِئ ـ آفریننده نخست [illegible] ثابِت ـ [illegible]

مُحسِن ـ نیکوئی کننده ـ مُحصي ـ شمار کننده

مُنتَقِم ـ [illegible] کننده ـ قابِض ـ تنگ کننده [illegible]

باسِط ـ فراخ کننده [illegible] هادي ـ [illegible]

مُرسِل ـ فرستنده [illegible]

مُرشِد ـ [illegible]

المُسَبِّب ـ سبب [illegible]

مُسَدِّد ـ توفیق [illegible] دست [illegible] [illegible]

رازِق ـ [illegible] نَفّاح

وارحم ذلي وخضوعي وخشوعي وفقري بين يديك وفاقتي
عليك وتضرعي إليك دعوة دعاء خاضع ذليل خاشع خائف مشفق
بائس فقير مسكين احتقر بذنوبه مقترف بذنب مستغيث
دعاء من اسلمته ثقته ورفضته احبته

وعظمت بالذنب فجيعته دعاء حزين متلهف ضعيف اسير بذنبه مستكين
اللهم واسألك بانك مليك مقتدر وانك ما تشاء من امر يكون وانك على
كل شيء قدير واسألك بحرمة هذا الشهر الحرام والبيت الحرام والبلد
والمشعر الحرام والمشاعر العظام والركن والمقام وقبر نبيك محمد عليه السلام
يا من وهب لآدم شيث ولابراهيم اسماعيل واسحاق ويا من رد يوسف على
يعقوب ويا من كشف بعد البلاء ضر ايوب يا راد موسى على أمه وزائد
الخضر في علمه ويا من وهب لداود سليمان ولزكريا يحيى ولمريم عيسى يا
حافظ بنت شعيب يا كافل ولد ام موسى اسألك ان تصلي على محمد وعلى
آل محمد وان تغفر لي ذنوبي كلها وتجيرني من عذابك وتوجب لي رضوانك
وامانك وغفرانك وجنانك واحسانك واسألك ان تفك عني كل حلقة
بيني وبين من يؤذيني

وتفتح لي كل باب من خير وتلين لي كل صعب وتسهل لي كل عسير
وتخرس عني كل ناطق بشر وتكف عني كل باغ وتمنع عني كل
ظالم وحاسد وتكفيني شر كل عائق يحول ان تفرق بيني وبين طاعتك
ويثبطني عن عبادتك يا من الجم الجن المتمردين وقهر عتاة الشياطين واذل
رقاب المتجبرين ورد كيد المتسلطين عن المستضعفين اسألك بقدرتك
على ما تشاء وتسهيلك لما تشاء ان تجعل قضاء حاجتي فيما تشاء ثم
اسجد على الارض

بعد [illegible]

[illegible] الله [illegible] ولا قوة [illegible] بعد [illegible]

الله و توبه [illegible] بعد [illegible] سجده [illegible]

آن ساعت [illegible] باید بود .

ذکر ماه شعبان

شب اول [illegible] رکعت گزارد و در هر رکعت بعد فاتحه پانزده بار سوره اخلاص بخواند [illegible] و در وقت سحر دو رکعت گزارد و در هر رکعت بعد فاتحه [illegible] بار اخلاص بخواند و در رکوع و سجده بگوید سبوح قدوس ربنا ورب الملائکة والروح [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

شب برات

[illegible] رکعت گزارد و در هر رکعت بعد فاتحه آیة الکرسی [illegible] اخلاص پانزده بار بخواند [illegible] و در هر رکعت بعد فاتحه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

دعاء شب براءة

اللهم یا ذا المن ولا یمن علیک یا ذا الجلال والاکرام یا ذا الطول والانعام
لا اله الا انت یا ظهر اللاجین ویا جار المستجیرین ویا صریخ المستصرخین
ویا امان الخائفین ویا دلیل المتحیرین ویا غیاث المستغیثین ویا ارحم
الراحمین ، اللهم ان کنت کتبتنی فی ام الکتاب عندک شقیا فقیرا
فامح عنی اسم الشقاء واثبتنی عندک سعیدا غنیا وان کنت کتبتنی
فی ام الکتاب عندک محروما مقترا علی رزقی فامح عنی حرمانی و
رزقی واثبتنی عندک سعیدا غنیا موفقا للخیر موسعا علی رزقی
فانک قلت فی ام الکتاب "یمحو الله ما یشاء ویثبت وعنده ام الکتاب"
سه بار سورهٔ یٰس بخواند ، اول برائے طول عمر ، دوم غنا ، سوم ایمان زیاده ۔

ذکر ماهِ مبارک رمضان

چون ماه رمضان بیند بگوید اللهم هذا شهر رمضان قد دخله علینا
بالامن والصحة من السقم وفراغ من الشغل وعونا علی الصیام والقیام
وتلاوة القرآن حتی ینقضی عنا وقد غفرت لنا ورضیت عنا ۔
اللهم هذا شهر رمضان قد حضر فسلمه لنا وسلمنا له وتسلمه منا فی
یسر منک وعافیة ، اللهم ارزقنا صیامه وقیامه بعون منک ایمانا
واحتسابا ، اللهم ادفع عنا الکسل والفشل والسآمة وارزقنا فیه الخیر
والجد والقوة والنشاط والمحبة والرضی ۔ در شب اول ماه رمضان سوره
انا فتحنا در نماز نفل یا در فرض نماز خفتن بخواند تا سال دیگر ایمن ماند ۔
ایضا درین ماه بهشتی که قرآن خوانده شود یک ختم بود ۔ اگر روزه
بعد از تراویح کشاید بهتر است و وقت افطار گوید اللهم لک صمت وبک

[illegible]

[illegible] سبحانک اللهم وبحمدک [illegible] سمیع علیم [illegible]

[illegible] مغفرة [illegible]

ذکر تراویح

هر شب بعد از [illegible] و سنت عشا بیست رکعت نماز تراویح [illegible]

[illegible] قرآن بخواند و اگر نتواند [illegible] در هر رکعتی یک سوره [illegible]

تا آخر قرآن [illegible] یک سیپاره [illegible]

[illegible] رکعت تمام کند سه بار یا پنج بار بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک له

له الملک وله الحمد یحیی ویمیت [illegible] بیده الخیر

وهو علی کل شیء قدیر

و سنت [illegible] بگوید [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] سه بار یا پنج بار بگوید سبحان [illegible]

[illegible]

[illegible] چهار [illegible] سه بار یا پنج بار بگوید سبحان [illegible]

سبحان العزیز [illegible] سبحان الواحد [illegible] سبحان الکریم [illegible]

سبحان الکبیر المتعال سبحان [illegible]

[illegible] سه بار یا پنج بار بگوید سبحان ذی الملک [illegible]

[illegible]

سبحان الله ذی العزة والعظمة والکبریاء والجبروت سبحان الحی الذی لا یموت سبحان
الذی یمیت الخلائق وهو حی لا یموت ابداً . چون بسلام گفته تمام شود سه بار
باز پنج بار بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم واسأله التوبة پس یکبار
استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم غفار الذنوب ستار العیوب علام
الغیوب واتوب الیه توبة عبد ظالم لا یملک لنفسه ضراً ولا نفعاً ولا موتاً
ولا حیاتاً ولا نشوراً سه بار استغفر الله من کل ذنب اذنبته عمداً او خطاءً
سراً او علانیةً واتوب الیه من الذنب الذی اعلم ومن الذنب الذی لا اعلم
انت علام الغیوب ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم .

سه بار بگوید استغفر الله من تبعة ذکر لله قوة وعزة وطاقة . بعد
الفراغ دست بر آرد و این دعا بخواند اللهم صل علی محمد وعلی آل محمد اللهم
ان هذا شهر [illegible] وحرمته و بحق محمد و آله [illegible]
من بعد [illegible] وقت فنائه من [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] من کرامتک و [illegible]
[illegible] وجعلنا فی [illegible]
جنتک و [illegible] برحمتک .

[illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]

[illegible] .

[illegible] .

[illegible] .

لديه تحدّرنا من آبائنا وأمهاتنا وهي دينا حنيفا من سلف منهم ومن غبر ويوم القيامة . اللهمّ صلّ على محمد وآل محمد نبيّنا كما صلّيت على ملائكتك المقرّبين وأنبيائك المرسلين وعبادك الصالحين وأفضل من ذلك يا رب العالمين [illegible] [illegible] من فضلك انك على كل شيء قدير . [illegible] اللهمّ اذهب عنا فيه النعاس والكسل والفترة والسآمة [illegible] [illegible] بنا [illegible]

ذكر

[illegible] اللهمّ [illegible] اللهمّ [illegible] اللهمّ [illegible] اللهمّ [illegible]

[illegible]

وتمحو عنی ذنوبی وتقبّل صومی وصلاتی [illegible]
[illegible]

دعاء وداع ماه رمضان

در آخر روز بخواند یا من لا یرغب فی الجزاء ویا من لا یندم علی العطاء ویا من لا یکافئ عبده علی السواء منّتک ابتداء وعفوک تفضّل وعقوبتک عدل وقضاؤک خیرة ان اعطیت لم تشب عطاءک بمنّ وان منعت لم یکن منعک تعدّیاً

تشکر من شکرک وانت الهمته شکرک وتکافئ من حمدک وانت علّمته حمدک تستر علی من لو شئت فضحته وتجود علی من لو شئت منعته وکلاهما اهل منک للفضیحة والمنع غیر انّک بنیت افعالک علی التفضّل واجریت قدرتک علی التجاوز وتلقّیت من عصاک بالحلم وامهلت من قصد لنفسه بالظلم تستنظرهم باناتک الی الانابة وتترک معاجلتهم الی التوبة لکیلا یهلک علیک هالکهم ولا یشقی بنعمتک شقیّهم الّا عن طول الاعذار الیه وبعد ترادف الحجّة علیه کرماً من عفوک یا کریم

[illegible]

والوصول الى كرامتك . اللهمّ وانت جعلت من تلك الوظائف وخصائص
تلك الفروض شهر رمضان الذي اختصصته من سائر الشهور وتخيرته
من جميع الازمنة والدهور وآثرته على كل اوقات السنة بما انزلت فيه
من القرآن وفرضت فيه من الصيام وجعلت من ليلة القدر التي هي
خير من الف شهر

ثمّ آثرتنا به على سائر الامم واصطفيتنا بفضله دون اهل الملل فصمنا
نهاره وقمنا ليله متعرضين بصيامه وقيامه لما عرضتنا له من رحمتك
وتسببنا اليه من مثوبات وانت المليء بما رغب فيه اليك الجواد
بما سئلت من فضلك القريب الى من حاول قربك وقد اقام فينا
هذا الشهر مقام حمد وصحبنا صحبة مبرور واربحنا افضل ارباح العالمين
ثم قد فارقنا عند تمام وقته وانقطاع مدته ووفاء عدده فنحن مودعوه
وداع من عز فراقه علينا وغمنا واوحشنا انصرافه عنا ولزمنا له الذمام
المحفوظ والحرمة المرعية والحق المقضي فنحن قائلون السلام عليك يا
شهر رمضان . السلام عليك يا شهر الله الاكبر ويا عيد اوليائه السلام
السلام عليك يا اكرم مصحوب من الاوقات ويا خير شهر في الايام
والساعات .

متعرّض . پيش آمدن .

تقريب . خويش را نزديك [illegible] قرب .

صحبة ، مصاحبة . صحبت كردن .

ارباح . سودمند گردانيدن .

مفارقة و تفرّق . از يكديگر جدا شدن .

رعاية . نگاه داشتن .

نصيب . بخش دادن .

سلام عليك ما كان أحرصنا بالأمس عليك وأشدّ شوقنا غداً إليك السلام
عليك غير مودّع برماً ولا متروك صيامه سأماً اللهمّ إنّا أهل هذا الشهر الذي
شرّفتنا به ووفّقتنا بمنّك له حين جهل الأشقياء وقته وحرموا لشقائهم
فضله أنت وليّ ما آثرتنا به من معرفته وهديتنا له من سنّته وقد
تولّينا بتوفيقك صيامه وقيامه على تقصير وأدّينا فيه قليلاً من كثير
اللهمّ فلك الحمد إقراراً بالإساءة واعترافاً بالإضاعة ولك من قلوبنا عقد
الندم ومن ألسنتنا صدق الاعتذار فأجرنا على ما أصابنا فيه من التفريط
أجراً نستدرك به الفضل المرغوب فيه ونعتاض به من أنواع الذخر
المحروص عليه وأوجب لنا عذرك على ما قصّرنا فيه من حقّك وابلغ بأعمارنا
ما بين أيدينا من شهر رمضان المقبل فإذا بلّغتناه فأعنّا على تناول ما
أنت أهله من العبادة وأدّنا إلى القيام بما يستحقّه من الطاعة وأجر لنا من صالح
العمل ما يكون دركاً لحقّك في الشهرين من شهور الدهر اللهمّ
وما ألممنا به في شهرنا هذا من لمم أو إثم أو واقعنا فيه من ذنب واكتسبنا فيه من
خطيئة على تعمّد منّا أو على نسيان ظلمنا به أنفسنا أو انتهكنا به
حرمة من غيرنا فاسترنا بسترك واعف عنّا بعفوك ولا تنصبنا فيه

[illegible]

تشريف: بزرگوار شدن. [illegible]

اشقيا: [illegible] بدبخت.

شقو: [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

یا رب العالمین صلوة بلغنا برکتها و بنادی منها نعبد و یعمنا بسبی و یستجاب بها دعاؤنا انک کریم عن رغب الیک اعطی سائل من فضلک و انت علی کل شیء قدیر .

شب عید فطر

در شب عید فطر چهار رکعت نماز گزارد بدو سلام در هر رکعت بعد فاتحه قل هو الله احد ده بار بخواند الحمد از فراغ نماز ده بار بگوید سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم .

لطول العمر

در شب عید فطر عقیب گزاردن فرض العشاء دو رکعت بخواند در هر رکعت بعد فاتحه الذین قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لکم فاخشوهم فزادهم ایمانا و قالوا حسبنا الله و نعم الوکیل . فانقلبوا بنعمة من الله و فضل لم یمسسهم سوء و اتبعوا رضوان الله و الله ذو فضل عظیم

در دوم رمضان ان [illegible] و قت [illegible] مدینه سیاه و [illegible]

[illegible] صاحب [illegible] کمه می و [illegible]

[illegible] . .

[illegible] اجتماع [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

و فی [illegible] کتاب [illegible] و فی [illegible]

فی کتاب سعادة نیت [illegible] کند . [illegible]

— [illegible] بین صلوة المغرب و صلوة العشاء .

[illegible] بعد السلام [illegible] ہزار بار گوید حسبی [illegible]
[illegible] سبحان [illegible]
[illegible] رکعت گزارد بیک سلام در رکعت اول [illegible] سبح اسم
ربک [illegible] والشمس [illegible] والضحیٰ [illegible] .

ذکر ذی الحجہ

روز اول ذی الحجہ بعد نماز [illegible] ہزار بار گوید [illegible]
[illegible]
[illegible] ہر شئ قدیر [illegible]
[illegible]
[illegible] صد بار گوید [illegible]
[illegible]
[illegible]
علی کل شئ قدیر .

[illegible] بار گوید [illegible]
[illegible] .

شب عرفہ

[illegible] رکعت نماز گزارد [illegible] در ہر رکعت بعد فاتحہ [illegible]
[illegible] در رکعت اول بعد [illegible]
[illegible] شب [illegible] .

تسبیح شب عرفہ

سبحان الذی فی السماء عرشہ سبحان الذی فی الارض [illegible]

سبحان الذی فی البحر سبیله سبحان الذی فی النار سلطانه سبحان
الذی فی الجنة رحمته سبحان الذی فی الهواء روحه سبحان الذی فی القبر
قضاؤه سبحان الذی رفع السماء سبحان الذی وضع الارض سبحان
الذی لا ملجأ ولا منجا منه الا الیه .

روز عرفه

دو رکعت نماز گزارد در هر رکعت فاتحه با تسمیه و آیة الکرسی سه بار و قل
یا ایها الکافرون با تسمیه سه بار و اخلاص با تسمیه سه بار تا آنچه جوید بیابد .
ایضاً روز عرفه صد بار اخلاص بخواند آنچه طلبد بیابد —— .
ایضاً میان [illegible] و دیگر چهار رکعت گزارد در هر رکعتی بعد الفاتحه اخلاص
پنجاه بار بخواند . ایضاً هر که در روز عرفه این تسبیح بگوید آتش
دوزخ بر وی حرام گردد سبحان الله عدد اللیالی والدهور سبحان الله
عدد امواج البحور سبحان الله [illegible] فی البراری والصخور
[illegible] سبحان الله عدد [illegible]
[illegible] سبحان الله عدد شوک الشجر [illegible]
[illegible] سبحان الله عدد لمح العیون [illegible] خیر مما یجمعون [illegible]
[illegible] فی اللیل اذا عسعس والصبح اذا تنفس [illegible]
خیر خلقه محمد [illegible]
به مشیته .

روز عرفه دو رکعت نماز گزارد در رکعت اول [illegible] سوره
[illegible] بخواند [illegible] روز عرفه بعد
[illegible] .

دعاء عرفات

بسم الله الرحمن الرحیم

لا إله إلا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت وهو حي لا يموت ذو الجلال والإكرام بيده الخير وهو على كل شيء قدير .

اللهم اجعل في قلبي نورا وفي سمعي نورا وفي بصري نورا . اللهم اشرح لي صدري ويسر لي أمري . اللهم رب لك الحمد كالذي نقول وخيرا مما نقول لك صلاتي ونسكي ومحياي ومماتي وإليك مآبي ولك رب تراثي . اللهم إني أعوذ بك من وساوس الصدر وشتات الأمر وعذاب القبر . اللهم إني أعوذ بك من شر ما يلج في الأرض وما يخرج منها وما ينزل من السماء وما يعرج فيها ومن شر ما يلج في الليل ومن شر ما يلج في النهار ومن شر ما تهب به الرياح ومن شر بوائق الدهر . اللهم إني أعوذ بك من زوال نعمتك وتحول عافيتك وفجأة نقمتك وجميع سخطاتك . اللهم اهدني بالهدى واغفر لي

روز عرفه بعد از نماز پیشین [illegible] باشد [illegible] بر سمت قبله [illegible] دو رکعت [illegible] نماز [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] سنت [illegible] .

اگر صحرا نباشد در مسجد جامع گزارند .

[illegible]

حج یافته باشند اگرچه عرفات هم

[illegible] عن عمرو بن شعیب عن ابیه عن جده [illegible] رسول الله صلی الله علیه وسلم [illegible] .

في وحدة [illegible] بخبره مقصود به و [illegible] منزول غايب و [illegible] مستند [illegible]

معاني لعشيقته فنال منتهى حالاً من خلقاني وتجانب [illegible]

اللهم [illegible] ومنزل بركات في [illegible] سموت [illegible]

بيان [illegible] نشأت [illegible]

إذ نسيني على لدينا .

اللهم [illegible] وتر مكاني [illegible]

شيء من [illegible] مستغيث مستجير [illegible]

معارف [illegible] مستكين و [illegible] بيان [illegible]

الذليل [illegible] و [illegible]

ذلك [illegible] اللهم [illegible]

رب [illegible] مسؤول [illegible]

نفس [illegible]

[illegible] اللهم في [illegible]

[illegible] .

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

من بعد شمول رحمتك ان تعذبني . الهي رحمتك وسعت
كل شيء وانا شيء . الهي ذنوبي وان كانت عظيمة لكنها صغيرة في جنب
عفوك فاغفرها لي يا كريم . الهي انت انت وانا انا انا العواد الى
الذنوب وانت العواد الى المغفرة . الهي ان كنت لا ترحم الا اهل طاعتك
فالى من يفزع المذنبون . الهي تجنبت عن طاعتك عمداً وتوجهت الى
معصيتك قصداً فسبحانك ما اعظم حجتك علي واكرم عفوك عني
فبوجوب حجتك علي وانقطاع حجتي وفقري اليك وغناك عني الا غفرت
لي يا خير من دعاه داع وافضل من رجاه راج بحرمة الاسلام وبحرمة
محمد عليه السلام اتوسل اليك فاغفر لي جميع ذنوبي واصرفني من موقفي
هذا مقضي الحوائج وهب لي ما سألت وحقق رجائي فيما تمنيت .

الهي دعوتك بالدعاء الذي علمتنيه فلا تحرمني الرجاء الذي عرفتنيه
الهي ما انت صانع بشيبة [illegible] خاضع لك [illegible] مستكين
لك بجوده [illegible] اليك من [illegible] اليك من فقره مستغفر
من ذنبه [illegible] اليك في مغفرته [illegible] اليك من [illegible] راجياً
اليك في مقام موقفه مع كثرة ذنوبه فيا من [illegible] من حسن
في رحمتك [illegible] فضيحته [illegible] اليك [illegible] لك خاضعاً
لفناء بابك [illegible] وحسناتك [illegible] ورحمتك
رجوت ومن عذابك [illegible] ومن سيئاتك [illegible] حوائج
سائلين [illegible] بين [illegible] يا سيدي [illegible] من

عظامة . بكسر [illegible] عظيم [illegible]
صغيراً . [illegible] صغير [illegible]
[illegible]
[illegible]

ليس فوقه خالق يخشى ولا دونه من يسعه يرجى وصاحب يرتجى بيه من
ويزيد دعى لسئول وكرماً وجوداً وعلى كثرة حوائج تفضلاً وحسناً .
الهي انك جعلت لكل ضعيف قوي ونحن ضعافك فاجعل قوتنا منك بمنة
لكل متحير لك وفيك حيرة ولكل ذاكر مذكر ولكل سائل عطية ولكل راغب
ولكل ملتمس ما عندك نعمة ولكل مسترحم ما عندك رحمة ولكل راغب
بيان رفعة ولكل متوسل بيك عفو وقد وفدت اليك ببابك تحرم ونفت
هذه المنة عن عفو مرو شاهدا هذه مشاهد الكرام رجاء ما عندك لا
تخيب رجائنا . الهنا تابعت نعم حتى هانت ونفس تتابع نقم
ونهرت بصبر حتى نعمت عصو مت تحتك ونامرت من حتى
استرف وبيانك بالتقصير عن حقك ونهرت آيات حتى نصبت
سماء وارض بآياتك وقهرت بقدرتك حتى خضع كل شيء لعزتك
وعنت وجوه لعظمتك اذا ساء عبادك حلمت وامهلت واذا احسنوا تفضلت
وقبلت واذا عصوا سترت واذا اذنبوا عفوت وغفرت واذا دعوا اجبت
واذا نادوا سمعت واذا اقبلوا اليك قربت واذا ادبروا عنك دعوت .

انحت فرو محرمان . ب روزی کردن . مذهب ضرب بیرب .

نفر نیف . بد میدن وتحریف کردن . بیتاب جونت .

ومتلکنة . فرقتی کردن اتیدن   وقترف . کسب کردن

وناخذة   تبدیل . میدکند .

رشوة .

لمشاهد . جمع مشهد معدودین مشهد قدرکرد .

التخیب . ومیدکرد نیسدی .   ومبنت . تعبس .

العبرة . وعقب . برگشته نیرب رفتی .

نوظار . تشتا ده کردن .

آلهنا انك قلت فی کتابك المبین لمحمد خاتم النبیین قل للذین کفروا ان ینتهوا یغفر لهم ما قد سلف فان رضاك عنهم الاقرار لکلمة التوحید بعد الجحود فانا نشهد لك بالتوحید مخبتنین ولمحمد علیه السلام بالرسالة مخلصین فاغفر لنا بهذه الشهادة سوالف الاجرام ولا تجعل حظنا انقص من حظ من دخل فی الاسلام، آلهنا انك احببت التقرب الیك لعتق ما ملکت ایماننا ونحن عبیدك فانت اولیٰ بالتفضل فاعتقنا وانك امرتنا ان نتصدق علیٰ فقرائنا ونحن فقرائك وانت احق بالتطول فتصدق علینا ووصیتنا بالعفو عمن ظلمنا انفسنا فانت احق بالکرم فاعف عنا ربنا اغفر لنا وارحمنا وانت مولینا فانصرنا علی القوم الکافرون، ربنا آتنا فی الدنیا حسنة وفی الاخرة حسنة وقنا برحمتك عذاب النار،

یامن لا یشغله سمع عن سمع ولا تشتبه علیه الاصوات ویامن لا تغلطه المسائل ولا تختلف علیه اللغات ویامن لا یبرمه الحاح الملحین ولا تضجره مسألة السائلین اذقنی برد عفوك وحلاوة رحمتك واغفر لنا ولوالدینا ولجمیع اقربائنا واحبائنا وعلمائنا وامرائنا ولاستادینا ومعلمینا ومودبینا ولجیراننا ولمن اوصانا بالدعاء ولمن یرجو فضل برکة دعائنا ولجماعة الحاضرین هذا خاصة ولجمیع المومنین والمومنات والمسلمین والمسلمات الاحیاء منهم والاموات انك مجیب الدعوات ومنزل البرکات وقاضی الحاجات وغافر الذنوب والسیئات ومقیل العثرات وانت علیٰ کل شئی قدیر،

اللّٰهم هذا الدعاء ومنك الاجابة وهذا الجهد وعلیك التکلان ولا حول ولا قوة الا بك، اللّٰهم صل علیٰ محمد وعلیٰ آل محمد وعلیٰ جمیع الانبیاء

الاشتباه ۔ پوشیدہ شدن کار و تعدی بعلیٰ ۔ .

التغلیظ ۔ درغلط افگندن و بغلط ملوث کردن ۔

الالحاح ۔ الحاح کردن درخواستن ۔ .

الاضجار ۔ تنگ دل گردانیدن ۔ .

والمرسلین والملائکۃ المقربین وعبادک الصالحین صلوٰۃً دائمۃً نامیۃً لاانقطاع لمددھا ولامنتہیٰ لاوھلھا واجعل ذلک عوناً لنا وسبباً لنجاح طلبتنا انک واسع کریم جواد بو رؤف رحیم ۔ ۔

صدبار بگوید بسم اللہ ماشاء اللہ لاحول ولا قوۃ الا باللہ، بسم اللہ ماشاء اللہ لایسوق الخیر الا باللہ ، بسم اللہ ماشاء اللہ لایکشف السوء الا اللہ ، بسم اللہ ماشاء اللہ کل نعمۃٍ من اللہ ، بسم اللہ ماشاء اللہ الخیر کلہٗ بید اللہ ، بسم اللہ ماشاء اللہ لایصرف السوء الا اللہ ، بسم اللہ ماشاء اللہ ماکان من نعمۃٍ فمن اللہ ۔

شبِ اضحیٰ

چہار رکعت گزارد در ہر رکعتے بعد الفاتحہ اخلاص ومعوذتین صدگان بار بخواند ، بعد از سلام ہفتاد بار بگوید سبحان اللہ والحمد للہ ولا الٰہ الا اللہ واللہ اکبر ولاحول ولاقوۃ الا باللہ العلی العظیم ، اشھد ان لا الٰہ الا اللہ وحدہٗ لاشریک لہ الٰھاً واحداً ولانعبد الا ایاہ مخلصین لہ الدین ولوکرہ الکافرون ۔ ۔

روزِ اضحیٰ

چہار رکعت نماز گزارد ، بعد از نمازِ عید وخطبہ در رکعتِ اوّل بعد الفاتحہ سورۃ الاعلیٰ ، در دوم والشمس ، در سوم والضحیٰ در چہارم اخلاص بخواند ، چوں خواہد کہ قربانی ذبح کند بگوید ۔ ۔

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم ۔ ، بسم اللہ واللہ اکبر ، اللّٰھم ھذا فداانیٔ لحمھا بلحمی ودمھا بدمی وعظمھا بعظمی ان صلوٰتی ونسکی ومحیای ومماتی للہ رب العالمین لاشریک لہ وبذلک امرت وانا اول المسلمین ،

۱ ۔ اراد جبرئیل ومیکائیل واسرافیل وعزرائیل علیہم السلام ۔ ۔

اَللّٰھُمَّ تقبل منی کما تقبلت من خلیلک ابراھیم علیہ السلام، و اگر درویش است قربانی ندارد دو رکعت نماز چوں بچاشت آید بگزارد، در ہر رکعتے بعد الفاتحہ انا اعطینا سہ بار، ثواب قربانی یابد۔

نماز و دعاء آخر سال

در آخریں روز ذی الحجہ دو رکعت نماز بعد از پیشین بگزارد، بخواند در ہر رکعتے بعد الفاتحہ صد آیت از قرآن، بعد از سلام ایں دعا ہفت بار بخواند، گناہان آں سال حق تعالیٰ عفو کند، اَللّٰھُمَّ ما عملت من عمل فی ھذہ السنۃ مما نھیتنی ولم ترضہ ونسیتہ ولم تنسہ وحلمت عنی بقدرتک علی عقوبتی دعوتنی الی التوبۃ علیک، اَللّٰھُمَّ انی استغفرک منھا یا غفور فاغفرلی وما علمت من عمل ترضاہ ووعدتنی علیہ الثواب فتقبلہ منی ولا تقطع رجائی یا عظیم الرجاء۔

بروایت دیگر:۔ نماز آخر سال و اول سال دوازدہ رکعت است بسہ سلام در چہار گانے، اول چہار قل بخواند در ہر رکعتے قلی۔ بعد از سلام بگوید سبحان ذی الملک والملکوت سبحان ذی العزۃ والعظمۃ والکبریاء والجبروت سبحان اللہ وبحمدہ سبحان اللہ العظیم۔

تمت بعون اللہ عز وجل

روی عن النبی صلی اللہ علیہ وسلم من صلی اثنا عشر رکعۃ بثلاث تسلیمات فی اول لیلۃ من المحرم کان فی حفظہ من المحرم الی المحرم۔